





مرکز تدوین آثار رهبر شهید



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



گفت و گوی رهبر

جلد اوّل

رهبر شهید پروفیسور برهان الدین ربّانی



شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: گفت‌وگوی رهبر، جلد ۱؛

عنوان فرعی: مجموعه از گفت‌وگوهای رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی؛

گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طراح جلد و برگ‌آرا: عصمت‌الله احراری؛

سال چاپ: ۱۳۹۹ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

شناسه افزوده: گفتارها، سیاسی، دینی و اجتماعی...؛

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد؛

شمار برگه‌ها: ۱۶۵؛

قطع: رقعی؛

بها: ۱۵۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛



نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

نشانی برقی: sh.rabbani1390@gmail.com؛

حق چاپ تنها برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست مطالب

درآمد.....	۱۱
گفت‌وگوی نخست با شبکه تلویزیونی رشا تودی	۱۵
گفت‌وگوی دوم با رادیو آزادی	۲۱
گفت‌وگوی سوم با رسانه‌های خارجی	۲۵
گفت‌وگوی چهارم با شبکه تلویزیونی نور	۳۷
گفت‌وگوی پنجم با سلطان حمد خبرنگار بخش تاجیکی رادیو آزادی.....	۴۷
گفت‌وگوی ششم با هفته‌نامه مجاهد	۵۵
گفت‌وگوی هفتم با بی‌بی‌سی	۷۱
گفت‌وگوی هشتم با روزنامه‌های انگلیسی‌زبان وال استریت ژورنال، لاس‌انجلس تایمز و شیکاگو تریبون.....	۸۱
گفت‌وگوی نهم با هفته‌نامه مجاهد	۸۷
گفت‌وگوی دهم با هفته‌نامه مجاهد.....	۹۵
گفت‌وگوی یازدهم با هفته‌نامه مجاهد	۱۰۱
گفت‌وگوی دوازدهم با رادیو بی‌بی‌سی.....	۱۰۹
گفت‌وگوی سیزدهم با وقایع‌نگار انقلاب اسلامی افغانستان	۱۱۵
گفت‌وگوی چهاردهم با "N.B.C"	۱۲۱
گفت‌وگوی پانزدهم با وقایع‌نگار انقلاب اسلامی افغانستان.....	۱۲۹
گفت‌وگوی شانزدهم با مجله عربی العالم	۱۳۹

- گفت‌وگوی هفدهم با مجله العالم چاپ لندن..... ۱۴۵
- گفت‌وگوی هژدهم با روزنامه‌های «الشرق الأوسط» و «عرب نیوز»..... ۱۵۳
- رویکردها..... ۱۶۳

به نام خدای مهربان

درآمد

استاد ربانی، نام آشنا در حوزه سیاست و دیانت در افغانستان، بیشتر از نیم قرن برای اهداف و آرمان‌هایی که داشت، قدم زد و قلم و هزار جهد بکرد که باورهایش را به پیروزی برساند و برای تحقق آرمان و رسالتی که عنوان کرده بود، برنامه ریخت و محور ایجاد کرد و مجموعه ایجاد کرد... و در این راه با دشمنان پیدا و پنهانی مواجه شد که این دشمنی‌ها و قساوت آن هرگز پای اراده و باورهای او را متزلزل نساخت؛ بلکه بیشتر از پیش عزمش را جزم کرد و با گام‌های استوار و با قلب پر از ایمان به خدا و امید به پیروزی به پیش تاخت. برگه‌هایی که پیش چشمان شما قرار دارد، پاسخ به پرسش‌هایی است که در همین مسیر خلق شده است؛

بلی، کتاب «گفت‌وگوی رهبر، ج۱» مجموعه از مصاحبه‌های استاد شهید با رسانه‌های چاپی، شنیداری و دیداری داخلی و خارجی است که در سال‌های مختلفی صورت گرفته است که هر کدام برای هر مقامی، مقالی دارد.

این مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

- گفت‌وگوی نخست با شبکه تلویزیونی رشا تودی؛
- گفت‌وگوی دوم با رادیو آزادی؛
- گفت‌وگوی سوم با رسانه‌های خارجی؛

- گفت‌وگوی چهارم با شبکه تلویزیونی نور؛
- گفت‌وگوی پنجم با سلطان حمد خبرنگار بخش تاجیکی رادیو آزادی؛
- گفت‌وگوی ششم با هفته‌نامه مجاهد؛
- گفت‌وگوی هفتم با بی‌بی‌سی؛
- گفت‌وگوی هشتم با روزنامه‌های انگلیسی‌زبان وال استریت ژورنال، لاس آنجلس تایمز و شیکاگو تریبیون؛
- گفت‌وگوی نهم با هفته‌نامه مجاهد؛
- گفت‌وگوی دهم با هفته‌نامه مجاهد؛
- گفت‌وگوی یازدهم با هفته‌نامه مجاهد؛
- گفت‌وگوی دوازدهم با رادیو بی‌بی‌سی؛
- گفت‌وگوی سیزدهم با وقایع‌نگار انقلاب اسلامی افغانستان؛
- گفت‌وگوی چهاردهم با "N.B.C"؛
- گفت‌وگوی پانزدهم با وقایع‌نگار انقلاب اسلامی افغانستان؛
- گفت‌وگوی شانزدهم با مجله عربی العالم؛
- گفت‌وگوی هفدهم با مجله العالم چاپ لندن؛
- گفت‌وگوی هژدهم با روزنامه‌های «الشرق الأوسط» و «عرب نیوز».

نکته قابل تذکر اینکه به دلیل در اختیار نداشتن همه گفت‌وگوهای رهبر، ما نتوانستیم ترتیب تاریخ را رعایت کنیم. امیدواریم روزی فرابرسد که همه مصاحبه‌های ایشان فراهم شود و پس از نو به اساس ترتیب تاریخ رعایت گردند.

کارما:

کار ما در این چنین بوده:

در گام نخست، سخنان رهبر شهید را حروف‌نگاری کردیم و بعد مطابق دستورالعمل تدوینی خویش دست به تصحیح زدیم و از آن بعد در کنار مُعرَفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، دست به مستندسازی روایات و نقل‌قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و

توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها و ویرایش زدیم. نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

درکُل، چنانکه ما در مقدمهٔ نخست جلد خط رهبر گفتیم، اینک در مقدمهٔ جلد نخست «گفت‌وگوی رهبر» تکرار می‌کنیم که چشم‌داشت ما از این کار این است: نسلی که به دلایلی از معیت با این گفت‌وگوهای‌های روشنگر، به دور بودند؛ امروزه در متن این گفت‌وگوها قرار گیرند؛ تا رغبت جنبیدن در آنان بیدار شود.

پیش از بستن این برگه‌ها بر خود لازم می‌دانم که از همکاران و برادرانم در مرکز تدوین خیرالله خیرخواه، دلاور نسیمی و محمد کامل عمران، بابت زحمات‌شان در کار تدوین آثار سپاسگزاری کنم. أَجْرَهُمَ عَلَى اللَّهِ وَسَدَدَ خُطَاهُمْ.

به هر رو امید ما از حضرت باری تعالی این است که همان‌گونه که توفیق بخشید و توانیستیم که تا کنون جلد نهم خط رهبر را روانهٔ چاپ‌خانهٔ کنیم، قادر شویم که «گفت‌وگوی رهبر» را مسلسل کنیم تا از حقایق زیادی پرده برداشته شود و حقایق زیاد تسجیل برگه‌های تاریخ گردد. به امید روزی که بتوانیم به این مأمول دست یابیم وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

گفت‌وگوی نخست
با
شبکه تلویزیونی رشا تودی
تاریخ: حمل ۱۳۹۰ هـ ش



رشا تودی^۱: این روزها در رسانه‌ها و اخبار، تحلیل‌های منتشر می‌شود در مورد آغاز گفت‌وگوها با حرکت طالبان، از سوی دیگر رهبری طالبان هر نوع تماس با دولت افغانستان را رد می‌کند.

سوال من از شما به عنوان رئیس شورای عالی صلح این است که آیا شما هیچ تماس مستقیم یا غیرمستقیم با ملا عمر دارید؟

استاد: نمی‌توانم بگویم که ملا عمر به شرکت در مذاکرات صلح آمیز موافقت کرده است، همچنان این امکان را کاملاً رد هم نکرده است؛ اما به نظر من، رهبری طالبان بعضی گرایش‌ها به صلح دارند، این گرایش‌ها تحقیقاً وزنه‌ای هم در میان طالبان دارد. آن‌ها این را فهمیده‌اند که امنیت کشور به نفع آن‌ها هم است.

بدون شک اختلاف‌هایی بین رهبری طالبان چه در داخل و چه در خارج از کشور هست. رهبران مختلف طالبان با هیئت‌های ما در خارج از افغانستان تماس گرفته‌اند و از ما خواسته‌اند که نام‌های آن‌ها به‌خاطر رسیدن به اهداف، محرمانه نگهداشته شود.

ما می‌فهمیم که در داخل حرکت طالبان مشکلاتی هست و نیروهای معینی وجود دارند که می‌تواند که برای طالبانی که با ما تماس گرفته‌اند، مشکلات ایجاد کنند، همچنان یگان نیروهایی هستند که می‌خواهند پروسه صلح همراه دولت پاکستان را تضعیف کنند.

۱. متأسفانه نتوانستیم به تاریخ دقیق این گفت‌وگو دست یابیم؛ اما حدس ما این است که این مصاحبه در سال صورت گرفته است. «مرکز تدوین»

رشا تودی: دو ماه قبل افغانستان وارد مرحله جدیدی شد که ممکن نیروهای بین‌المللی از قلمرو آن‌ها خارج شوند، فکر نمی‌کنید در سال ۲۰۱۴ م، وقتی که نیروهای بین‌المللی افغانستان را ترک می‌کنند، کشور در جنگ بدتری سقوط خواهد کرد؛ یعنی در یک جنگ داخلی؟

استاد: من مطمئنم تا آن زمان ارتش و نیروی پولیس خود را تقویت خواهیم کرد و مشکلات و اختلافات خود با طالبان و دیگر نیروهای مسلح مخالفی را که در افغانستان وجود دارد حل و فصل خواهیم کرد.

خروج نیروها حتماً انجام خواهد شد و مشکلات معینی هم به وجود خواهد آمد؛ اما به منظور از بین بردن مشکلات، ما باید اختلافات خود با طالبان را هرچه سریع‌تر حل کنیم.

بدون شک مردم ما خواهان باقی ماندن نیروهای خارجی در کشور نیستند و امنیت کشور ما نیز نباید متکی به حضور نیروهای بیگانه باشد و این برای مردم افغانستان غیرقابل قبول است.

با توجه به وضعیت بحرانی در کشور ما، عدم ثبات و دوام درگیری‌های مسلحانه، ما باید حضور نیروهای خارجی در کشور را تحمل کنیم.

من تأکید داشته‌ام اگر اشغال خارجی توسط کشورهای متعدد نمی‌بود، جنگ داخلی و مشکل با طالبان در افغانستان وجود نمی‌داشت. مردم افغانستان سال‌ها بدون این‌گونه جنگ‌ها در کنار هم زندگی کرده‌اند.

در هر صورت ما حتی قبل از خروج نیروهای خارجی، می‌خواهیم در کشورمان صلح و ثبات باشد، ما می‌خواهیم ارتش و نیروی پلیس ما امنیت کامل افغانستان را تأمین نمایند.

رشا تودی: شما آینده افغانستان و چشم‌انداز صلح را چگونه می‌بینید؟
استاد: این روشن است که صلح فقط یک هدف نیست؛ بلکه مسئولیت دولت است و همچنان نیاز حیاتی برای مردم افغانستان.

به این منظور، شورای عالی صلح در همکاری با دولت افغانستان، به هدف آوردن صلح و امنیت سراسری در کشور، کار می‌کند.

این روشن است که ایده صلح در هر کشوری بستگی به یک سلسله عوامل

دارد، از سیاست داخلی گرفته الی نگرش‌های همسایگان و دولت‌های آن‌ها؛

بنابراین، ما تصمیم گرفتیم در دو جهت حرکت کنیم. تلاش برای گفت‌وگو با طالبان در داخل افغانستان و گفت‌وگو با کشورهای همسایه و جامعه بین‌المللی. ما در هردوی این مسیرها پیشرفت‌هایی داشته‌ایم و به‌طور خاص، ما موفق به دریافت کمک و همچنین تعهداتی از کشورهای منطقه شده‌ایم، مخصوصاً از طرف پاکستان.

ما از دولت‌هجای این کشورها توقع داریم که گام‌های عملی در این مورد بردارند. همچنان در مورد طالبان ما از طریق هیئت‌های نمایندگی مختلفی، مذاکراتی را با آن‌ها راه‌اندازی نمودیم که تاکنون نتیجه خاصی از این مذاکرات به‌دست نیامده‌است.

بزرگ‌ترین چالش برای ما در این مورد، موضوع نمایندگی در قسمت مذاکره‌کنندگان هردو طرف است و این بستگی زیادی به طرز برخورد پاکستان در این مورد دارد.

هر زمانی که دولت پاکستان تصمیم بگیرد که به‌طور جدی موضوع صلح را در افغانستان در دستور کار خود قرار دهد و قبول کنند که از کشور ما حمایت و پشتیبانی نمایند، من مطمئنم که پروسه صلح از بن‌بست خارج خواهد شد.

گفت‌وگوی دّوم
با
رادیو آزادی
تاریخ: ۱۸ حوت ۱۳۸۹ هـ.ش.



خبرنگار: استاد! شما چه وقت همراه مخالفین مسلّح تماس‌های صلح را آغاز می‌کنید؟

استاد: تماس‌هایی با مخالفین آغاز شده، بعضی دید و وادیدهایی هم صورت گرفته و دید و وادیدها هنوز ادامه دارد؛ نامه‌ها تبادله می‌شود؛ ولی تا هنوز گپ‌ها به مرحله‌ای نرسیده که ما آن را اعلان بکنیم.

خبرنگار: استاد چه وقت هیئت شما به «گوانتانامو»^۱ سفر می‌کند؟ به جایی که در آنجا رهبران مخالفین مسلّح بندی‌اند تا همراه‌شان مذاکرات را آغاز کند؟

استاد: تا هنوز وقت‌شان تعیین نشده و هنوز پیش از وقت است که این را بگویم که چه کسانی می‌رود.

خبرنگار: این تماس‌ها همراه هیئت گوانتانامو که شامل هستند، آنجا صورت گرفته یا...؟

۱. بازداشتگاه گوانتانامو (Guantanamo Bay detention camp)؛ نام زندان نظامی است واقع در پایگاه نیروی دریایی خلیج گوانتانامو در خلیج گوانتانامو در جنوب‌شرقی کوبا که در اجاره ارتش آمریکا قرار دارد. این پایگاه طبق قرارداد بین آمریکا و کوبا، از سال ۱۹۰۳ م، در اجاره نیروی دریایی آمریکا بوده و اگرچه پس از انقلاب کوبا در دهه ۱۹۵۰ م، دولت آن کشور خواستار لغو این اجاره‌نامه شد؛ اما آمریکا با این درخواست موافقت نکرده و هر ساله چک مبلغ اجاره را برای دولت کوبا می‌فرستد و دولت کوبا هم از نقد کردن آن خودداری می‌کند. در پی حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م، در آمریکا و اعلام دکترین «جنگ با تروریسم»، دولت آمریکا بازداشتگاهی را در این پایگاه ایجاد کرد تا کسانی را که در ارتباط با اقدامات تروریستی در نقاط مختلف جهان بازداشت می‌شوند، در این محل زندانی کند و بیشتر کسانی که زندانی می‌شوند، مسلمانان‌اند و مورد اذیت و شکنجه‌های خطرناک می‌شوند. برای آگاهی بیشتر از این بازداشتگاه به کتاب «تصویری از گوانتانامو» از ملا عبدالسلام ضعیف مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

استاد: نه‌خیر؛ نه‌خیر؛ نه به گواتانامونی ☺ بیشتر ما کوشش می‌کنیم با کسانی که در داخل و در جاهای دیگری که در این صفوف تصمیم‌گیرنده‌اند، تماس‌ها صورت بگیرد.

می‌خواهم برای شما بگویم که تشویش ما این است که اگر همین حالا مذاکرات با طالب‌ها صورت نگیرد، طالب‌ها هم، همه یک شکل و یک رنگ نیستند، می‌ترسیم که یک وقتی خارجی‌ها افغانستان را ترک بگویند، ما بمانیم و آنان و باز به یک جنگ خونین دیگری روبه‌رو شویم؛

بلی، این ترس و تشویش وجود دارد؛ لذا ما باید پیش از پیش، اقلاً کسانی را در صف طالبان پیدا کنیم و از آنان بپرسیم که آخر شما چه می‌کنید؟ نشود که آنان هم بیرون شوند و یک جنگی مثل سابق را به راه بیندازند.

خبرنگار: تشکر! بسیار ببخشید استاد یک سوال دیگر: به آن کشورهایی که مخالفین مسلح خصوصاً طالب‌ها را حمایت می‌کنند، چه تضمینی وجود دارد که [طالبان] از آن‌ها رهایی می‌یابند؟ یعنی آن‌ها برای‌شان اجازه می‌دهند که با حکومت افغانستان صلح کنند؟

استاد: حالا که آن‌ها وعده سپرده‌اند که هیچ‌کسی مداخله نمی‌کند و تصمیم گرفته شده که دیگر همگی کارها از طریق دولت افغانستان صورت بگیرد.

گفت‌وگوی سوّم
با
رسانه‌های خارجی
تاریخ: ۱۵ میزان ۱۳۸۹ هـ ش



We are making a movie about Taliban because I believe that it is impossible to understand what is boring here now if we do not look no past if we do not understand past. So let me ask you two questions about past what has happen in past. So my first question is about 1994 in his book Ahmad rashid in book Taliban ahmad rashid wrote that you support Taliban where beginning of this movement why do you support?'

استاد: بلی، در آغاز وقتی که طالب‌ها به کار خود شروع کردند، البته از قندهار فعالیت‌های‌شان را آغاز کردند؛ در آن وقت یک هیئتی از طالبان به کابل آمدند که تعدادی از این افراد، کسانی بودند که بعضی از آن‌ها شناخته‌شده بودند و در میان‌شان بعضی از مجاهدین که آن‌ها فرماندهان بعضی از گروه‌های جهادی بود، نیز حضور داشتند، این‌ها آمده بودند و گفتند: یک سلسله نابسامانی‌هایی در قندهار وجود دارد که اگر شما در

۱. برگردان متن انگلیسی: «ما در حال ساختن یک فیلم در مورد طالبانیم؛ زیرا من معتقدم که درک اینکه در اینجا چه چیزی خسته‌کننده است غیرممکن است، اگر گذشته را نفهمیم، به گذشته نگاه کرده نمی‌توانیم؛

بنابراین، اجازه دهید دو پرسش راجع به آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، از شما بپرسم. پس نخستین پرسش من در مورد سال ۱۹۹۴ م، است. احمد رشید (نویسندهٔ پاکستانی) در کتاب خود به نام «طالبان» نوشته است که شما در آغاز از طالبان حمایت کردید، چرا حمایت کردید؟» «مرکز تدوین»

جهت رفع آن به ما کمک کنید؛ تا ما بتوانیم برای از بین بردن بعضی کارهایی که مخالف قانون است و برای از بین بردن قانون‌شکنی‌ها و برای تحقق بعضی از ارزش‌های اخلاقی، با دولت همکاری بکنیم؛

آن وقت بود که ما به‌خاطری که این‌ها از یک‌طرف خود را چنان مردم‌های بسیار دلسوز معرفی کرده بودند و از طرف دیگر آن‌ها مسلح هم نبودند و در ضمن آن‌ها بیشتر حمایت‌های امنیتی می‌خواستند و می‌خواستند بعضی مشکلات مالی‌شان حل شود، خلاصه، این‌ها خود را چنان نشان دادند که این‌ها یک گروهی‌اند که برای نظم و تطبیق قانون، به‌پا شده‌اند و همچنان به ما چنان نشان داده بودند و وعده کرده بودند که ما در مناطقی که اونجا یک‌نوع اختلافات مابین بعضی افراد، اشخاص و گروه‌هاست ما در جهت رفع آن با نظام همکاری می‌کنیم؛ به همان اساس بود که دولت با آن‌ها همکاری کرد.

معمولاً در تاریخ افغانستان کسانی که در مدارس دینی درس می‌خوانند، آن‌ها اساساً غیرمسلح بودند و حتی در اردو هم سهم نمی‌گرفتند؛ یعنی از اردو هم معاف بودند، به این معنی که این‌ها یک قشری از مردم بودند که با سلاح و وسایل جنگی سروکاری نداشتند و از طرفی هم، قشر روحانیون در حل پارالم‌های ملی معمولاً در تاریخ افغانستان حضور می‌داشتند و برای حل مشکلات مابین مردم کار می‌کردند و از این رو، پیش مردم احترام هم داشتند، تصور ما با شناخت تاریخی از این مردم بود که ما فکر می‌کردیم که این‌ها همان وظیفه روحانی، وظیفه دینی و تاریخی خود را انجام می‌دهند.

خبرنگار: چه وقت دریافتید که این‌ها قدرت می‌خواهند؟

استاد: تقریباً ما وقتی فهمیدیم، این‌ها یک گروهی‌اند که اهداف خاص خود را دارند، که فرمانده آن منطقه مرحوم نقیب الله آخندزاده گفتند که این‌ها فعلاً دارند مسلح شده روان‌اند و می‌خواهند به بعضی مناطق حمله بکنند و ما در برابر یک حالتی قرار داریم که اگر جنگ بکنیم، چه شود؟ زیرا جنگ با مردم خود می‌شود و اگر نکنیم این‌ها به بعضی از مناطق حمله می‌کنند.

ناگفته نماند مرحوم نقیب الله آخندزاده در آغاز، پیامی فرستاد و حتی واسطه بود که ما با این‌ها همکاری بکنیم؛ اما بعدتر پیغام روان کرد که نه‌خیر؛ این‌ها برنامه خطرناکی دارند؛ این‌هایی که به‌ظاهر بسیار آرام و مصلح معلوم می‌شوند؛ در اصل می‌خواهند فساد ایجاد بکنند.

خبرنگار: چرا پاکستان تصمیم گرفت از طالبان حمایت کند؟ آیا این جزئی از همان بازی بزرگ بود؟

استاد: قسمی که شما چندین بار مصاحبه‌ای را که داشت، شنیده‌اید و من هم یکی از مصاحبه‌هایش را در لندن شنیده بودم، این موضوع را یاد کرد که طالبان یک پروژه‌ای است که در آن کشورهای مختلفی؛ پاکستان، ایالات متحده آمریکا، انگلستان و... همه در ساختن آن، شریک‌اند و تعدادی از کشورهای عربی هم از لحاظ مالی برای‌شان همکاری می‌کنند و تربیه و رهبری نظامی‌شان در پاکستان صورت می‌گیرد که این ارتباط را با بازی بزرگ علناً اعلان کرد.

Did you fell that it was a game too?'

استاد: بلی، آن‌ها اصلاً وقتی احساس کردند که مجاهدین در برابر روس‌ها پیروز شدند و حکومت خود را در داخل افغانستان تشکیل دادند، دست به این کار زدند و حتی قبل از اینکه ما به داخل افغانستان و به کابل هم بیاییم، ما یک سلسله تخریب‌کاری‌ها را احساس کردیم؛

مثلاً به‌صورت نمونه در وقتی که ما در برابر روس‌ها می‌جنگیدیم، بعضی از کشورهای غربی و حتی بعضی از کشورهای عربی هم یک سلسله پروژه‌هایی را که در مناطق آزادشده در وقت جنگ مثل مکتب‌ها، کلینیک‌ها آباد کرده بودند و تعدادی در حالت آبادکردن بود، به محضی که روس‌ها شکست خوردند تمام پروژه‌ها اکثراً متوقف شد.

و ما برای‌شان می‌گفتم که چرا فعلاً صحنه را ترک می‌کنید؟ دیروز که جنگ هم بود و در مناطق آزادشده خطر بمبارد هم وجود داشت، برنامه‌های تعمیراتی شما ادامه داشت؛ اما فعلاً که همه مناطق افغانستان

۱. یعنی آیا حس می‌کنید که آن همچنان یک بازی بود؟ «مرکز تدوین»

آزادشده، پروژه‌هایی که نیم‌کاره است، این را اکثراً گذاشتید، حتی خدمات انسانی را که می‌کردند، این‌ها همه بسته شد. خوب، ما احساس کردیم که حتماً یک توطیه‌ای پشت‌سر این رها کردن‌ها هست.

خبرنگار: قبل از اینکه سؤالاتی را در مورد صلح مطرح کنم، سوال آخرم در ارتباط به گذشته این است که چرا در سال ۱۹۹۶ م، اجازه دادید که اسامه بن‌لادن به افغانستان بیاید؟

استاد: البته به شکلی نبود که دولت او را اجازه داده باشد؛ بلکه حکومت محلی در جلال‌آباد که مسئول آن، در آنجا مرحوم حاجی قدیر بود، زمانی که در طیاره‌ای که او از سودان آمده بود و آنجا پایین شده بود، [او را با خود آورده بود و] البته دوستانی از جمله حاجی قدیر و کسانی که در آنجا بودند، برایش جای داده بودند که در آنجا باقی بمانند.

ناگفته نماند که تا آن زمان بن‌لادن به‌حیث یک چهره‌ای که ناپسند بین‌المللی بوده باشد، شناخته نشده بود. تا آن وقت او از جمله کسانی بود که ما او به‌عنوان کسی می‌شناختیم که با امریکا رفت‌وآمد می‌کرد، با عربستان سعودی رفت‌وآمد می‌کرد و همراه هیئت‌های مشترک پاکستان و کشورهای اسلامی و غیراسلامی رفت‌وآمد داشت؛ یعنی او با این کارها خود را گویا جزیی از تیم همکاری‌های بین‌المللی قرار داده بود.

فرواموش نکنیم که در آن جمله کشورهایی هم بود و بعضی از مؤسسات انسانی که بعضی از مجموعه‌هایی از کشورهای عربی، از سوی آنان بسیار تشویق می‌شدند که آن‌ها بیایند و در مبارزه علیه اتحاد شوروی شرکت کنند و حتی تکت‌های طیاره‌ای که برای‌شان از طرف حکومت‌های‌شان از ایرلندها پرواز می‌کردند، به نیم قیمت برای‌شان داده می‌شد؛

به این اساس، هیچ‌کس نمی‌فهمید که این چهره، در آینده به‌عنوان یک چهره بسیار خطرناک و نامطلوب بوده باشد.

این هم ناگفته نماند که در آن اداره‌ای که او جای داده شده بود اگر در ظاهر با دولت مرکزی رابطه داشتند؛ اما تاجایی آن‌ها تقریباً یک نوع استقلالیت

داشتند و در بعضی از کارهای خود مستقل عمل می‌کردند؛ چون تا هنوز امنیت در کل کشور مستقر نشده بود و مشکلات زیاد بود؛ به این اساس، آن‌ها می‌توانستند که در بعضی موارد کارهای خود را مستقلاً نه انجام بدهند.

خبرنگار: می‌شود توضیح بدهید که چرا حال با طالبان صحبت می‌کنید؟
استاد: طوری که شما می‌دانید، بعد از اینکه ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده آمریکا جنگی را به نام به «ضد تروریسم»، به ضد طالب‌ها شروع کرد، تصور می‌شد که طی یک‌چند سال این مشکل به کلی حل شود؛ اما تقریباً ده سال گذشت و این مشکل به جای اینکه حل شود پیچیده‌تر و مشکلات هنوز زیاده‌تر شد و در داخل افغانستان، دولت افغانستان و حلقه‌های بین‌المللی کشورها هم به این نتیجه رسیدند که حل مشکل افغانستان از طریق جنگ امکان ندارد؛ زیرا این جنگ، جنگ را توسعه می‌دهد، نحوه جنگ به شکلی نیست که مردم عام در امان بوده باشد؛ بلکه جنگ طوری جریان دارد که تلفات انسانی در مابین اقوام و قبایل افغانستان زیاده‌تر می‌شود و این‌ها به جای اینکه در پهلوی دولت قرار بگیرند، عقده‌مند می‌شوند و در پهلوی مخالفین قرار می‌گیرند.

این موضوع را جامعه بین‌المللی به رهبری ایالات متحده آمریکا درک کرده بود، به همان اساس بود که مسئله صلح من حیث یک پروژه ملی مطرح شد. این کار طی چندین مرحله طی شد که آخرین مرحله آن یک جرگه‌ای بود که ۱۶۰۰ نفر از زعمای قبایل، رهبرهای مذهبی و رهبرهای سیاسی افغانستان و از نمایندگان را که از ولایات مختلف آمده بودند، دربر می‌گرفت، فیصله کردند که باید «شورای عالی صلح» ساخته شود و این شوری مسئله مذاکره با طالبان را تعقیب کند.

خبرنگار: نویسنده‌ای نوشته کرده بود که طالبانی که به حساب میانه‌روند، به همان قاتل‌های معتدل می‌مانند! شما جایی که به این کمپرومايز فکر می‌کنید در کجاست، در بین طالب‌ها؟

استاد: کاش طالبان به عنوان افراد، گروه‌ها و اشخاص محدودی می‌بودند؛

اما قسمی که شما در جریان اید طالبان فعلاً به عنوان مجموعه‌های بسیار بزرگ قومی در مناطق مختلف تشکیل شده‌اند که در میان‌شان شخصیت‌های مختلفی از اقشار مختلف مردم، با دیدهای مختلفی وجود دارد و حتی شما می‌دانید کسی که بالای وزارت دفاع حمله کرده بود، کسی بود که در لندن به سر می‌برد و حتی می‌گویند در آنجا درس هم می‌خواند؛ بلی، بعد از اینکه شش سال آنجا درس خوانده بود، اینجا آمد و این عمل را انجام داد.

این به این معناست که در میان طالبان اقشار و انواع و اقسام مختلفی وجود دارد؛ لذا حل این مسئله از طریق جنگ با برداشتی که فعلاً ما داریم، مشکل است و ما اگر به‌جای اینکه این مشکل را حل نکنیم، دنبال قضیه دیگری بگردیم، مطمئن باشید که تعداد کسانی که سلاح را می‌گیرند، روزبه‌روز زیاد شده می‌روند و حتی اخیراً استخدام اطفال و نوجوان‌ها به‌عنوان عناصر انتحاری، این خود یک اعلام خطر است؛

به همین اساس، ما به هر قیمتی که می‌شود باید جلو جنگ و توسعه دامنه جنگ را بگیریم، در غیر آن از کنترل می‌برآید.

خبرنگار: آیا یقیناً آن‌ها قدرت می‌خواهند؟

استاد: تصور من این است که فعلاً مسئله قدرت‌خواهی، در سرفهرست خواست‌های‌شان قرار نداشته باشد. البته انگیزه‌های مختلفی آن‌ها را به جنگ کشیده باشد؛ همانند احساس انتقام و یک نوع جهل و در عین حال شاید مجموعه‌هایی هم در میان‌شان باشد که قدرت‌خواه باشند و تعدادشان هم را شاید یک‌نوع تشویق بسیار به غلط که گویا این‌ها به ضد قوت‌های خارجی و به ضد کسانی می‌جنگند که از قوت‌های خارجی حمایت می‌کنند، وادار به جنگ کرده باشد.

یعنی طالبان با انگیزه‌های مختلف و با دیدگاه‌های مختلفی در صحنه حضور دارند و حتی من تصوّر می‌کنم که این‌ها مثلی که در گذشته به فکر گرفتن قدرت بودند، همه اهداف‌شان در گرفتن قدرت خلاصه نمی‌شود.

خبرنگار: باز وقتی که این‌ها در قدم اوّل قدرت نمی‌خواهند، چه می‌خواهند؟

استاد: قسمی که پیشنهادهایی را همیشه داشتند فعلاً هم می‌خواهند که باید نیروهای خارجی برآید.

این از جمله خواست‌های اولین‌شان است و چیز دیگری که ناگفته نماند، اگرچه طالب‌ها هم یک جریان افغانی‌اند؛ اما شما هم می‌دانید، طوری که گفته بودید، این جزیی از بازی بزرگ است.

چه فکر می‌کنید، آیا این‌ها هنوز هم تنها خودشان این برنامه را پیش می‌برند و یا به ادامه همان بازی بزرگ، برخی از کشورهای اطراف و یا جهت‌هایی می‌خواهند که از این‌ها بعضی از استفاده‌هایی بکنند و این‌ها را در یک بازی جدیدی استخدام بکنند؟

حتی ما به این عقیده‌ایم که هرچند شاید این‌ها به صورتِ بازی بزرگ به آن شکل اولی‌اش، در دست دیگران نباشد؛ اما بعضی از جهت‌هایی که دیروز این‌ها را حمایت می‌کردند، هنوز هم به‌خاطر یک سلسله منفعی، شاید این‌ها در اختیار آنان قرار دارند؛ برای مثال کسانی هستند فعلاً که فامیل‌های آنان در پاکستان قرار دارد و طبعاً که برای آن‌ها یک سلسله محدودیت‌هایی هست.

خبرنگار: شما که رئیس شورای عالی صلح‌اید، به نظر شما چقدر عفو و بخشش در این پروسه مهم است؟

استاد: شکی نیست که عفو و بخشش یکی از تعاملات انسانی است که در بخش‌های مختلفی باید به کار گرفته شود؛ اما فعلاً مسئله عفو و بخشش موضوع اساسی نیست؛ موضوع اساسی این است که ما چه گونه می‌توانیم یک فضایی را ایجاد بکنیم که حالت محاذآرای را به حالت گفت‌وگو و حالت صلح‌خواهی تبدیل کنیم.

خبرنگار: می‌شود که تمام جنایات طالب‌ها را بخشید؟ جنایاتی که در گذشته‌ها کردند و خصوصاً در ده سال اخیر؟

استاد: تصور من این است که حقوق فردی انسان‌ها را کسی بخشیده نمی‌تواند، همچنین جنایاتی را که در برابر مردم شود؛ اما تطبیق جزا، برای کسانی که مجرم‌اند ولو بسیار مجرم‌های خطرناک هم بوده باشند، ارتباط

می‌گیرد به قضا، که قضا در این باره فیصله کند و قضا هم در وقتی فیصله کرده می‌تواند که امنیت بوده باشد و جنگ قطع شود؛ اما در دوران جنگ قضا نمی‌تواند فعالانه کار بکند؛

به این اساس؛ باید ما انتظار بکشیم که امنیت به میان بیاید و بعد از آمدن امنیت است که می‌شود روی مسایل نقض حقوق بشر و یا جنایاتی که صورت گرفته، جرایم جنگی و این گونه گپ‌ها بحث کرد.

این موضوع - قسمی که شاید در حقوق، در کشورهای غربی هم باشد - در فقه و شریعت اسلامی مُسَلَّم است که کسی حق افراد را بخشیده نمی‌تواند. خلاصه، جرمی که در برابر افراد باشد؛ یعنی متعلق به حقوق العباد باشد، کسی آن را بخشیده نمی‌تواند؛ اما حقوق الله را دولت می‌تواند که ببخشد؛ یعنی چیزهایی که حقوق عامه باشد؛ اما حقوقی که به افراد مربوط باشد، هیچ‌کس حق بخشش آن را ندارد.

خبرنگار: شما سال‌ها کسی بودید که با طالب‌ها جنگیدید و مصاحبه‌هایی که با افراد مختلف در اینجا در افغانستان داشتیم، ما نظرات مختلفی را جمع کردیم، ما این طور فکر می‌کنیم که چطور امکانش هست که جناب شما حرف صلح را با طالب‌ها بگویید و رئیس شورای صلح باشید؟ آیا شما وقتی می‌خواهید با طالب‌ها صلح کنید، به عنوان یک دشمن صلح می‌کنید؟

استاد: ما تنها امروز نیست، ما در وقتی که آن‌ها مستقیماً با حکومت ما می‌جنگیدند، نشست‌هایی همراهشان داشتیم، در ازبکستان با آن‌ها نشست داشتیم، در ترکمنستان نشست داشتیم و در دنیا هم، کسانی با هم صلح می‌کند که در جنگ بوده باشند، کسانی که با هم در جنگ نبوده باشند، صلح کردن با همدیگر - من فکر می‌کنم - معنای چندانی نخواهد داشت.

دیروز که ما در دولت به حیث پوزیشن قرار داشتیم و آن‌ها با ما می‌جنگیدند، ما با آن‌ها می‌نشستیم و صلح می‌کردیم، امروز ما که جزء دولت نیستیم!

پیمانی که بین ما و دولت است، ما فقط به عنوان یک فردیم. در نظام و مسئولین دولت کسان دیگری‌اند، نه در برابر دولت قرار داریم و نه در برابر فردی؛ لذا ما در این حالت تقریباً یک نوع همکار با مسئله و با نظام و حتی

با حل مشکل و پرابلم بین‌المللی هستیم که فعلاً جهان با او روبه‌روست و ما می‌خواهیم همکاری بکنیم.

خبرنگار: انقلابی که در مصر صورت گرفت و مردم برخاستند و قیام کردند، آیا امکان این را در آینده افغانستان می‌بینید که همچون جریانی در آینده افغانستان بیاید؟

استاد: در اوضاعی که ما فعلاً در افغانستان قرار گرفتیم، بحرانی شدن اوضاع، به مفهوم تعمیم جنگ مسلح است. آنچه که در مصر واقع شده، آن چیز در افغانستان و در اوضاع فعلی بسیار مشکل است؛ اما زمانی که جنگ قطع شود و طالب به‌عنوان یک گروه مسلح دیگر سلاح را گذاشته باشند و آرامش و صلح حاکم بوده باشد، آن وقت می‌شود که قیام، تمرد و عصیان‌های مدنی و قیام‌های مردمی کارساز بوده باشد؛ اما در اوضاع فعلی افغانستان اگر چنین کاری صورت بگیرد، برخوردهای خونین دیگر را به دنبال خواهد داشت که باز از کنترل بیرون می‌شود و آن وقت هیچ‌کس قادر به کنترل آن نخواهد بود. البته به رسیدن تا آن مرحله زمان و وقت زیادی را در پیش رو داریم.

خبرنگار: امکان این است که یک حکومت قوی و مستحکم در افغانستان بدون زعمای طالب‌ها در اینجا ساخته شود؟

استاد: من فکر می‌کنم اگر تا زمانی که جنگ توقف نکند، حکومت قوی ساختن خیلی مشکل است.

گفت‌وگوی چهارم
با
شبکه تلویزیونی نور

تاریخ: سال ۱۳۸۷ هـ ش



نور:^۱ جناب استاد! از اهداف و انگیزه‌های تجاوز قشون سرخ به افغانستان بگویید؟

استاد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۲ * در این شکی نیست که اتحاد شوروی^۳ به اساس یک استراتژی‌ای که از دوران تزارها به ارث گرفته بود، رسیدن به آب‌های گرم و پیشروی به‌سوی جنوب را یکی از اهداف استراتژیک خویش قرار داده بود، این از یک طرف و از طرف دیگر، چند انگیزه دیگر هم باعث تهاجم روس‌ها به افغانستان شد؛

یکی سیاست لگام‌گسیخته دوران برژنف بود که با غرور بیش از حد، بدون هیچ تأمل، تصمیم گرفت بر کشور ما هجوم بیاورد و در عین حال کسانی که عمال اتحاد شوروی بودند و در افغانستان حاکمیت داشتند، خود را مهم جلوه دادند و روس‌ها را تحریک کردند تا به افغانستان نیرو بفرستند؛

۱. متأسفانه نتوانستیم به تاریخ دقیق این گفت‌وگو دست یابیم؛ اما حدس ما این است که این مصاحبه در سال صورت گرفته است. «مرکز تدوین»

۲. به نام خداوند بخشنده مهربان. «مرکز تدوین»

۳. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛ کشوری بود مُشکَل از روسیه و چندین جمهوری متحد که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲م؛ تا زمان انحلال در ۱۹۹۱م، بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در بر می‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد، در دهه ۱۹۸۰م، آثار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد و بالاخره در ۱۹۹۱م، این کشور رسماً منحل شد و به چند کشور دیگر تجزیه شد، یکی از اساسی‌ترین عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را حمله به افغانستان می‌دانند که به اثر شکست در مقابل ملت قهرمان و مجاهد افغانستان، این اتحاد بزرگ از هم پاشید. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیسم، از امیر اعتماد دانشیار. «مرکز تدوین»

عامل دیگری که باعث تجاوز روس‌ها به افغانستان شد، این بود که آن‌ها فکر می‌کردند در مدت بسیار کم و بدون مقاومت، قضیه افغانستان را گویا حل می‌کنند. مردم افغانستان را سرکوب می‌نمایند و روحیه آزادی‌خواهی را در گلولی آن‌ها خفه خواهند کرد.

روی این عوامل اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان لشکرکشی کرد. نور: چه چیز، مردم افغانستان را برای قیام در برابر اتحاد جماهیر شوروی وا داشت؟

استاد: انگیزه اساسی این قیام، انگیزه‌های اعتقادی و دینی بود. مردم احساس کردند که دین‌شان از طرف اتحاد شوروی و کمونیست‌ها به خطر افتاده است و در عین حال، انگیزه آزادم‌نشی و استقلال طلبی در تحریک مردم بسیار تأثیرگذار بود. این انگیزه نسل در نسل در میان مردم مسلمان افغانستان وجود داشته است.

خلاصه، این‌ها همه دست به دست هم داده باعث شد مردم تجاوز را نپذیرند و دست به قیام بزنند.

پرسش: چه چالش‌های در آن زمان فراروی نیروهای مجاهدین بود؟ پاسخ: نهضت اسلامی که در خط مقدم دفاع از سرزمین و استقلال کشور قرار داشت، نهضت خیلی جوان بود و چندان شناختی در بین مردم و در سطح بین‌المللی نداشت، این یکی از چالش‌ها بود. بدون شک مشکلات مالی و لوژستیکی، از چالش‌های دیگری بود که فرا راه مجاهدین قرار داشت؛

همچنان در ابتدا مجاهدین از سلاح‌های بسیار قدیمی که اکثر برای شکار ساخته شده بود، استفاده می‌کردند که این خود یکی از مشکلات دیگر بود؛ ناآشنایی قیام‌کنندگان به کار نظامی چالش دیگری بود؛ زیرا سران نهضت بیشتر برخاسته از محیط دانشگاهی بودند که حتی در زندگی‌شان یک روز هم با سلاح و تفنگ سروکار نداشتند، آن‌ها کارهای نظامی را آغاز می‌کردند؛ اما چیزی از وسایل نظامی نمی‌فهمیدند.

نور: در آغاز قیام، مردم چه پیش‌بینی می‌کردند؟

استاد: وقتی که جهاد آغاز شد، بسیاری از مردم در داخل و بیرون از مرزها، این قیام را به مسخره می‌گرفتند و به این باور بودند که این‌ها بدون تشکیلات منظم و آمادگی‌های کامل، دست به قیام زده‌اند که عواقب خطرناکی دارد؛ همچنان در روزهای اول کشورهای اسلامی و دیگر کشورها این جرئت را در خود نمی‌دیدند که از قیام ما حمایت کنند.

نور: استاد! طوری که شما اشاره کردید، مجاهدین افغانستان در یک نبرد کاملاً نابرابر با دستان خالی وارد معرکه شدند، در این میان مردم افغانستان به‌ویژه مجاهدین را چه انگیزه‌های امیدوار به پیروزی می‌کرد؟

استاد: انگیزه‌ای که برای ما اطمینان می‌بخشید، ایمان و اعتقاد به نصرت الهی بود؛ زیرا وقتی مجاهدین قیام کردند، بدون شک قیام‌شان به‌خاطر خدا و سرزمین‌شان بود، آنان می‌دانستند که ما در برابر قدرت متجاوز قیام کرده‌ایم و خدا ما را تنها نمی‌گذارد. با باور به یک تکیه‌گاه مستحکم اعتقادی، قیام صورت گرفت و تا آخرین روزهای پیروزی، این تکیه‌گاه ما پابرجا بود؛ زیرا خداوند به مسلمانان وعده می‌دهد و می‌فرماید:

«آنانی که در راه ما مبارزه می‌کنند، بدون شک ما راه‌های پیروزی را برای‌شان نشان می‌دهیم و خداوند با نیکوکاران است.»^۱

نور: باورها و اعتقادات مردم یکی از عوامل پیروزی مجاهدین افغانستان بود؛ اما برخی‌ها معتقدند که عوامل دیگری چون کمک‌های کشورهای خارجی به مجاهدین افغانستان مؤثر بود، واقعاً این‌گونه کمک‌ها در پیروزی مجاهدین افغانستان چه نقشی داشت؟

استاد: شکی نیست که وسایل مادی هم بی‌اثر نیست؛ اما وقتی مجاهدین قیام می‌کردند و قدم‌های اولیه را برداشتند، بخشی از وسایل و ابزارهای جنگی را از دشمن گرفتند تا این لحظه‌ها هم هیچ‌نوع کمکی از طرف هیچ کشوری برای مجاهدین صورت نگرفته بود و اگر ایمان و اعتقاد راسخ نمی‌بود، به دستاوردی نایل نمی‌شدیم.

۱. متن آیت مبارکه این است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» عنکبوت / ۶۹. «مرکز تدوین»

وقتی دنیا دانست که مردم ما اراده قوی برای استقلال و آزادی دارند، آن‌ها هم تمایل نشان دادند و کمک کردند؛ اما کشورهای مسلمان و یا غیرمسلمان اهداف خود را دنبال می‌کردند؛

به هر حال، کمک وجود می‌داشت یا نمی‌داشت، مجاهدین تصمیم خود را گرفته بودند، اراده قوی داشتند و امیدوار به پیروزی بودند و خداوند آن‌ها را به پیروزی رساند.

نور: جناب استاد! مهم‌ترین عامل شکست نیروهای اتحاد شوروی را در چه می‌دانید؟

استاد: شکست اتحاد شوروی در افغانستان عوامل متعدد دارد: یکی از این عوامل این بود که روس‌ها در آغاز تجاوز فکر می‌کردند آن‌ها به یک جنگ کوتاه مدت می‌روند، فکر نمی‌کردند با مقاومت سرسختانه‌ای روبه‌رو خواهند شد. وقتی با تصمیم و اراده آهنین مجاهدین روبه‌رو شدند، سرخورده و متردد گردیدند و حتی خودشان هم پی بردند که به ناحق اینجا آمده‌اند و اشتباه کرده‌اند، تردد و به ناحق بودن باعث شکست‌شان شد؛ تا اینکه سرافکننده از کشور خارج گردیدند.

نور: یکی از مسایلی که در نزد مردم افغانستان سوال برانگیز است، این است که انتظار می‌رفت بعد از خروج روس‌ها، حکومت دست‌نشانده‌شان در افغانستان زود سقوط کند؛ اما این چنین نشد و عمر حکومت نجیب به درازا کشید، به نظر شما چرا چنین شد؟

استاد: طبعاً عوامل مختلفی وجود داشت؛ یکی از عوامل این بود که وقتی کم‌کم مجاهدین به سوی پیروزی نزدیک می‌شدند، اختلافات پیدا شد، خودخواهی برخی‌ها سبب شد تا عمر حکومت نجیب به درازا بکشد؛

برخی دست به اختلاف زدند و افغانستان را مال خود می‌دانستند و سعی می‌کردند که پیروزی به دست آن‌ها رقم زده شود؛

چیز دیگری که مهم است، مداخلات و توطیه‌های قدرت‌های بیرونی بود. این قدرت‌ها هم‌زمان با موفقیت‌های چشم‌گیر مجاهدین، دست‌به‌کار شدند و تلاش کردند مجاهدین به قدرت نرسند. این حقیقت در رسانه‌های

بین‌المللی انعکاس می‌یافت و در عمل مردم آن را می‌دیدند. در داخل کشور هم با خروج اتحاد شوروی انگیزه‌های مقاومت کم‌تر می‌شد. برخی‌ها فکر می‌کردند که با خروج روس‌ها رسالت‌شان به پایان رسیده است. از سوی دیگر حکومت نجیب کمک هنگفت تسلیحاتی، مالی و تخنیکی از سوی اتحاد شوروی به‌دست می‌آورد. هم‌زمان با خروج روس‌ها از کشور، حمایت‌های بین‌المللی برای جهاد افغانستان کاهش شدید یافت. این عوامل دست‌به‌دست هم داد و باعث ادامه حاکمیت رژیم شد. نور: خیلی‌ها به این باورند که فروپاشی نظام سوسیالیستی شوروی که نیمی از دنیا را تحت سیطره خود داشت، [از یمن] جهاد افغانستان بود، شما با این نظر موافق‌اید؟

استاد: با وجودی که برخی‌ها به این باورند که نظام اتحاد شوروی با فرسودگی روبه‌رو بود؛ اما من فکر می‌کنم که با وصف آنکه نظام شوروی سابق مشکلات زیادی در داخل داشت؛ مگر علت اصلی سقوط آن، جهاد مردم افغانستان بود.

اگر روس‌ها می‌توانستند که مقاومت مردم افغانستان را سرکوب کنند و در کشور ما پای خود را مستحکم نمایند، تصور نمی‌کنم که فرسودگی‌های داخلی باعث متلاشی شدن آن‌ها می‌گردید. اساساً وقتی روس‌ها بر کشور ما حمله کردند، مقاومت شدیدی در برابر آن‌ها صورت گرفت، شکست‌های بزرگ مالی و نظامی دیدند، ناتوانی‌های مالی، اقتصادی و نظامی این غول بزرگ و شکست‌ناپذیر را از پای درآورد.

از سوی دیگر کشورهای هم‌پیمان اتحاد شوروی که روس‌ها را شکست‌ناپذیر می‌دانستند، وقتی دیدند که روس‌ها در برابر یک ملت پابرهنگه زمین‌گیر شده‌اند، باور آن‌ها تغییر خورد و ترس و هراسی که داشتند، از بین رفت و بالاخره نظامی متلاشی شد که عامل عمده و اساسی فروپاشی آن جنگ در افغانستان بود.

نور: جناب استاد! شما به‌عنوان رهبر قدرتمندی که در جنگ علیه روس‌ها سهمیم بودید، در آستانه پیروزی مجاهدین سفری به مسکو داشتید، اهداف

عمده این سفر چه بود؟

استاد: این سفر در پاسخ به دعوت رسمی اتحاد شوروی صورت گرفت. آن‌ها به این نتیجه رسیده بودند که رژیم هوادار آن‌ها در افغانستان در آستانه سقوط قرار گرفته و دیگر جای پای در افغانستان ندارند و می‌دانستند که مجاهدین طرف اصلی قضیه‌اند و باید با آن‌ها وارد گفت‌وگو شوند.

البته برخی از دوستان ما با این سفر مخالف بودند، بر اساس احساسات و شعار بر خورد می‌کردند؛ اما من تصمیم گرفتم که باید با روس‌ها گفت‌وگو کنیم و پیام خود را به روس‌ها و جهان برسانیم و به آن‌ها بگویم که نماینده اصلی افغانستان مجاهدین می‌باشند و حکومت طرفدار شوروی نماینده افغانستان نیست.

در واقع این سفر، آغاز و اعلان پیروزی بود برای ما. این سفر برای ما دستاوردهای خوبی داشت. با قامت‌های افراشته، ما به سرزمینی قدم می‌نهاده‌ایم که حکومت سرکوبگر آن جهان را به وحشت انداخته بود و هیچ‌گاه تصور نمی‌کرد که روزی مجبور می‌شود با ما به عنوان یک طرف روی میز بنشیند. ما در این مذاکرات، اشتباهات روس‌ها در تجاوز به افغانستان را به آن‌ها گفتیم و تصریح کردیم که باید واقعیت‌ها را بپذیرید و به خواست ملت ما تسلیم شوید.

خانواده‌هایی که وابستگان خویش در افغانستان را از دست داده بودند و یا دستگیر شده بودند، نزد ما می‌آمدند و از ما کمک می‌خواستند.

این صحنه‌ها برای ما بسیار جالب بود، ما می‌دیدیم که این کشور بزرگ چگونه توسط ملت پابرهنه ما به زمین خورده و مجبور گردیده از دشمنانش استقبال کند.

نور: دستاورد مجاهدین و پیامد جهاد برای مردم افغانستان چه بود؟

استاد: عمده‌ترین دستاورد ما آزادی و بیرون‌راندن ارتش سرخ بود؛ قدرتی که تصور شکست در فکرش جای نداشت و افغانستان را جزء اعمار خود می‌دانست؛ اما متأسفانه بعد از پیروزی در اثر توطیه‌های کلان بین‌المللی و منطقه‌ای، مجاهدین نتوانستند حکومت نیرومند بسازند.

پس از تأسیس حکومت مجاهدین اجازه ندادند که این حکومت نوپا راه خود را به اساس آنچه که منافع ملی بود باز کند. جنگ‌ها را دامن زدند، کابل

راکت باران شد و مردم متضرر گردیدند و در نهایت مجاهدین را بدنام ساختند. البته نمی‌گویم که مجاهدین اشتباهات نداشتند؛ اما عامل اصلی عدم موفقیت مجاهدین، توطیه‌های بزرگ خارجی بود؛ قدرت‌های بین‌المللی می‌خواستند منطقه درگیر جنگ و تنش باشد تا به امیال خود برسند.

نور: جناب استاد! شما به عنوان یک فرد مسلمان، اگر تعریفی از ۲۶ دلو داشته باشید، این تعریف چه خواهد بود؟

استاد: ۲۶ دلو پیروزی حق بر باطل، پیروزی یک ملت مظلوم در برابر یک قدرت مستکبر، پیروزی نیروهای متعهد و باایمان در برابر نیروی قدرتمندی که به خدا ایمان نداشت.

نور: باگذشت تقریباً دو دهه از ۲۶ دلو، شما چه پیامی برای نسل جوان افغانستان دارید؟

استاد: ۲۶ دلو یک روز عمده تاریخی در افغانستان است. باید این روز در ضمیر فرد فرد مردم افغانستان به خصوص نسل جوان ما زنده بماند و این پیروزی بزرگ که نصیب ملت افغانستان شده است، نباید فراموش گردد. این روز حماسه تاریخ افغانستان است.

این قربانی‌های مجاهدین نباید ضایع شود. حوادثی که بعداً پیش آمد، یقیناً طبق خواست مردم افغانستان نبوده و سبب شده که یک سلسله نابسامانی‌ها و مشکلات دیگری به میان بیاید.

پیام من به جوانان این است: از این به بعد، باید برای ایجاد یک زمینه جدید برای حیات ملی مان کار بکنیم و با حفظ ارزش‌ها، به سوی وحدت ملی گام برداریم.

گفت‌وگوی پنجم
با

سلطان حمد خبرنگار بخش تاجیکی رادیو آزادی

تاریخ: ۷ جون ۲۰۰۵ م. (۱۷ جوزای ۱۳۸۴ هـ ش)



یادداشت خبرنگار:

هر باری که به افغانستان سفر خدمتی انجام می‌دادم، تلاش می‌کردم که با استاد ربانی مصاحبه‌ای دایر کنم.

ژورنالیستان نغز می‌دانند که به حضور چنین یک سیاست‌مدار، رسیدن روزها و هفته‌ها لازم است که با دفتر مطبوعات ایشان چنین یک درخواستی موافقه شود. خوشبختانه هر باری که من با این خواهش با کاتب مطبوعات ایشان مراجعت می‌کردم، خود همان روز پاسخ مثبت می‌گرفتم و صحبت من با ایشان خود همان بیگانه و یا روز دیگر صبح بر وقت در سر دسترخوان پرناز و نعمت صورت می‌گرفت.

صحبتی که حالا از بایگانی بنده پیشکش شما خوانندگان ارجمند می‌شود، روز هفتم جون سال ۲۰۰۵ م، در منزل زیست استاد شادروان پروفیسور برهان‌الدین ربانی برگزار شده‌است. از این صحبت ما تنها مسئله‌ای را که به صلح تاجیکستان مربوط است، پیشکش شما می‌کنم. از بس که نوار آدیوی (صوتی) این صحبت را محفوظ داشتم، آن را نیز با اصول چند رسانه‌ای (ملتی میدیا) در شکل نوار مٌصور که امروز آماده کردم، پیشکش‌تان می‌نمایم.

خداوند روان استاد ربانی را شاد بگرداند و قبرش را پر نور.

آمین یا رب العالمین

سلطان حمد: آخرهای سال ۱۹۹۲ م، مقاومت‌های سیاسی در تاجیکستان

به درگیری‌های نظامی تبدیل شدند و در نتیجه این جنگ‌ها یک‌عده مردم به افغانستان پناهنده شدند که در بین‌شان رهبران مخالفین حکومت تاجیکستان نیز بودند، حکومت همان وقت افغانستان که در رأس‌شان شما بودید، مردم پناهنده را خیلی خوب پذیرایی کردند و شرایط خوبی بود و باش را در این کشور برای‌شان فراهم آوردند، با استفاده از این فرصت رهبران مخالفین حکومت تاجیکستان به مبارزه مسلحانه خویش ادامه داد. لطفاً می‌گفتید که شما کی در همین دوره فکر به هم آشتی دادن جناح‌های درگیر در تاجیکستان پیدا شد؟

استاد: زمانی که در تاجیکستان کشمکش‌ها ایجاد شدند، من در سفر بودم در جمهوری ازبکستان. من در همان‌جا خبر شدم که در تاجیکستان گروه‌هایی به رهبری «سنگک سفراف» با حکومت در کشمکش‌ها و برخوردهای هستند، وقتی که در همان‌جا این اطلاع را پیدا کردم، قبل از آنکه به افغانستان بیایم، من با رئیس‌جمهور ازبکستان آقای کریم‌وف گپ زدم که در تاجیکستان بسیار بدامنی است و من برای صلح می‌خواهم که در آنجا باشم؛ اما او گفت که فکر می‌کنم ضرور نیست؛ به‌هرحال، از آن صحبت در من تشویش پیدا شد که چرا زعمای منطقه به فکر صلح در تاجیکستان نیستند و بعداً وقتی که به افغانستان آمدم در فکر آن شدم که چگونه راهی را بتوانم انتخاب کنم که جنگ در تاجیکستان نابود شود؟!

با وجود آنکه خود ما آن زمان با این مشکلات روبه‌رو بودیم. **سلطان حمد:** با جناب امام علی رحمان‌وف رهبر دولت تاجیکستان شما کی در موضوع صلح بین تاجیکان اولین بار صحبت داشتید؟ **استاد:** اولین مرتبه وقتی که امام علی رحمان برای بردن اسرای روسی به کابل آمده بود، این موضوع در میان گذاشته شد و بعداً در جریان سفر بنده به تاجیکستان و سفرهای دیگر رئیس‌جمهور تاجیکستان جناب امام علی رحمان‌وف به افغانستان، این مسئله به صورت جدی مطرح گردید و بلاخره بحث به این کشانده شد که هر دو طرف باید با هم بنشینند.

البته در مراحل اولی خیلی مشکل بود؛ زیرا جانب‌ها آمادگی پذیرش یکدیگر را کم‌تر داشتند؛ اما ما زیاد اصرار می‌کردیم که حتماً نشستی صورت بگیرد و حتماً صحبت‌هایی در این باب میان رهبران جانب‌ها صورت بگیرد. آقای رحمان‌وف و آقای نوری^۱ باید باهم ببینند.

ناگفته نماند که من احساس می‌کردم که در هر دو طرف هم اشخاصی بودند که قطعاً این گفت‌و شنود ها را نمی‌خواستند. البته در بزرگان مشکلات کم‌تر بود؛ ولی در اطرافیان آن‌ها مشکلات بیشتر بود. عکس‌العمل آن‌ها خیلی جدی بود. به هر حال نشست رهبران جانب‌ها صورت گرفت.

سلطان حمد: وقتی که اولین مراتبه جناب رحمان‌وف و جناب نوری به کابل آمدند و برای بار اول با همدیگر واخوردند،^۲ لحظه نخستین این دیدار در یاد شما باقی مانده است؟

استاد: بلی، چرا نه؟ من احساس می‌کردم که هر دو طرف یک‌نوع حالت روانی گریز از یکدیگر داشتند. شاید به دل‌شان تصمیم داشتند؛ ولی به ظاهر یک سلسله ملاحظات را از قبیل اینکه اول که به هم نزدیک شود و که باید اول دستش را دراز کند... داشتند.

خوب، دو طرفی که در کشمکش بوده باشند و به این فکر باشند که طرف مقابل را مغلوب کنند و چه رقم حالا با هم ببینند، تصوّر من از حالت روانی‌شان این بود که هر دو طرف در یک حالت اضطراب قرار داشتند؛ به هر حال، مسئله دیگر حل شده بود.

خوب، به هر صورت، در اینجا یک نشست صورت گرفت و انتظار حل مسایل اساسی در «خوسده تخر» می‌رفت؛ چون آن وقت مرکز در دست ما نبود و ما در تالقان بودیم.

باید گفت که در هر دو مرحله نقش شادروان انجینیر احمدشاه مسعود- خدا غریق رحمت‌شان کند- در استقرار صلح بین تاجیکان خیلی بزرگ و فوق‌العاده بود. او با یک صمیمیت و حرارت بسیار، با بعضی از دوستانی

۱. منظور حضرت استاد سید عبدالله نوری، رهبر نهضت اسلامی تاجیکستان است. «مرکز تدوین»

۲. در گویش تاجیکی؛ یعنی ملاقات کردند. «مرکز تدوین»

که از جمله اعضای هیئت‌های هردو جانب بود، تنها به تنها دیدار می‌کرد و بسیار تلاش می‌کرد که مسئله هرچه زودتر پایان یابد.

سلطان حمد: در یکی از یادداشت‌های خود، یکی از مشاوران جناب امام علی رحمان‌وف نوشتند که وقتی که هیئت حکومت تاجیکستان در رأس جناب امام علی رحمان‌وف به خوسده آمدند، در آنجا کسی از رهبریت افغانستان که باید آن‌ها را استقبال می‌کرد، نبود، چرا چنین حالتی به وجود آمد؟ آیا در این باره چیزی گفته می‌توانید؟

استاد: اصلاً این‌طور شد که تصوّر ما این بود که هلیکوپتر اوّل در تخار فرود می‌شود و از تخار یکجا می‌رفتیم به خوسده؛ زیرا تصوّر ما این بود که پایان‌شدن در میان کوه‌ها برای هلیکوپترها دشوار است؛ از این‌رو، ما در تخار در انتظارشان بودیم.

سلطان حمد: آیا در بین رهبران مخالفین، بودند نفرهایی که می‌گفتند که ما باید جهاد خود را ادامه بخشیم و با پیروزی به وطن برگردیم؟

استاد: بلی، در این شکی نیست کسانی بودند. بعد از آمدن جناب امام علی رحمان‌وف، بنا بر دعوتی ایشان، من سفری داشتم به تاجیکستان، پیش از آنکه به این سفر بروم، می‌خواستم که به بعضی از دوستان بگویم که من برای حل مشکل شما می‌روم، در بین آن‌ها تعدادی از جوانانی بودند که با این سفر من به تاجیکستان جداً موافق نبودند و می‌گفتند: استاد این رفتن خودت به تاجیکستان، به این نظام رسیمت می‌بخشد و حتی یک تعدادشان بعد از رفتن من به تاجیکستان گفتند که استاد بر مبارزه ما یک ضربه زد.

این‌طور چیزهایی وجود داشتند؛ اما ناگفته نماند که آقای سید عبدالله نوری از همان آغاز، دید بسیار عمیق داشت و بسیار دلسوزانه به مسئله تعامل می‌کرد. من می‌فهمیدم که یک تعداد از اطرافیانش از کار او راضی نیستند؛ اما خودش جداً کوشش می‌کرد، با وجودی که تعداد احساساتی همیشه بالای او فشار می‌آوردند و حتی بعد از آنکه از تاجیکستان برگشتم، خبر شدم که یک تعداد خیلی خفه بودند که چرا استاد رفت و نظامی را که در حالت سقوط است و از بین می‌رود، می‌خواهد از نو آن را به پای ایستاد

کند؟

من برای شان گفتم که دوستان فکر می‌کنم هنوز منزلتان طولانی است. اول شما تاجیکستانی داشته باشید؛ کشوری داشته باشید؛ بعد از آن هر فکر و هر اندیشه‌ای که داشته باشید، داشته باشید! هستند اطرافیان و کشورهای نزدیک‌تان و افرادی که می‌خواهند اصلاً تاجیکستانی وجود نداشته باشد، می‌خواهند این را سقوط بدهند و شما دولت مستقل نداشته باشید؛ به این اساس، بهتر این است که شما اول دولت مستقل داشته باشید.

ناگفته نماند که این گپ را من به آقای نوری چند بار گفتم که من در چهره آقای رحمان‌وف یک تاجیک بسیار با احساس و با درد را می‌بینم، به این اساس، گفتیم که این جوان را تو باید حمایت کنی و من امیدوارم که بتوانید شما در آینده با او زندگی کنید و هیچ مشکلی را نبینید؛

به این اساس، حالا مسایل حزب و گپ‌های دیگر را بگذار و پیش از همه داشتن یک تاجیکستان مستقل، با امن و متحد باید از جمله اهداف اساسی‌تان باشد.

سلطان حمد: باور داریم که هر یک تاجیکستانی می‌خواهد شما را نیز در این روز تبریکی بگوید. این خدمت‌های شما فکر می‌کنم نه تنها برای تاجیکستان؛ بلکه برای تمام منطقه است؛ زیرا در منطقه نیز همه به امنیت و ثبات نیاز دارند.

استاد: البته صلح در تاجیکستان نه تنها به منفعت ملت تاجیک و مردم تاجیکستان است؛ بلکه اگر صلح تاجیکستان صورت نمی‌گرفت، مشکلات در منطقه و در کشور ما نیز بیشتر می‌بود و ما پسان هم دیدیم که وجود تاجیکستان در این اوضاع بسیار سخت، با وجود آنکه خود پرابلم‌های زیادی داشت، به عنوان یک سند بسیار قوی در این پیروزی مبارزات ما در دوران مقاومت شد.

ما هم همیشه گفتیم که تاجیکستان و رهبری تاجیکستان، خصوصاً جناب آقای رحمان‌وف به عنوان یک شخصیت بسیار دلسوز و مهربان به مردم ما و به عنوان یک رهبریت بسیار باتصمیم و بااراده در سخت‌ترین اوضاعی

که حتی بسیار کشورهای دوست و بزرگ منطقه که از مقاومت حمایت می‌کردند، کم‌کم می‌خواستند خود را کنار بکشند، با طالبان کنار بیایند؛ اما تاجیکستان و رهبری تاجیکستان جناب آقای رحمان‌اوف، قاطعانه و با قوت در این مراحل ایستاد که ما همیشه گفتیم که راستی یکی از رازهای پیروزی و ادامهٔ مقاومت ما هم حمایت بسیار بی‌دریغ و قوی تاجیکستان و رهبری تاجیکستان بود.

سلطان حمد: و سوال آخر اینکه آیا ممکن است که تجربهٔ صلح تاجیکستان را در افغانستان تطبیق بکنید؟

استاد: بلی، چرا نه؛ ما همیشه آرزو داریم که در اینجا نیز برنامهٔ صلح به همان اساس بوده باشد. از جمله موضوعاتی را که ما در برنامهٔ تشکیلات حزبی خودمان نوشته کردیم و برای دوستان نیز گفتیم، آشتی ملی باید به‌عنوان یک حرکت استراتژیک ملی در کشورمان تعقیب شود؛ به این معنی که مقطعی نباشد؛ چرا که هنوز هم بحران‌هایی در کشور ما هست و برای حل بحران‌ها، ادامهٔ یک حرکت آشتی ملی به‌حیث یک حرکت استراتژیک، به‌عنوان جزء سیاست ملی در افغانستان قرار داده شود.

خبرنگار: تشکر برای این صحبت صمیمانه.

استاد: تشکر از شما هم.

گفت‌وگوی ششم
با
هفته‌نامهٔ مجاهد
تاریخ: ۹ جدی ۱۳۸۳ هـ ش



مجاهد: نظر شما اجمالاً در باره موافقت‌نامه بن چیست؟ و پهلوه‌ای مثبت و منفی این موافقت‌نامه، کدام هاست؟

استاد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛^۱
اولاً من به این عقیده‌ام که تعبیر موافقت‌نامه درباره «نشست بن» نمی‌تواند یک تحلیل حقوقی درست داشته باشد؛ اما این را گفته می‌توانیم که آن نشستی بود به دعوت ملل متحد و به اشتراک نمایندگان از عدّه کشورها که خواستند علاقه‌مندی خود را در باره موضوع افغانستان نشان بدهند؛ زیرا موافقت‌نامه میان دو، یا چند طرف درگیر به وجود می‌آید و در کنفرانس بن چنین نبود؛ جهت‌هایی که در «بن» گرد هم آمده بودند با هم نزاع و کشمکش نداشتند.

ریشه این نشست در کارهایی است که بسیار پیش آغاز شده بود.
وقتی نماینده سرمنشی ملل متحد، آقای اخضر ابراهیمی و قبل از وی آقای وندرل، تلاش داشتند یک موافقت‌نامه میان دو طرف، (دولت اسلامی افغانستان یا جبهه متحد و طالبان) به میان بیايد و یک حکومت با قاعده وسیع به وجود بیايد، جنگ قطع شود، امنیت به وجود بیايد؛ اما بعد از اینکه حوادث یازده سپتامبر به میان آمد و بعد از اینکه جبهه متحد پس از شکست طالبان داخل کابل شد، جبهه با خود فیصله کرده بود که کار حکومت‌سازی از طریق یک گردهمایی و مشارکت ملی باید در داخل کشور صورت بگیرد و گروه‌های مختلف و احزاب مختلف، شخصیت‌های سیاسی و

۱. به نام خداوند بخشنده مهربان. «مرکز تدوین»

حلقه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف افغانستان چه کسانی که در داخل هستند و چه کسانی که در خارج هستند و نمایندگان همه اقوام در آن حضور داشته باشند؛ تا فیصله‌ای با مشارکت ملی به وجود بیاید و یک حکومت مشارکت ملی ایجاد شود که در آنجا هیچ کس و هیچ طرفی خود را از حادثه دور فکر نکند و از سرنوشت کشور، خود را دور تصور نکند و همه احساس بکنند که در مرحله‌ای جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی‌ای که مردم افغانستان وارد آن می‌شوند، همه در آن سهم دارند؛

همچنان همه احساس کنند که حکومت‌ها از طریق قدرت‌های نظامی و قدرت‌های زورمند که در صحنه هستند، ساخته نمی‌شود؛ بلکه از طریق مراجعت به آرای مردم ساخته می‌شود.

البته طرح چنین بود که برنامه به گونه تنظیم شود که دو مرحله داشته باشد: مرحله موقت و مرحله بعد از آن، که قانونمندی بعد از یک فیصله شورایی و تصمیم‌گیری نمایندگان مردم به میان بیاید و این تصمیم و فیصله‌ای بود که من شخصاً به آن عقیده بودم؛ اما زمانی که ما کابل آمدیم، باز هم نماینده سرمنشی ملل متحد آمد و گفت:

«قرار است یک نشست صورت بگیرد، در یکی از کشورها»؛

من برایش در شورای عالی رهبری جبهه متحد هم این مطلب را گفتم که ما فعلاً در کابل هستیم، زمانی نشست‌ها در بیرون از کشور صورت می‌گرفت، به علت آن بود که در داخل کشور نقطه مورد اطمینان میان دو طرف (طالبان و ما) که با هم بنشینیم، وجود نداشت، حالا دیگر طالبان وجود ندارند، امنیت در داخل کابل به وجود آمده است. باید نشست در داخل خود کابل صورت بگیرد و تصمیم‌های مربوط به مردم در داخل کشور صورت بگیرد؛ آنان گفتند: «تفاهم ابتدایی راجع به نشست‌های بعدی اگر موافقه بکنید، در بیرون انجام یابد و تصمیم‌های دیگر هرچه باشد در داخل گرفته می‌شود.» به همین اساس، وقتی که در قسمت جای و طرز نمایندگی صحبت می‌شد، فیصله به همین‌گونه صورت گرفته بود که هیئت نماینده جبهه متحد، صلاحیت و وظیفه محدود دارند و تنها حضور در کنفرانس و تفاهم در

مسایل است؛ اما آنان کدام فیصله اساسی نمی‌توانند بکنند؛ ولی زمانی که هیئت به بن رفت، برخلاف فیصله شورای رهبری جبهه متحد، دیده شد که اینان می‌خواهند تصمیم‌های اساسی در باره افغانستان بگیرند.

به این اساس بود که ما اصرار داشتیم در آنجا نباید تصمیم‌های اساسی گرفته شود؛ زیرا حکومت‌سازی حق مردم افغانستان است و اگر مجامع بین‌المللی علاقه‌مندی در قضیه افغانستان دارند، باید به تصمیم خود مردم احترام بکنند.

افغان‌هایی که در بن حضور می‌یابند، به جز از جبهه متحد - که یک طرف اساسی قضیه است - دیگر اشخاص یا شوراهای پراکنده‌ای که در آنجا جمع شده‌اند؛ نه نمایندگی از کل افغانستان می‌کنند و نه نمایندگی از قومیت‌ها و نه نمایندگی از مراکز قدرت که باید در سرنوشت کشور تصمیم اساسی بگیرند، می‌کنند؛

به هر حال، اوضاع در آنجا طوری بود که گفتند، باید در آنجا فیصله صورت بگیرد و بالاخره بعد از فشارهای بسیار زیاد، با یک شتاب‌زدگی و با یک درهم و برهمی بسیار فوق‌العاده خواستند پیرامون مسئله ساختار حکومت بحث شود.

نقاط نظر ما در این مورد روشن بود که تصمیم در قسمت حکومت‌سازی حق مردم است، به اراده ملی مردم افغانستان ارتباط دارد و نباید توسط دκτη‌ها و توسط یک نوع اعمال فشار حکومت‌سازی در بیرون از کشور صورت بگیرد.

موضع ما در آن زمان روشن و قاطع بود. در قسمت حکومت‌سازی در خارج از کشور ملاحظه‌ای داشتیم که از طریق یک جرگه‌ای که اصلاً نمی‌توانست از مردم نمایندگی بکند، حتی نمایندگان جبهه متحد صلاحیت تصمیم‌گیری را نداشتند، اگر تصمیم اساسی گرفته می‌شد، باید توسط شورای رهبری گرفته می‌شد؛ نه توسط یک عده کسانی که رفته بودند، ملاحظه ما روشن بود، این پهلوی منفی نشست بن از نظر ماست.

نتیجه این نشست به مردم افغانستان مسئله اهتمام و توجه جامعه بین‌المللی

و اعلان آمادگی‌شان به سهمگیری در بازسازی افغانستان و قطع مداخلات در امور افغانستان و تأمین امنیت بود؛ زیرا تمام جنگ‌ها در طول دو دهه اخیر محصول مداخلات خارجی بوده است. دنیا تصمیم خود را اعلان کرد که از این به بعد در مسئله مداخله در امور افغانستان بی تفاوت نمی‌مانند. در اینجا دیدیم کشورهایی که دیروز مداخله می‌کردند و کشورهای که تماشاچین بودند و همچنان کشورهایی که از امنیت افغانستان و از دولت و مبارزه ملی مردم افغانستان، در دوران مقاومت حمایت می‌کردند، جمعاً آمادگی خود را به خاطر جلوگیری از مداخلات و تأمین امنیت در افغانستان اعلان کردند که این پهلوی مثبت نشست بن است.

در قسمت بازسازی بعداً دیدیم که کارها بسیار به‌کندی پیش رفت و اما در مورد عدم مداخله تصوّر من این است که حضور نیروهای آیساف و نیروهای بین‌المللی و توجّه زیاد دنیا وضع را طوری آورده است که کسانی که مداخله می‌کردند، امروز مداخله مسلّح را جهت بی‌امن ساختن کشور کم‌تر کارساز می‌دانند.

مجاهد: منظورتان از قطع مداخله، تنها مداخلات همسایگان است؟
استاد: مداخلات همسایگان و غیر همسایگان. در گذشته مداخله به اشکال مختلف صورت می‌گرفت، چه از طریق کشورهای همسایه، چه از طریق کشورهای دیگر که این نوع مداخله را فعلاً کم‌تر می‌بینیم.

بعد از یک سال که اوضاع را ارزیابی می‌کنیم، چند نکته بسیار زیاد در این ارزیابی مهم است که آن عبارت است از: مسئله ثبات سیاسی و امنیت در افغانستان و جریان بازسازی که متأسفانه بسیار به‌کندی پیش می‌رود و مسئله دیگری که مردم افغانستان به آن علاقه داشتند و دارند و حق‌شان هم هست که خودشان حکومت‌شان را از طریق لویه جرگه و یا از طریق‌های مختلف باید بسازند.

مجاهد: منظور شما این است که نشست بن جنبه‌های مثبت و منفی دارد. جنبه مثبت آن را گفتید که کمک در راه قطع مداخلات و تعهد سپردن جامعه جهانی برای بازسازی افغانستان؛ اما در باره آنچه به ساختن حکومت مربوط

می‌شد، ملاحظاتِی دارید؟

استاد: هدف از مداخلات، مداخلات منظم خارجی است. در گذشته‌ها به‌صورت منظم جنگ‌ها توسط نیروهای نظامی از خارج و کسانی که به نیابت از خارجی‌ها می‌جنگیدند، وجود داشت. این جنگ‌ها تا حد زیادی از بین رفته‌است؛ اما در ساختار سیاسی مداخلات به نحوی وجود داشته است. در لویه جرگه اخیر در ساختار حکومت و در ساختار نظام صریحاً واضح شده که اراده آزاد مردم افغانستان در این راستا کم‌تر نقش داشت و ما مشاهده می‌کنیم که مداخلات مختلفی در آن وجود داشت و تا هنوز دارد که مردم افغانستان درست خودشان تصمیم نمی‌گیرند؛ به‌طور مثال:

همیشه از حکومت فراگیر حرف زده می‌شد؛ اما در کنفرانس بن حکومت فراگیر مورد بحث نیست. از متخصصان و تکنوکرات‌ها صحبت می‌شد؛ اما دیده می‌شود که در ساختار حکومت چه در بن و چه در دوران بعد از لویه جرگه، اساساً مداخلاتی وجود داشته و در ترکیب کابینه هم اساساً مداخلاتی وجود داشته است و همان معقولیت‌هایی که باید مدنظر گرفته می‌شد، در آنجا مدنظر گرفته نشد.

نه تخصص مدنظر گرفته می‌شود؛ نه مسئله سوانح، و حکومت‌ها بدون در نظر داشت این معیارها ساخته شد؛ مثلاً آنچه که در دوران لویه جرگه گذشت.

مجاهد: شما و مجاهدین چرا کاندیدای ویژه‌ای در لویه جرگه اضطراری برای پست ریاست جمهوری نداشتید؟

استاد: طوری که من اشاره کردم، مداخلات مسلح نظامی که قبلاً صورت گرفت، با سقوط طالبان این مسایل از بین رفت و ما امیدواریم که از این به بعد مداخلات نظامی در امور کشور ما که عامل اصلی جنگ‌ها بوده است به‌میان نیاید، تا افغانستان بتواند در فضای امن و اطمینان زندگی نوی را آغاز کند و بازسازی موفقانه به پیش برود؛ اما در قسمت مسایل سیاسی مداخلاتی وجود داشته‌است.

مداخلاتی در مورد اعضای کابینه و شخصیت‌های مورد پذیرش مردم از

جانب مؤسسات بین‌المللی به‌صورت خیلی صریح و روشن وجود داشته که ما به شکل بسیار روشن آن را در دوران لویه جرگه است، ملاحظه کردیم. شما به کاندیدا اشاره کردید، در این مورد باید گفت که لویه جرگه اضطراری کاملاً در فضای ابهام و سردرگمی روان بود، فهمیده نمی‌شد که آیا واقعاً چه کسانی در کمیسیون لویه جرگه اضطراری کار می‌کنند و چه برنامه و پروگرامی دارند که من این مسئله را چند بار گفته بودم.

دو مسئله و دو زمینه خیلی مساعدی در افغانستان به‌میان آمد و چه بهتر که ملل متحد و مردم افغانستان از آن استفاده خوبی به عمل می‌آوردند. در عرصه حیات سیاسی و ثبات سیاسی و ایجاد صلح و امنیت در افغانستان، اوضاع بسیار مساعد بود. یکی در نشست بُن‌پیش‌ازاینکه تصمیم گرفته می‌شد، فیصله‌ها باید به‌صورت بسیار وسیع تنظیم می‌شد. دو؛ مسئله لویه جرگه بود که در لویه جرگه اضطراری - قسمی که گفتم - ساختار کمیسیون با یک ابهام و بدون شفافیت به پیش می‌رفت و هیچ‌کس مطمئن نبود که آیا اداره موقت دوام می‌کند یا لویه جرگه‌ای ساخته می‌شود؟ به همین اساس، مجاهدین در حالت بی‌تصمیمی بودند.

مجاهد: شما عدم شفافیت در کارهای لویه جرگه را تقصیر حضور سازمان ملل متحد می‌دانید؟

استاد: در ابتدا شفافیت کاملاً وجود داشت و به همین اساس بود که تعداد زیادی افغان‌ها و من خودم نظرم را در این قسمت اعلان کرده بودم. کمیسیونی ساخته شد و مسئولیت بزرگ به دوش کمیسیون گذاشته شد؛ اما شخصی را که رئیس ساخته بودند، اصلاً این کار بالاتر از حدود صلاحیت و کفایت و اهلیت او بود.

به‌هرحال، هرچه بود صورت گرفت؛ اما باز هم کار طوری بود که تقسیم‌بندی‌ها و اعضای انتخابی و غیرانتخابی و انتصابی با ارتباط شخصی و حتی - قسمی که شنیده می‌شد - از یک خانواده شانزده تن به‌عنوان نماینده‌های انتصابی تعیین و معرفی شده بودند، با وجود این سردرگمی، وقتی لویه جرگه دایر گردید، با وجود ترکیب نامتوازن، باز هم بهترین فرصتی

بود که در اینجا برای ساختار دولت کاری صورت می‌گرفت. وقتی که لویه جرگه و نشست‌های آن دوام یافت، زمزمه کاندیدها بالا شد. در این وقت تعدادی زیادی از اعضای لویه جرگه به من مراجعه کردند؛ اما من ارزیابی می‌کردم که چه کاری باید بکنم و من به این عقیده بودم که به‌عنوان یک کار شخصی و گروهی، این کار نباید شروع شود؛ بلکه بینم که چه نوع برنامه‌ای در لویه جرگه باید مطرح شود؟!

برای اینکه یک کاندیدای مشترک و یک برنامه مشترک سنجیده شود، تعدادی از دوستان آمدند من جمله استاد سیاف و فهیم خان و مرحوم حاجی قدیر و آقای کرزی را هم با خود آوردند و گفتند که خودت کاندیدا نبودی و حالا زمزمه است که کاندیدا هستی، ما تقاضا می‌کنیم که به‌عنوان خانواده متحد مجاهدین یک کاندیدا داشته باشیم که آقای کرزی است.

من گفتم که در حصه شخص آقای کرزی زیاد ملاحظه ندارم؛ مگر منظور من این است که باید بفهمم که چه نوع اداره‌ای می‌سازیم، مجاهدین که می‌خواهند یک اداره واحدی به‌میان بیاورند، مسئله برنامه واحد مهم است؛ چه نوع کابینه‌ای تنظیم می‌شود و چه نوع برنامه‌ای باید ساخته شود؟ به همان اساس بود که من یک سلسله نظریات خود را گفتم.

من به همین عقیده بودم و به همین عقیده هستم، من گفتم که در کشورهای بحران‌زده معمولاً کشورهایی که از یک مرحله جنگ و بحران سر به در می‌آورند، مسئله مهم آن‌ها، حکومت‌سازی می‌باشد تا بتواند بحران‌ها را مهار بکند و جلو بحران‌های جدید را بگیرد. باید نظام‌های بعد از بحران، نظام‌های فراگیر مبتنی بر وحدت ملی باشد و به شکل تک‌حزبی و تک رهبری نباشد؛ بلکه شامل تمام مراکز قدرت و شامل تمام منابع باشد و همه در یک تشکیل وسیع حکومت‌سازی سهم بگیرند.

ضمناً به‌خاطر حل بحران‌ها و به‌خاطر ایجاد اعتماد، یک سلسله برنامه‌هایی وجود داشته باشد و یک تعداد نهادهایی در پهلوی قوه اجراییه وجود داشته باشد، تا تمام مشکلات در قوه اجراییه و حکومت نباشد. به همین اساس من چند پیشنهاد کردم:

پیشنهاد اول من این بود که تأمین امنیت مشکل اساسی است؛ لذا استراتژی ساختار اردو یک مسئله اساسی دیگر است و شورای رهبری ساخته شود و بعضی شخصیت‌ها به شمول پادشاه سابق افغانستان در ارگ سهم داشته باشند؛

دوم: پارلمان باید من حیث یک نهاد قانونی وجود داشته باشد؛
سوم: کابینه که ساخته می‌شود، بدون اینکه پشت پرده بنشینند و تصمیم بگیرند، باید از پارلمان رأی بگیرند و وزیرهای بسیار قوی، وزیرهایی که اولاً در باره‌شان صحبت شود و بعد به رأی اعتماد گذاشته شوند، باید انتخاب گردند. در قدم اول مشورت صورت گیرد، اگر کابینه‌ای ساخته می‌شود و یا صدراعظم انتخاب می‌گردد، باید با گروه پارلمانی مشورت انجام یابد.
 در مورد اینکه چه نوع کابینه انتخاب گردد؟ صحبت‌ها صورت گرفت و تعدادی از برادران گفتند که خودت اگر موافق باشی پیشنهاد ما خودت هستی و بعضی‌ها وظیفه گرفتند که پیشنهادها را عملی بسازند.

به همین اساس بود که گفتم: من کاندیدا نیستم و این برنامه به‌خاطر ثبات سیاسی و استحکام امنیت و از بین بردن بحران بی‌اعتمادی، به‌میان آمدن یک کابینه با قدرت می‌باشد؛ اما متأسفانه کابینه طوری ساخته شد که در مورد قدرت کاری و شخصیت‌های آن، حرف‌ها و دیدگاه‌های وجود دارد.
مجاهد: وعده‌هایی که به شما سپرده شده بود، قطعاً در عمل صورت نگرفت و در ساختار حکومت هم؟

استاد: در ساختار حکومت هم قطعاً از من مشورتی صورت نگرفت.
مجاهد: پس وزرایی که از اعضای جمعیت‌اند، شما معرفی نکرده‌اید؟
استاد: ما هیچ‌کس را معرفی نکرده‌ایم، من یک مأمور را هم معرفی نکرده‌ام.
مجاهد: اما جمعیت همیشه از حکومت حمایت کرده‌است؟
استاد: حمایت ما به‌خاطر منافع ملی بوده‌است. با وجودی که نقاط نظر خود را اعلان داشته‌ایم، بعد از اینکه حکومت جدید و اداره انتقالی ایجاد گردید، باز هم ما حمایت کرده‌ایم. هدف ما این است که باید در کشور امنیت بیاید.

زمانی که سفرای بعضی از کشورها آمده بودند، می‌خواستند که با جمعیت، یعنی با شخص من به‌عنوان یک رهبر اپوزیسیون صحبت کنند، گفتم: اصلاً من با دولت اپوزیسیون نیستم و این حکومت در وضعی نیست که در برابر آن اپوزیسیونی باشد؛ بلکه ما می‌خواهیم که ثبات و استحکام بیاید و امنیت در کشور بیاید؛

به همین اساس بوده‌است که با وجودی که پیشنهادها و خواست‌های ما مدنظر گرفته نشد، ما گفتیم که در قسمت استحکام امنیت و در قسمت موفقیت این حکومت هرچه در توان ماست در سطح ملی و بین‌المللی باید همکاری کنیم تا کشور از این وضع بحران‌زده بیرون آید و دچار بحران‌های جدید نشود.

مجاهد: قبل از کاندیداتوری علاوه از وعده‌های آقای کرزی و دیگران، جهات خارجی هم وعده‌های به شما داده بودند؟

استاد: ما اصلاً با هیچ جهت خارجی صحبت نکرده‌ایم و من به این عقیده و به این نظرم که در ساختار نظام ملی باید تنها تصمیم‌های ملی مطرح باشد. مداخله خارجی همیشه بحران‌آفرین بوده‌است؛ چه به شکل مداخلات نظامی و چه به شکل مداخلات فرمایشی و در قسمت ساختار حکومت و نظام، از هر جانبی که بوده بحران‌ها را از بین نبرده؛ بلکه به بحران‌های جدید فضا داده‌است.

مجاهد: شما در دوران یک سال از طول عمر حکومت جدید و تحوّل جدید،

به‌عنوان رهبر انقلاب و به‌عنوان رهبر پیشین دولت چه ارزیابی دارید؟
استاد: من به این عقیده‌ام که باید موضوع خموش گذاشته نشود، باید مشوره‌های صریح و روشن داده شود و از طریق مطبوعات هم انعکاس یابد تا این‌طور احساس نشود که گویا هرچه می‌گذرد، همه با آن راضی‌اند.

بسیاری مسایل باید گفته شود. نقاط نظر هر وقت به حکومت گفته شود، از طریق مطبوعات و یا در اجتماعات مطرح شود تا کارهای درستی صورت بگیرد.

مجاهد: به نظر شما و جمعیت نقاط بارزی که باید در آن مورد مشوره

صورت بگیرد، چه بوده است؟

استاد: به عقیده من مسایل زیادی هست. صحبت‌هایی که با مسئولین داشته‌ایم و ضمناً مشوره‌هایی که صورت گرفته است؛ یکی از مسایلی که مطرح بوده است، کمبود شورای عالی امنیت ملی است که باید ایجاد می‌شد و موجودیت پارلمان است که پارلمان به نفع دولت انتقالی بوده و بسیاری مسایل و مشکلاتی که دولت انتقالی به آن روبه‌روست، می‌توانست راه‌حل یابد.

چند مسئله دیگر را نیز می‌توان یادآور شد، یکی از آن ایجاد کمیسیون‌های متعدد می‌باشد، به جای کمیسیون‌های متعدد باید وزارت‌خانه‌ها فعال شوند، نه اینکه در پهلوی هر وزارت چند کمیسیون دیگر ساخته شود. دیده می‌شود که کمیسیون‌های عریض و طویلی در وزارت‌خانه‌ها ایجاد گردیده و شاید بودجه بعضی از این گروه‌ها بالاتر از چند وزارت‌خانه باشد. موضوع دیگر به عقیده من، به خاطری که حکومت مرکزی خیلی قوی باشد و تسلط کامل داشته باشد، باید استقلال و عملکرد نیروها و قدرت‌های محلی و ایالتی به شکل دیگری تبارز یابد؛ یعنی بعضی از شخصیت‌های بدون عمده در کابینه سهم بگیرند تا تسلط دولت بر تمام ولایات به صورت قوی پخش شود.

موضوع دیگری که گفتم، ایجاد شورای عالی امنیت ملی باشد که باید تصویب می‌شد که اگر نشد پارلمان باید حتماً تصویب می‌شد. ایجاد پارلمان کار ساده نبود. در لویه جرگه حتی تقاضای وسیعی وجود داشت که باید پارلمان به وجود بیاید؛ اما متأسفانه رئیس لویه جرگه می‌گفت که پارلمان در اسناد کنفرانس بن نیست، این سخن تعجب‌انگیز ☺ است! زیرا کنفرانس بن نمی‌تواند مسایل اساسی ملی را فیصله کند، در دوران اداره موقت و بعداً در اداره جدید، قانون اساسی ۱۳۴۳ هـ ش، به حیث قانون معمول به و مورد قبول می‌باشد که پارلمان و صدراعظم در آن وجود دارد.

مجاهد: در قرارداد بن مسئله شوری چگونه مطرح بوده است؟

استاد: کنفرانس بن یک جلسه اضطراری به خاطر حل مسایل اساسی ملی

نمود؛ بلکه به‌خاطر مسایل امنیّت بین‌المللی و بازسازی بود؛ اما وقتی که لویه جرگه به‌میان آمد، صلاحیتش به این جرگه ملی انتقال کرد.

فعلاً عالی‌ترین مرکز تصمیم‌گیری لویه جرگه است که قانون اساسی را پاس می‌کند و زعامت کشور را تعیین می‌کند. مسایلی که به تصمیم‌های ملی ارتباط دارد، دیگر مربوط به کنفرانس بن نمی‌باشد. آنچه باقی‌مانده، تعهدات بین‌المللی کشورهاست در ارتباط بازسازی مسایل امنیتی. آن دو مسئله‌ای است که به افغانستان مربوط نیست؛ بلکه افغانستان من‌حیث یک کشور در آن سهم دارد و کشورها و مجامع بین‌المللی نقش عمده و اساسی را دارا می‌باشند؛ اما مسئله پارلمان مسئله‌ای است که آن را کسی نمی‌تواند لغو کند، خصوصاً بعد از اینکه لویه جرگه تدویر یافت.

مجاهد: پس این گپ‌ها بدین معناست که جمعیت از دوره سکوت و خاموشی گذشته و وارد مرحله جدید سیاسی شده‌است؟

استاد: یقیناً جمعیت به‌خاطر سهم‌گیری در قضایای ملی و سیاسی باید نقش تعیین‌کننده خود را قسمی که در سه دهه اخیر در کشور ادا نموده‌است، باید ایفا نماید.

پیش از تهاجم اتحاد شوروی، جمعیت به‌عنوان عمده‌ترین سازمان فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در کشور به‌عنوان یک قدرت به‌میان آمد و بعد از اینکه نظام‌های کودتایی به‌میان آمد و مردم افغانستان در برابر طنین مارکسیزم و تهاجم اتحاد شوروی قرار گرفتند، باز جمعیت در پیشاپیش جهاد و مبارزه قرار داشت و بعد از آن در دوران مقاومت به‌عنوان یگانه نیروی پیش‌آهنگ در دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و دفاع از نوامیس ملی افغانستان و دفاع از مردم بی‌دفاع افغانستان بود و بعد از یک مرحله سکوت و انتظار، فعلاً در حیات ملی و حیات سیاسی افغانستان جمعیت باید نقش خود را به نفع امنیّت و به نفع سهم‌گیری ملی به‌صورت اساسی انجام بدهد.

مجاهد: این سخنان شما را در زمانی ما می‌یابیم و می‌شنویم که برخی از روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی دولت نوشته است که گویا دوران احزاب جهادی و سازمان‌های اسلامی به پایان رسیده و سازمان‌های جهادی معلول

دوران جهاد و اشغالگری بودند و طبعاً با از میان رفتن علّت، معلول هم باید از میان برود و دوران‌شان به پایان رسیده، پس نظر شما در باره این حرف‌ها چیست؟

استاد: به چند مطلب در اینجا باید اشاره کنیم:

اول؛ اینکه در شرایط کنونی ملّت مسلمان افغانستان به‌سوی مقابله با جریان‌های استبدادی روان است، این حرف باز هم بدین معناست که گویا جامعه به‌سوی انحصارطلبی، به‌سوی جریان‌های استبدادی سوق داده شود و بدین گونه می‌خواهند بگویند که تعدادی حق دارند کارهای سیاسی را انجام دهند و تعدادی حق ندارند. یقیناً این عمل مخالف روند سیاسی است که فعلاً افغانستان به‌سوی آن گام برمی‌دارد؛

دوم؛ اینکه معمولاً در تاریخ دیده شده‌است که جریان‌ها و حتّی شخصیت‌های ملی، احزاب ملی که در دوره‌های مبارزات ملی سهم داشته، به احترام مبارزات‌شان، سال‌ها از آن‌ها و از مبارزات و از مبارزات سیاسی‌شان به‌عنوان یک واقعیت عینی در حیات ملی و سیاسی، با‌قدردانی یاد می‌شوند که جبهه آزادی الجزایر یک نمونه آن است.

از زمانی که جبهه آزادی الجزایر در مبارزات ملی سهم گرفت، تا حال حکومت‌هایی که تشکیل می‌شود، از جبهه آزادی به نیکویی یادآور می‌شوند و حتّی امتیازات زیادی برای کسانی که در مبارزات ملی و جهاد مسلّح سهم داشته‌اند، داده می‌شود.

در کشورهای اروپایی می‌بینیم بعد از اینکه نظام‌های شاهی سقوط کردند، به احترام زعما و پادشاهانی که در دفاع از استقلال و در دفاع از آزادی کشور خویش سهم داشتند، صدها سال بعد هم خاندان آن‌ها به احترام اینکه در مبارزات ملی سهم داشته‌اند و نقش ملی خود را ایفا نموده‌اند، جزء تاریخ گشته‌اند.

فعلاً حرکت‌های جهادی به‌عنوان قهرمانان ملی در تاریخ افغانستان جایگاه خود را باز کرده‌اند. این‌ها تنها به‌عنوان یک نیروی جهادی نیستند، این‌ها به‌عنوان افتخارات تاریخی ملّت افغانستان‌اند، کسانی که می‌خواهند این

جنبش‌های جهادی را - که از افتخارات ملی افغانستان می‌باشد - با یک حرکت توطیه‌آمیز به کلی نادیده بگیرند، یقیناً من فکر می‌کنم که این گپ‌ها ادامه جریان طالبان می‌باشد؛

قسمی که توطیه حرکت طالبان یکی از اهدافش همین بود که به نام توپکیان (تفنگداران) می‌خواستند افتخارات جهاد و مردم افغانستان را از بین ببرند؛ آن‌ها به‌عنوان یک جریان مزدور آمده بودند و نمی‌خواستند که جریان‌های آزادی‌بخش ملی به‌عنوان افتخارات تاریخی مردم افغانستان عرض وجود کند.

برای من بسیار تعجب‌آور است که گویا صدای طالبان را به شکل دیگری برای از بین بردن همه افتخارات تاریخ از یک جریده دولتی بخوانیم.

مجاهد: پس به‌عنوان آخرین سوال وقتی تجدید فعالیت‌های جمعیت قرار است آغاز شود، طرح کلی جمعیت در این مرحله چیست؟

استاد: قسمی که گفتم، در اوضاع فعلی باید، به‌سوی وحدت ملی پیش برویم و به‌سوی بحران‌زدایی به‌پیش برویم.

من به این عقیده‌ام که جمعیت به تمام نیروهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی افغانستان پیام بدهد و به‌سوی هریکی دست دراز کند. در اوضاع فعلی به‌خاطر حفظ تاریخ و فرهنگ و هویت ملی افغانستان همه دست‌به‌دست همدیگر بدهیم و برای ساختن یک افغانستان قدرتمند و مستقل و آزاد و یک افغانستان که امروزش با دیروزش و دیروزش با امروز و فردایش پیوند داشته باشد، حرکت کنیم.

دیگر سلیقه‌های شخصی و گروهی، یکی بر ضد دیگری تحت این‌وآن نام که در دوره‌های مختلف به‌میان آمده‌است، باید از بین برود. همه اقوام، همه فرهنگی‌ها، همه سیاستمدارها دست‌به‌دست همدیگر بدهند و برای ثوابت ملی بر اساس ارزش‌های ملی و فرهنگی و دینی افغانستان متحدانه کار بکنند.

جمعیت به‌عنوان یک سازمان سیاسی در بخش کار داخلی به سطح دولت‌سازی و حکومت‌سازی در یک جریان وسیع‌تری سهم خود را باید

ادا بکند، چه گروه‌هایی که در جبهه متحد بودند و چه کسانی که در جبهه متحد نبودند، چه شخصیت‌هایی که در دوره‌های مختلف از کشور دور بودند، همه به‌خاطر بازسازی افغانستان دست‌به‌دست همدیگر بدهند. فعلاً جمعیت می‌خواهد ارتباط وسیع خود را با شخصیت‌ها و گروه‌ها و نهادها و ملیت‌های مختلف داشته باشد. منتها همه عواملی که باعث ایجاد بحران در کشور می‌شود و باعث بدامنی و فضای بی‌اعتمادی در کشور می‌شود، از بین برود.

این مختصری از آرمان نو و برنامه کنونی است که جمعیت روی دست دارد. **مجاهد:** آیا برای لویه جرگه آینده و انتخابات پارلمانی آینده، جمعیت وارد فعالیت‌های سیاسی می‌شود؟

استاد: طبعاً، این کار جزء رسالت جمعیت که یک حزب قدرتمند سیاسی است که در حیات ملی افغانستان مخصوصاً طی سه، چهار دهه نقش بارز و روشنی داشته است و نمی‌خواهد که در مسایل بی‌تفاوت بماند. تلاش ما بر این است که برای از بین بردن نفاق ملی و از بین بردن بحران بی‌اعتمادی و از بین بردن سلیقه‌هایی که فاصله ایجاد می‌کند بین سیاست‌مدارها و گروه‌های سیاسی و از بین بردن تضادها و کشمکش‌های قومی و به‌میان آمدن یک فضای اعتماد متقابل در یک برنامه واحد، برای لویه جرگه و برای هر کار دیگری، جمعیت کار خود را به قوت آغاز می‌کند. البته در ساختار نظام و دولت و اداره علاقه دارد با یک دید وسیع در یک برنامه مشترک سهم بگیرد.

مجاهد: در اخیر از اینکه جناب استاد ما را به حضور پذیرفتید و سخنان ارزنده را پیرامون پرسش‌های ما ابراز داشتید، متشکریم.

گفت و گوی هفتم با

بی بی سی

تاریخ: اوّل جدی ۱۳۸۳ هـ ش



بی‌بی‌سی: استاد، شما چند سال دارید، چند سال استاد دانشگاه بودید و در کدام سال مهاجر شدید و جمعیت اسلامی در کدام سال تشکیل شد؟
استاد: من ۶۳ ساله دارم و به محض فراغت از دانشگاه کابل، بدون سپری کردن دورهٔ اسیستانی دو سال و چند ماه در این دانشگاه تدریس کردم و پس از فراغت از اذهر مصر در سال ۱۳۴۸ هـ. ش، دوباره به کشور برگشتم و در دانشگاه کابل تا کودتای داوود خان به وظیفهٔ تدریس ادامه دادم.
در مدت استادی‌ام در دانشگاه کابل سفری جهت بحث و تحقیق به کشور ترکیه داشتم که اقامتم در آن کشور سه ماه طول کشید. همچنان علاوه بر وظیفهٔ استادی، مدیر مجلهٔ شرعیات ارگان نشراتی دانشکدهٔ شرعیات نیز بودم.

در رابطه به تشکیل جمعیت باید بگویم که این سازمان دو مرحله را سپری کرده‌است:

یکی مرحلهٔ آمادگی برای ایجاد یک سازمان سیاسی که بر مبنای ارزش‌های اسلامی استوار بوده باشد و در این مرحله تا سال ۱۳۵۲ هـ. ش، فعالیت‌های این سازمان در چهارچوب تعلیمی و تربیتی و در محیط دانشگاهی خلاصه می‌گردید؛

مرحلهٔ دوم، مرحلهٔ تأسیس است که در سال ۱۳۵۲ هـ. ش، بعد از تصویب اساسنامه، این سازمان به فعالیت‌های خویش توسعه بخشید و رهبری این سازمان طی انتخاباتی که صورت گرفت، به عهدهٔ من سپرده شد.

بی‌بی‌سی: چه عواملی باعث شد که جمعیت اسلامی بعدها به‌عنوان یکی از نیروها و سازمان‌های بزرگ سیاسی تبدیل شود؟

استاد: چون جمعیت اسلامی در گذشته‌ها، فعالیت‌های گسترده‌ای در بخش‌های مختلف داشت و نیز این سازمان به ارزش‌های اسلامی و اجتماعی و حقوق بشر و آزادی بیان و عدالت اجتماعی احترام می‌گذاشت و در عین حال این ارزش‌ها از سوی دولت وقت نقض می‌گردید و مظاهر فساد و بداخلاقی هر روز رشد می‌یافت؛ بناءً زمینه مساعد شد تا همه به این سازمان توجه کنند و همین بود که این سازمان رشد کرد.

بی‌بی‌سی: شعارهایی مبنی بر رعایت ارزش‌هایی دیگر نیز وجود داشت؛ ولی عامل عمده رشد این سازمان چه بود؟

استاد: این سازمان در میان طبقات مختلف خصوصاً میان جوانان و متنفذین اقوام مختلف فعالیت‌های گسترده نموده‌است؛ چنانکه پس از آغاز مبارزه مسلحانه یک‌تعداد جوانان به‌خاطر ناآشنایی‌شان در مناطق لغمان دستگیر شدند، پس از این حادثه، جلسه‌ای را تشکیل دادیم و گفتیم که جوانان به این مناطق ناآشنا نیستند ما باید با سران قبایل در تماس شویم. همان بود که «اعظم خان» یک‌تن از سران قبیله شینواری و «یونس خان» از سران قبیله خوگیانی را در این سازمان داخل ساختیم.

همچنان جمعیت اسلامی یک سازمان سراسری بود، این سازمان منحصر به یک قوم نبود و نه به یک طبقه سنی؛ بلکه این سازمان همکاری‌هایی با تمام طبقات داشت، چنانکه اسماعیل پاسخ، هاشمی، مرحوم برهانی و اسماعیل مبلغ همه از جوانان اهل تشیع بودند.

عامل عمده دیگر، این بود که جمعیت اسلامی متکی به‌خود بود؛ در اوضاعی، افراد این سازمان، در محرومیتی قرار داشتند که حتی قادر به خریدن یک بلندگو نبودند؛ اما اتکا به خویش را از دست ندادند و تجمع ما در این‌گونه اوضاع باعث جلب توجه مردم گردید.

همچنان ما مسایل را شعارگونه مطرح نمی‌کردیم؛ مثلاً کوشش کردیم، در

اوضاعی که همه به غرب بدبینانه می‌نگریستند، ما خواهان یک‌نوع رابطه با تمام دنیا خصوصاً با جهان غرب بودیم، همان بود که این سازمان از شعارهای «مرگ به غرب و شرق» اجتناب کرد.

چنانکه شخصاً خودم در دوران جهاد به امریکا رفتم و با ریگان ملاقات نمودم و به کشور شوروی سفر کردم و مسایل را با بسیار قاطعیت در آنجا با رهبران روسیه و شوروی مطرح کردم؛ ولی سازمان‌های مخالف علیه این سفر من و بانگیزه مخالفت، کتاب‌هایی نوشتند، به نام موالات با کفار؛ اما این کار هیچ‌نوع تأثیری منفی را از خود به جا نگذاشت.

بی‌بی‌سی: به‌هرحال، رشد جمعیت بیشتر در دوران مُبارزه مسلحانه است، شما نقش فرماندهان نظامی مانند فرمانده مسعود و اسماعیل خان را چگونه می‌بینید؟

استاد: شکی نیست که جمعیت در رشد فرماندهان سعی می‌کرد. البته مخالفت‌هایی در این عرصه وجود داشت؛ ولی شخصاً خودم کوشش نموده‌ام که همه فرماندهان در عرصه سیاسی رشد کنند؛ چنانکه به‌خاطر تجمُّع فرماندهان پراکنده، در هسته شورای نظار، خودم به فرماندهان نامه‌هایی جداگانه نوشتم و همه فرماندهان با این پروسه موافقت نمودند که نخستین تجمُّع فرماندهان [در سال ۱۳۶۵] در شمال کشور صورت گرفت و این پروسه در ولایات دیگر نیز انکشاف یافت.

بی‌بی‌سی: به‌طور مشخص بگویید که دلیل تشکیل شورای نظار در جمعیت اسلامی چه بود. البته بعضی‌ها حدس می‌زنند که فرمانده مسعود می‌خواست کنترل مشخص بر اوضاع داشته باشد؛ لذا این شوری را تشکیل داد، نظر شما در این مورد چگونه است؟

استاد: زمانی که فکر تشکیل شوری به‌خاطر تجمُّع فرماندهان پراکنده و جلوگیری از اختلافات بی‌مورد پیدا شد، ما شورایی را تشکیل دادیم و به فرماندهان مختلف مانند قاضی اسلام‌الدین، آراین‌پور، عارف خان و... نامه‌هایی جداگانه نوشتم و شوری به اساس موافقت فرماندهان مختلف

تشکیل شد؛ اما نام‌گذاری مشخص نشده بود که به اساس پیشنهاد شهید مسعود به شورای نظار نام‌گذاری گردید.

ناگفته نماند که در تشکیل شورای نظار هیچ‌نوع هدف شخصی‌ای از سوی شهید مسعود وجود نداشت و او با پیروزی مجاهدین اعلام کرد که بعد از این هیچ شورایی به نام شورای نظار وجود ندارد.

چون این شوری بر اساس یک ضرورت نظامی تشکیل گردیده بود و با پیروزی مجاهدین نیازی به آن نیست و خود شهید مسعود در رأس کمیته تشکیلات جمعیت قرار گرفت.

بی‌بی‌سی: کارشناسان مسایل سیاسی افغانستان معتقد بودند، صف‌بندی‌های حزبی [در دوران جهاد] به اساس قومیت استوار بود، چنانکه اقوام پشتون در حزب اسلامی آقای حکمتیار و اقوام تاجیک در جمعیت اسلامی به رهبری شما تجمع کرده بودند، بناءً بودن یک فارسی‌زبان در رهبری جمعیت اسلامی افغانستان چه تأثیری در مناطق پشتون‌نشین داشت؟

استاد: تا جایی که خودم در جریان بودم و هستم، این سازمان هیچ نوع اساس قومی نداشته است. دلیل عمده آن این است که ستم ملی که به اساس قومیت استوار بود و منشأ آن و رهبران آن از بدخشان بود، در مخالفت جدی با ما قرار داشت و ما همیشه تأکید می‌کردیم که جمعیت منحصر به یک قوم نیست؛ بلکه به تمام کشور افغانستان تعلق دارد.

همچنان ما در میان قبایل بزرگ پشتون نفوذ گسترده‌ای داشتیم، چنانکه قبیله صافی در کنرها و درانی در قندهار غالباً با ما در جمعیت بودند و با پیروزی مجاهدین در افغانستان به اتفاق همه مردم قندهار یکی از قوماندانان جمعیت به نام ملانقیب الله والی آن ولایت مقرر شد و نیز پس از پیروزی مجاهدین در مقاومت خان محمد از قوماندانان جمعیت، قوماندان امنیه آن ولایت مقرر گردید.

بی‌بی‌سی: پس از پیروزی جهاد، مردم افغانستان شاهد درگیری‌های میان جمعیت اسلامی و حزب اسلامی آقای حکمتیار بودند، دلیل این درگیری‌ها

از نظر شما چه بود؟

استاد: دلیل این درگیری‌ها را در دو عامل می‌بینم: اول، خودخواهی لگام‌گسیخته آقای حکمتیار که حتی در مناطق مربوط به حزبش نمی‌خواست به جز خودش کسی دیگر در آن مناطق صلاحیت داشته باشد؛

دوم، اینکه آقای حکمتیار در گرو یک‌عده از دستگاه‌های استخباراتی قرار داشت که این دستگاه‌ها امنیت و استقرار افغانستان را نمی‌خواستند و در از بین‌بردن ارزش‌های ملی و جهادی، آقای حکمتیار را استخدام نموده بودند که دلیل عمده آن را تغییر اعضای شورای مرکزی حزب اسلامی چندین بار توسط شخص آقای حکمتیار و نادیده‌گرفتن فیصله‌های شورای مرکزی این حزب می‌دانیم.

بی‌بی‌سی: شاید همین دلایل نزد آقای حکمتیار علیه جمعیت اسلامی نیز وجود داشته باشد و جمعیت هم مرتکب بی‌تجربگی‌هایی شده‌است، در این باره چه نظر دارید؟

استاد: شکی نیست که از جمعیت اشتباهاتی هم صورت گرفته‌است و کسانی هم وجود داشتند که در کشمکش‌ها نقش داشتند؛ ولی این اشتباهات من حیث یک پالیسی و استراتژی نبود و ما همیشه در رفع این اختلافات می‌کوشیدیم و در رعایت ارزش‌های ملی و جهادی سعی می‌نمودیم.

بی‌بی‌سی: شما داشتن حسن رابطه با روس‌ها را می‌پذیرید و اگر می‌پذیرید، چگونه؟

استاد: ما با ملت شوروی دشمنی نداشتیم؛ بلکه با سیاست آن مملکت که اشغال کشورمان به اساس آن صورت گرفته بود، مخالف بودیم و ما طرفدار حسن رابطه با این مملکتیم به ویژه زمانی که پالیسی این کشور در قبال افغانستان تغییر کرد و ما عملاً شاهد این نوع سیاست در دیگر مملکت‌های دنیا نیز می‌باشیم؛ چنانکه رابطه خوب فرانسه با انگلستان و به همین منوال رابطه آلمان با روسیه، فرانسه و انگلستان و آلمان و... این‌ها ده‌ها سال با هم

جنگیدند؛ اما اکنون در اتحادیه اروپا دوستانه و متحدانه عمل می‌کنند. ما که با شوروی‌ها ده سال جنگیده‌ایم؛ اما ما گذشته را فراموش نمی‌کنیم؛ بلکه از گذشته تجربه می‌گیریم.

واکنش رهبران مخالف با سفر من، بسیار غوغا آفرین بود حتی آقای حکمتیار گفته بود که استاد ربانی نماینده مجاهدین نیست^۱ و از سوی بعضی جناح‌ها تهدید به ترور شدم.

باید تذکر داد که نمایندگان احزاب حرکت انقلاب اسلامی افغانستان و آیت‌الله محسنی به نمایندگی از حرکت اسلامی و محاذ ملی و جبهه نجات و شخص امین وقاد به نمایندگی از حزب اسلامی به رهبری موصوف و نمایندگان احزاب شیعی مستقر در ایران (هشتگانه) در این سفر اشتراک داشتند.

این سفر تأثیر مثبتی را در برداشت؛ چنانکه پیوستن بعضی از سران دولت داکتر نجیب‌الله و سقوط بسیاری از مناطق به دست مجاهدین از تأثیرات مثبت این سفر به شمار می‌آید.

بی‌بی سی: بدون شک تجاوز یک پدیده شوم است؛ ولی به گفته بعضی از نظریه‌پردازان اثرات مثبتی را نیز در برداشت، شما این مسئله را چگونه بررسی می‌کنید؟ آیا اثر مثبتی را به آن نسبت می‌دهید؟

استاد: شکی نیست که تجاوز بد است، استقلال‌طلبی و تمامیت‌ارضی خواهی از بهترین خواسته‌های ملت افغانستان است؛ ولی ناگفته نماند که شرها همه شرهای مطلق و خیرها همه خیرهای مطلق نیستند؛ بلکه شرهایی وجود دارند که خیر را نیز در قبال دارند.

به هر حال ارزیابی ما از تجاوز اتحاد شوروی به دیده مثبت نیست؛ ولی قیام مردم افغانستان را مثبت ارزیابی می‌کنیم که خیرهایی را در قبال داشت. اگر قیام مردم این سرزمین نمی‌بود، همه مردم غلام می‌بودند، با قیام مردم افغانستان این کشور وارد مرحله جدید سیاسی شد؛ چنانکه در دولت‌های

۱. استاد در این زمان رئیس اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان بود. «مجاهد»

قبلی نمایندگان تمام اقوام وجود نداشت؛ ولی با به‌میان‌آمدن دولت اسلامی از تمام اقوام نماینده برگزیده شد. گزینش نمایندگان به اساس شمار جمعیت صورت می‌گرفت که این فیصله دولت اسلامی را ملل متحد فعلاً در افغانستان عملی می‌کند.

همچنان قیام مردم افغانستان منافع خارجی را نیز در برداشت، چنانکه دیوار برلین از بین رفت، دنیا یک قطبی شد، آسیای میانه از اسارت بیرون رفت و اروپای شرقی آزاد شد، دنیا نسبت به مردم افغانستان بیشترین استفاده را از این قیام کرد.

بی‌بی‌سی: ادعاهایی وجود دارد و در این باره کتاب‌هایی هم نوشته شده است که نقش رهبری‌کننده در جهاد را جنرال اختر و جنرال یوسف و یا به عبارت دیگر «آی اس آی» داشت، در این باره چه نظر دارید؟

استاد: نقش پاکستان در قیام مردم افغانستان من حیث یک ملت و نقش حکومت ضیاءالحق در دفاع از قیام مردم افغانستان من حیث یک حکومت مقتدر، بدون شک نقش مثبتی بود؛ اما تمام ابتکارات از مجاهدین بود؛ ولی یک سلسله فعالیت‌هایی هم وجود داشت که باعث تفرقه میان مجاهدین گردید و بسیاری از مجاهدین در تمام حالات مواضع مستقلانه داشتند.

چنانکه در معاهده ژنو که صاحب زاده یعقوب خان وزیر خارجه پاکستان به نمایندگی افغان‌ها در این معاهده شرکت نموده بود و من در آن زمان رئیس اتحاد اسلامی مجاهدین بودم، به مطبوعات پاکستان اظهار نمودم که پاکستانی‌ها حق مداخله در امور افغانستان را ندارند و به همین‌گونه موضع‌گیری‌های رهبران مجاهدین در مقابل جنرال ضیاءالحق بود.

درست است که کمک‌ها همه به پاکستان داده می‌شد؛ ولی ما مشکل داشتیم، چون مهار بودیم و حق اعتراض را نداشتیم؛ ولی همین‌که پاکستان از قیام مردم افغانستان حمایت کرد، متشکریم.

گفت‌وگوی هشتم با

روزنامه‌های انگلیسی زبان وال استریت ژورنال، لاس
انجلس تایمز و شیکاگو تریبون.

تاریخ گفت‌وگو: سه‌شنبه ۳۱ سنبله ۱۳۸۳ هـ ش
مجاهد، سال سوم، شماره بیست و پنجم، چهارشنبه ۸ میزان ۱۳۸۳ هـ ش



پرسشگر: در مورد اهمیت پارلمان و اینکه تأخیر انتخابات پارلمانی چه زیان‌هایی خواهد داشت و کدام نظام به سود مردم افغانستان است، نظرتان چیست؟

استاد: نظام دموکراسی بدون پارلمان مفهومی ندارد و از همین رو ما اصرار داشتیم که انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی توأم برگزار گردد که متأسفانه چنین نشد و حالا هم طرفدار آنیم که انتخابات ریاست جمهوری در فضای مطمئن به پایان برسد و به دنبال آن انتخابات پارلمانی در وقت معین برگزار شود و از راه پارلمان بتوانیم به مشکلات متعدد کشور، راه‌حل پیدا کنیم.

چیز دیگر اینکه در نبود پارلمان، وزرای کابینه از نظارت نمایندگان مردم به دور می‌مانند و هر که هرچه خواست انجام می‌دهد و این کار، به منافع ملی ما زیان می‌رساند. به فکر من هستند کسانی که از ایجاد یک پارلمان قوی هراس دارند و نمی‌خواهند نهاد باصلاحیتی وجود داشته باشد که فساد اداری و کارهای نادرست آنان را مورد بازپرس قرار دهد.

حکومت نباید از پارلمان هراس داشته باشد، پارلمان هر قدر قوی باشد، به نفع امنیت و ثبات است و تنها پارلمان قدرتمند به نفع ملت افغانستان است؛ نه نظام ریاستی بدون پارلمان ولو هر قدر نیرومند هم باشد.

پرسشگر: در مورد برکناری اسماعیل خان چه نظر دارید؟
استاد: دولت مرکزی شاید یک سلسله مشکلاتی با اسماعیل خان داشت؛

اما این مشکلات به عقیده من به قدری جدی نبود که به اساس آن در هرات مشکل ایجاد شود. به فکر من مشکل هرات به گروه مافیا ارتباط دارد، گروه مافیا خواست امنیت هرات را برهم بزند و راه را برای قاچاق مواد مخدر به ترکمنستان و ایران باز نماید.

عقیده من این است که اسماعیل خان دیگر مثل یک قوماندان عادی نیست، او یکی از چهره‌های ملی است، فرق نمی‌کند که والی باشد یا نباشد. شاید خود آقای کرزی متوجه مشکل نبوده باشد؛ اما دست‌های دیگر که با وی خیلی نزدیک‌اند این کار را سازمان داده‌اند، در حالی که حضور اسماعیل خان در هرات به نفع آقای کرزی بود.

پرسشگر: در انتخابات از کدام کاندیدا حمایت می‌کند؟

استاد: این سوال قبل از وقت است. ما با آقای کرزی رابطه نزدیک داریم؛ ولی حمایت علنی خود را از کاندیدای موردنظر در وقتی مناسب اعلام خواهیم کرد. حالا به برخی از دوستان فرصت باید بدهیم که در این زمینه چه تصمیم می‌گیرند تا گمان نشود که من از نفوذ خود سوءاستفاده می‌کنم. اکنون وقت آن است که من برای امنیت و ثبات سیاسی و وحدت ملی کار کنم.

پرسشگر: گفته می‌شود که یک سلسله مذاکراتی میان آقای کرزی و قانونی جریان دارد، آیا شما اطلاع دارید یا خیر؟

استاد: به عقیده من نامزدی آقای قانونی بیشتر در چهارچوب یک عکس‌العمل بوده است و این کار درستی نیست. قانونی در گذشته هم با کرزی بود و حالا که از وی جدا شده و خودش را کاندیدا کرده است و دوباره می‌خواهد با آقای کرزی پیوندد، علتش را نمی‌دانم؛ ولی با این کار یک منطق قوی سراغ ندارم. همچنان باید بگویم که اگر قانونی می‌خواست خودش را در انتخابات نامزد کند، فرصت‌های خوبی در گذشته برایش بود که فعلاً از دست رفته است.

پرسشگر: نقش مجاهدین را در انتخابات چگونه ارزیابی می‌کنید؟

استاد: وقتی که ما از مجاهدین صحبت می‌کنیم، هدف ما چندتا قوماندان

و سرگروپی که در چارچوب وزارت دفاع هستند، نیست، هدف ما اکثریت قریب به اتفاق ملت افغانستان است؛ زیرا زمانی که روس‌ها به کشور ما تجاوز کردند، همه ملت مسلمان ما به جز عده محدودی که در خارج به سر می‌بردند، به پا برخاستند و تحت پرچم جهاد از ارزش‌های اسلامی، نوامیس ملی، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان دفاع کردند.

زمانی که ما دو میلیون در این راه شهید داده باشیم، اگر هریکی از این شهدا به پنج نفر وابسته باشد، فکر کنید چقدر می‌شود؟

پس مجاهدین اکثریت قریب به اتفاق ملت ما را تشکیل می‌دهند و هیچ‌کس بدون حمایت این قشر عظیم جامعه به موفقیت نمی‌رسد.

پرسشگر: در انتخابات از چه کسی حمایت می‌کنید؟

استاد: من از کسی حمایت می‌کنم که برای ثبات سیاسی و وحدت ملی کار کند.

پرسشگر: شما از کرسی حمایت می‌کنید؟

استاد: اکنون پیش از وقت است.

پرسشگر: پس شما حمایت خود را پس از انتخابات اعلان خواهید کرد؟

استاد: نه‌خیر؛ پیش از انتخابات حمایت را از کاندیدای مورد نظر اعلام خواهد کرد.

پرسشگر: شما در کابینه آینده در کدام پست ایفای وظیفه خواهید کرد؟

استاد: من در کابینه کار نمی‌کنم و شاید یکی از اعضای پارلمانی باشم.

البته دوستان دیگری داریم که در کابینه کار کنند و تقاضای کرسی هم همین

است که دوستان ما در کابینه کار کنند.

گفت‌وگوی نهم

با

هفته‌نامهٔ مجاهد

هفته‌نامه مجاهد؛ چهارشنبه ۳۱ سرطان ۱۳۸۳ هـ ش



مجاهد: جناب استاد بعد از اینکه از یک سفر داخلی برگشتید، یکی از قضایای داغ روز مسئله به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی است و قراری که دانسته می‌شد، یکی از توافقات سران مجاهدین و بحث‌هایی که با جناح آقای کرزی یا دولت وجود داشت، این بود که انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری هم‌زمان برگزار شود.

اکنون که انتخابات پارلمانی به تأخیر انداخته شده است، آیا بر روند مذاکرات یا تفاهمات و یا نشست‌هایی که وجود داشت، اثر نگذاشته است؟
استاد: اساساً هدف از صحبت‌هایی که قبل از این صورت گرفته بود، تلاش در ایجاد یک تفاهم ملی و ایجاد فضایی بود که گروه‌های مختلف و اقوام مختلف در همسویی با دولت در جهت ثبات سیاسی، استحکام امنیت در کشور کار مشترک انجام دهند. زمان، زمان رقابت‌ها، کشمکش‌ها و جناح‌بندی‌ها نیست. ما در یک مرحله بسیار حساس تاریخ افغانستان قرار داریم، اگر در این مرحله احساس مسئولیت و رسالت ملی در برابر نسل‌های افغانستان صورت نگیرد، با بحران‌ها و کشمکش‌ها روبه‌رو خواهیم شد، به‌خاطر مهار ساختن بحران‌ها، به‌خاطر جلوگیری از کشمکش‌ها، جلوگیری از فضای تشنج‌آمیز مذاکرات خود را آغاز کردیم. مسئولان دولتی تأکید می‌کردند که به تأخیر انداختن انتخابات برنامه دولت نیست.

کمیسونی که انتخابات را سرپرستی می‌کند، به هر دلیلی که استدلال

داشتند در تأخیر انتخابات موجه نیست.

به عقیده من این موضع‌گیری در اوضاع فعلی یک سلسله مشکلات را ایجاد می‌کند، اول مسئله قانون اساسی زیر سوال می‌رود و به جای اینکه ما به‌سوی قانون‌مندی گام برداریم، این آغاز یک قانون‌شکنی می‌باشد.

مطابق قانون اساسی، انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری باید دولت سعی می‌کرد که هم‌زمان صورت می‌گرفت؛ لذا فیصله به تأخیرانداختن انتخابات پارلمانی مفید نمی‌باشد. با وجود این فیصله من به این عقیده‌ام که باید مذاکرات، صحبت‌ها به‌خاطر رفع بی‌اعتمادی‌ها، جلوگیری از ایجاد بحران‌ها و جلوگیری از بدامنی در کشور و راه برگزاری هم‌زمان هر دو انتخابات صورت بگیرد. برای حل عملی همه قضایای اساسی کشور باید مذاکرات متوقف نشود، صحبت‌ها ادامه پیدا کند.

مجاهد: قسمی که گفته شد، به تعویق انداختن انتخابات عوامل اقتصادی، امنیتی، خلع سلاح نشدن بعضی فرماندهان و نیروهای مجاهدین خوانده شده است، آیا یک نوع تعارض وجود ندارد، میان این سخنان و به راه انداختن انتخابات ریاست جمهوری؟ اگر این عوامل در انتخابات پارلمانی مؤثر باشد، نمی‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری اثر بگذارد؟

استاد: همه دلایلی را که تا هنوز شنیده‌ام، به عقیده من هیچ‌کدام نمی‌تواند عامل به تعویق افتیدن انتخابات باشد. مسئله امنیت در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات پارلمانی یکسان مطرح است. زمینه برای هر انتخابات - چه پارلمانی چه ریاست جمهوری - مساعد و موجه نخواهد بود که به‌خاطر یک علت بگوئیم، انتخابات به تعویق افتد.

موضوع دوم مسئله اقتصادی است که غیر منطقی است، کشوری که همه چیز خود را از منابع خارجی دریافت بکند، مشکل اقتصادی برای کشور ما واقعاً یک مسئله مهم است، وقتی چنین است، پس دو مرحله‌ای ساختن انتخابات و چند برابر ساختن مصارف آن به این معنی است که مشکل بیشتر خواهد بود.

به این اساس، این هم منطقی شده نمی‌تواند. پس همین کمبود منابع پولی

و مشکل اقتصادی باید باعث آن می‌شد که هر دو انتخابات در یک مرحله برگزار می‌شد و صرفه‌جویی صورت می‌گرفت.

مسئله غیر مسلح شدن یک عده افراد، به عقیده من یک ذهنیت بسیار بدبینانه است. در حالی که تلاش می‌کنیم که بی‌اعتمادی‌ها از بین برود، باز فضای بی‌اعتمادی ایجاد بکنیم، مرزی میان مجاهد و غیر مجاهد به وجود بیاوریم و تهمت‌ها را متوجه یک تعداد عناصری بسازیم که برای آزادی افغانستان در مقابل نیروهای تروریست رزمیدند و از ارزش‌های ملی، استقلال و تمامیت ارضی ما دفاع کردند، کار درست نخواهد بود.

مصلحت نیست که این مردم آماج تهمت‌ها قرار گیرند، شاید در بین قوماندان‌ها عناصر نامطلوبی باشد که هیچ‌کس نباید از آن‌ها دفاع بکند؛ اما بسیاری از قوماندان‌ها شخصیت‌هایی خوب‌اند، مردم در محور آن‌ها جمع می‌شوند. اعتبار آن‌ها بسته به سلاح نیست، آن‌ها شخصیت‌های ملی در سطح محل و ولایت و کشورند، باید به احترام یاد شوند. مسئله جمع‌آوری سلاح طی شش ماه یک خواست عملی نمی‌باشد. مثلی که در گذشته مردم با خود سلاح داشتند، در آینده هم شاید داشته باشند. داشتن سلاح همیشه گناه نیست. استعمال نادرست سلاح جرم است. انسان‌های بدند که سلاح را بد استعمال می‌کنند، ما کوشش بکنیم سلاح داشتن را در چارچوب قانون تنظیم کنیم؛

بناء عامل اساسی بی‌ثباتی سلاح مجاهد و نیروی مسلح نیست. کوشش کنیم آشتی واقعی ملی را طوری در کشور به میان آوریم که اصطلاح مسلح و غیر مسلح، تفنگدار و غیر تفنگدار از میان برود و راه برای خوش‌بینی و اعتماد متقابل میان مردم و احساس مسئولیت همگانی هموار گردد.

مجاهد: اعلامیه جمعیت اسلامی افغانستان در تقبیح به تعویق افتادن انتخابات پارلمانی صراحت دارد، با آن‌هم از نظر شما به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی بر روند انتخابات ریاست جمهوری در بی‌علاقه شدن مردم اثر نمی‌گذارد؟

استاد: قسمی که قبلاً هم اشاره کردم، به تأخیر انداختن انتخابات پارلمانی

اگر به صورت عمده هم نباشد به صورت غیر عمدی یک نوع سبوتاژی است که رأی دهندگان را بی‌ربط می‌سازد. این مسئله بر انتخابات ریاست جمهوری هم اثرات منفی خواهد گذاشت؛ به هر حال، این تصمیم که گرفته شده، خیلی عجولانه است و دلایلی که گفته شده، دلایلی قانع‌کننده نیست.

مجاهد: بعضی از شخصیت‌های دولت و بعضی از اعضای کابینه از طریق مصاحبه‌ها و ابراز نظرها، آوردن یک حکومت تکنوکرات و به اصطلاح خودشان راندن مجاهدین را مطرح می‌سازند و می‌گویند تا مجاهدین در حکومت حضور داشته باشند، حکومت کارا به وجود نمی‌آید.

بناء انتخابات پارلمانی هم از همین بیم و ترس به تعویق افکنده شده و برخی از کسانی که مدعی روشنفکری‌اند، حتی گفته‌اند که برای دونیم سال، سه سال انتخابات پارلمانی به تعویق افکنده شود، در حالی که بسیاری از وظایف و صلاحیت‌های حکومت آینده خصوصاً رئیس‌جمهور منتخب بستگی به پارلمان دارد.

آینده دموکراسی و نظام دموکراتیک به نظر شما چگونه پیش‌بینی می‌شود در یک چنین نظریات و اندیشه‌هایی؟

استاد: کسانی که در مورد کشور فعلاً صادقانه می‌اندیشند، اصلاً نمی‌خواهند مرزهای ساختگی را ایجاد کنند.

اگر یک تعداد طرفدار این‌اند که عناصر متخصص و تکنوکرات در نظام کار کنند، خوب هیچ‌کس مخالف متخصص نیست؛ اما باید یک مکانیزمی وجود داشته باشد که از چه طریقی یک متخصص را بر متخصص دیگر ترجیح می‌دهیم. در تمام دنیا موضوع کاملاً روشن است که حکومت‌ها به قضاوت مردم گذاشته می‌شوند، این قضاوت را بگذاریم به مردم که مردم خود تصمیم بگیرند؛ اما چه بهتر برای آوردن تکنوکرات می‌کانیزمی بر اساس مفاهیم ملی صورت بگیرد. بر اساس سلیقه شخصی کسی فیصله می‌کند که فلان تکنوکرات در نظام کار کند و تکنوکرات دیگری که روابط و ارتباطی با دستگاه ندارد، محروم باشد. این فیصله را به مردم بگذاریم.

کسانی که می‌خواهند هنگامه و تبلیغات و سروصدا به راه اندازند که گویا مجاهدین طرفدار دموکراسی نیستند، حالا در این مرحله‌ای که مجاهدین می‌گویند که ما از دموکراسی و انتخابات پشتیبانی می‌کنیم، یک تعداد دیگری که مجاهدین را متهم به مخالفت با دموکراسی می‌کردند، با این روند مخالفت می‌کنند.

یک‌تعداد از قضاوت مردم می‌هراسند و می‌خواهند تحت یک بهانه‌ای از قضاوت مردم بگریزند. چه بهتر مجاهد و غیرمجاهد در برابر قضاوت مردم قرار گیرند. مردم هر فیصله‌ای که در برابرشان بکنند، باید به آن احترام گذاشته شود.

در لویه جرگه اضطراری در اوّلین انتخابات، در برابر یک خانم قوماندانانی با نام و نشان قرار گرفتند و آن خانم که به‌عنوان یک مهاجر زندگی می‌کرد، انتخاب شد. این انتخاب بر چه اساس صورت گرفت؟ اگر مسئله سلاح بود، قوماندان‌ها سلاح داشتند، اگر مسئله زور و اعمال نفوذ بود، باید قومندانان نفوذ می‌کردند، تنها چیزی که آن خانم داشت این بود که او در بخش‌های تبلیغی، خدمات اجتماعی جبهات مجاهدان سهم داشت، مردم به همین اساس به او رأی دادند؛ اما به قوماندان‌های قدرتمند رأی ندادند.

یک‌تعداد مردم چون نفوذ خود را در میان مردم کم می‌بینند؛ لهذا به بهانه‌جویی می‌پردازند. یک‌تعداد فکر می‌کنند که از طریق رأی مردم و انتخاب مردم نمی‌توانند به کرسی‌های قدرت برسند؛ به این اساس آن‌ها به هیچ شکلی آماده نیستند که انتخابات در این کشور به راه بیفتد؛ چون آن‌ها طرفدار انتخاب خود از طریق غیر مشروع‌اند و تاریخ چنین قضاوت‌ها را فراموش نمی‌کند. مردم و تاریخ در مورد این‌ها قضاوت خواهند کرد.

این مرحله، مرحله‌ای است که به‌سوی دموکراسی گام برمی‌داریم. همه باید صادقانه عمل کنیم و کوشش بکنیم که هیچ‌کسی، کسی دیگر را حذف نکند. هرکسی را که مردم انتخاب می‌کند، به رأی مردم باید احترام بگذاریم و به هیچ بهانه‌ای اجازه ندهیم که کسی مانع روند دموکراسی گردد.

مجاهد: چند روز پیش برای اعلام کاندیدای ریاست جمهوری باقی

نمانده، با اینکه جمعیت اسلامی افغانستان کاندیدای مشخصی را اعلام نکرده، مردم در یک فضای نامشخص قرار دارند که جمعیت اسلامی از کدام یک از کاندیداهای ریاست جمهوری حمایت خواهد کرد؟

استاد: تحولات خیلی سریع به پیش می‌رود. ما قبلاً یک فیصله داشتیم که جمعیت تنها تصمیم نگیرد؛ بلکه جمعی از احزاب تصمیم بگیرند. مذاکرات ما که با دولت انتقالی اسلامی شروع شده بود، روی همین اساس شروع شده بود که ما یک تصمیم مشترک می‌گیریم و به نمایندگی از یک کتله عظیم مردم کشور از جریان دموکراسی و انتخابات حمایت می‌کنیم؛ تا بتوانیم امنیت را تضمین نماییم و ثبات سیاسی در کشور به میان آید؛ بازسازی صورت گیرد؛ نهادهای ارتش ملی و پولیس ملی ساخته شود؛ علاقه‌مندی دنیا را باید با خود داشته باشیم.

ما آرزومندیم که مذاکرات ما نهایی شود و ما بتوانیم به صورت فراگیر تصمیم بگیریم، جمعیت موضع جداگانه اتخاذ نکند؛ بلکه با دیگر دوستان یکجا یک موضع مشترک را اعلام بکند تا بتوانیم از یک قوت خوب برخوردار باشیم.

گفت‌وگوی دهم
با
هفته‌نامهٔ مجاهد
تاریخ: چهارشنبه ۶ جوزای ۱۳۸۳ هـ ش



مجاهد: از وقتی که مسئله کاندیدای ریاست جمهوری مطرح شده است، شما می‌گفتید جمعیت با توافق با سایر مجاهدان کاندیدایی را برای این منظور معرفی خواهند کرد؛ ولی تاکنون چند روزی پیش به پایان دوره اعلام کاندیداها نمانده است، شما نه خود و نه کسی دیگر را به این منظور معرفی داشته‌اید، دلیل این کار چیست؟

استاد: طوری که در آغاز اعلان نموده بودیم، با توافق با سایر دوستان و مجاهدین در مورد معرفی کاندیدای مورد نظر تصمیم می‌گیریم، هنوز هم بر همان حرف خود استوارم، با جمعی از فرماندهان و رهبران جهادی مذاکراتی مسلسل داریم و بعد از توحید نظرات آنچه که مورد قبول همه قرار گیرد، اعلان خواهد شد.

مجاهد: با آنکه شما پیوسته پس از به میان آمدن اداره موقت و سپس دولت انتقالی از برخی از سیاست‌های حکومت آقای کرزی انتقاد کرده‌اید، گفته می‌شود، جمعیت وارد ائتلافی شده است که آقای کرزی را به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری خود معرفی خواهد کرد، آیا این آوازه صحت دارد و اگر صحت دارد دلیل آن چیست؟

استاد: در دوره اداره موقت و دولت انتقالی، انتقادهای اصولی را به صلاح ملت در باره بسیاری از کارهای دولت مطرح کرده‌ام، ترکیب کابینه و عملکرد دولت مورد تأییدم نبود، چنین ترکیبی در کابینه و دوام روش قبلی باز هم برایم قابل قبول نیست، طرفدار تغییر عمده در اداره و نظام اداری می‌باشم.

مجاهد: چرا جمعیت به عنوان یک سازمان مقتدر و فراگیر خود کاندیدای مشخص برای ریاست جمهوری معرفی نمی‌کند؟

استاد: جمعیت به منظور پیاده کردن اهداف و آرمان‌های عرض‌اندام نموده است و اصرار ما بر پیاده کردن این اهداف است، این اهداف توسط هر شخصی پیاده شود، ما از او حمایت می‌کنیم، اصرار نداریم که همه اهداف را حتماً توسط اعضای جمعیت عملی نماییم.

مجاهد: گفته می‌شود در این ائتلاف برای شما پست ریاست پارلمان تعلق گرفته است، آیا این درست است؟

استاد: عضویت در پارلمان و انتخاب رئیس پارلمان حق و وظیفه مردم و نمایندگان منتخب است، این حق را هیچ‌کس از مردم و نمایندگان آنان سلب کرده نمی‌تواند، نه مسئولین امروزی نظام و نه هیچ گروه و ائتلافی حق دارد پیش از تشکیل پارلمان ریاست آن را به کسی ببخشد، اولاً اعضای پارلمان انتخاب می‌گردند و بعداً اعضای آن رئیس خویش را انتخاب می‌کنند، در اوضاع فعلی این حرف‌ها از سطح شایعه و رغبت‌های این‌وآن بالاتر نیست و کاندیداهای ریاست جمهوری قبل از انتخاب شدن آنچه را می‌توانند انجام دهند، نه تنها به ارتباط درج نمودن نام معاونین خود است که هم‌زمان با اعلان کاندیداتوری ریاست جمهوری معاونین آن نیز اعلان می‌شوند و تعیین و انتخاب قطعی رئیس و معاونین او باز هم در صورتی که انتخابات شفاف باشد، مربوط به مردم است.

یک مطلب دیگر را که می‌خواهم به آن اشاره نمایم، این است که ما می‌خواهیم با هر طرفی که همکاری نماییم، این همکاری به جای یک جریان ائتلافی عنوان یک تیم را داشته باشد که در همه قضایا یکجا باهم کار نمایند.

مجاهد: شما پیوسته اشاراتی داشته‌اید که گویا آقای کرزی به تعهداتش پس از لویه جرگه اضطراری عمل نکرده است، چگونه بار دیگر ایشان اعتماد شما را کسب کرده است؟

استاد: طبیعتاً عمل نکردن به تعهدات، زمامدار را بی اعتبار و نظام‌ها را

متزلزل می‌سازد، در گذشته شکی نیست شاهد شکستن قول و قرارهایی بوده‌ایم، این بار هر فیصله و تعهدی صورت بگیرد، باید در میان یک جمع بزرگ‌تر بوده باشد و عمل نکردن به فیصله‌ها، بی‌تردید عواقب خوبی نخواهد داشت.

مجاهد: اساساً شما در این مرحله چه می‌خواهید و خطوط اساسی استراتژی جمعیت را چه چیزهایی می‌سازد؟

استاد: در این شرایط مهم از تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی مان، اهداف جمعیت در ابعاد مختلف ارزشی، ملی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی، در مسایل ذیل خلاصه می‌گردد:

- حفظ و استحکام اصول و مبانی ارزش‌های اسلامی؛
- توجه به تربیت و رشد نسل جوان که گران‌بهارترین سرمایه ملی ماست؛
- مبارزه با مفسد اخلاقی و جلوگیری از پخش و اشاعه فرهنگ‌های دین‌ستیز و هویت‌برانداز؛

- حفظ و ادامه راه جهاد و مقاومت؛
- توجه به حماسه‌آفرینان تاریخ معاصر کشور و به‌خصوص به سرنوشت اجتماعی و اقتصادی خانواده‌های شهدا و معلولین؛
- جذب و جلب فرزندان جهادگر صالح و فداکار میهن در ارگان‌های نظامی و امنیتی؛

- توجه به بهترشدن وضع زندگی معلمان، استادان، فرهنگیان و کارمندان محروم کشور؛

- توجه به وضع متقاعدین و مأمورین اضافه‌بست و ایجاد زمینه‌های شغل؛
- توجه به وضعیت زنان، اسکان و جابه‌جایی هم‌وطنان آواره و مهاجر که به آغوش مادر وطن عودت نمایند؛

- سعی و تلاش در استحکام وحدت و همبستگی ملی بر مبنای عدالت اجتماعی؛

- تأکید [بر] حفظ هویت تاریخی و ارزش‌های فرهنگی؛
- توجه در جهت رشد اقتصاد ملی، استفاده از ذخایر و منابع طبیعی کشور؛

- توجّه به اولویت‌بخشیدن به پلان‌های زیربنایی در راه رشد و توسعه اقتصادی؛

- توجّه [به] بازسازی متوازن در سطح کشور؛

- تأکید بر اصل شفافیت در امر کمک‌های بین‌المللی و نحوه استفاده مفید از آن‌ها؛

- مبارزه با فساد اداری و اقدام جدی به اصلاحات اساسی در مرکز و ولایات؛
- مبارزه با استعمال، تجارت و قاچاق همه انواع مواد مخدر چه داخلی و چه وارداتی؛

- توجّه جدی به امر تأمین امنیت سرتاسری و ثبات سیاسی در کشور؛

- توجّه به رشد و توسعه کمی و کیفی مراکز تعلیمی و تربیتی، مبارزه جدی علیه بی‌سوادی، توجّه به رشد مراکز تعلیمات دینی در کشور؛

- تأکید بر استحکام و رشد روابط با همه کشورهای دوست و همسایگان افغانستان، استفاده مثبت از حضور جامعه جهانی در افغانستان در امر امنیت و ثبات سیاسی و بازسازی و ایجاد مؤسسات و نهادهای دولتی مخصوصاً اردو و پلیس ملی؛

- تأکید جدی بر رفع بحران بی‌اعتمادی و ایجاد فضای اعتماد مبتنی بر حق و عدالت؛

- تأکید بر مشارکت در نظام بر مبنای اهلیت و شایستگی، رعایت اقوام و احزاب مؤثر و جلوگیری از انحصارگرایی و به انزوا قراردادن افراد و گروه‌ها.
مجاهد: جمعیت با آنکه نیرومندترین سازمان سیاسی افغانستان شناخته می‌شود، چرا متناسب با شرایط و اوضاع کنونی به سازمان‌دهی خود نپرداخته‌است؟

استاد: ما برای سازمان‌دهی مجدد جمعیت از مدتی می‌شود مشغول یک سلسله بحث و تبادل نظرها هستیم، برای سامان دادن به کارهای جمعیت و سازمان‌دهی اعضای آن، برنامه‌هایی جدی‌ای روی دست داریم که عن‌قریب در طی یک اجتماع آن را اعلام خواهیم داشت.

گفت‌وگوی یازدهم
با
هفته‌نامهٔ مجاهد
تاریخ: سه‌شنبه ۸ ثور ۱۳۸۳ هـ ش



مجاهد: شما که بی تردید رهبری بخشی عظیمی از جهاد را داشتید و در همه نشیب و فرازهای آن نقش تعیین کننده داشتید، بگوئید که جهاد در پیش، و پس از پیروزی، چه دشواری هایی را پشت سر نهاد و ما امروز در چه حالتی قرار داریم؟

استاد: در آغاز صمیمانه ترین تبریکات خود را به مناسبت این روز باشکوه به ملت قهرمان و مجاهد افغانستان عرض می کنم. ملت افغانستان در یک مبارزه بسیار بزرگ و پیروزمندانه، قدرت تجاوزگر را - که در حریم پاک افغانستان تجاوز کرده بود - به شکست روبه رو ساخت.

این پیروزی عظیم نه تنها به سطح منطقه؛ بلکه به سطح جهان، اثرات بزرگی برجا گذاشت. با استقلال افغانستان، کشورهای زیادی از زنجیر اسارت اتحاد شوروی نجات یافتند و سرانجام اتحاد شوروی از هم پاشید و ایدیولوژی مارکسیزم که یک تهدید عمده به جهان انسانی و همه ملت ها و رژیم های مستقل جهان به شمار می آمد، به نابودی مواجه شد.

این شکست شوروی ها، پیامدهای به سطح جهان در قبال داشت که می توان از مستقل شدن کشورهای آسیا و اروپای شرقی، سقوط دیوار برلین و یک قطبی شدن جهان، یاد کرد؛ اما اینکه بعد از پیروزی انقلاب، ملت افغانستان در چه وضعی قرار گرفت، با تأسف عمیق باید گفت که کشورهای که هیولای کمونیزم، آن ها را می لرزاند و هم زمان با رستاخیز بزرگ ملت افغانستان در پهلوی این ملت قرار داشتند، به محضی که ملت

ما آزاد گردید و دولت مجاهدین تأسیس شد، نه تنها ملت ما را تنها گذاشتند؛ بلکه امواج توطئه آن‌ها یکی پی دیگر جهت سرکوبی و بیچاره‌ساختن این ملت فرستاده شد و حتی کمک‌های انسانی را به این ملت روا نداشتند. پروژه‌های نیم‌کاره‌ای که در ولایات آزادشده، در دوران جهاد بنا یافته بود، به حال خود ماند و کمک‌های آن‌ها در راستای بازسازی که مجاهدان آغاز کرده بودند، قطع گردید.

ما می‌گفتیم که اگر خواسته باشیم توطیه را خاموش کنیم، باید بازسازی را شروع کنیم تا دشمنان افغانستان از عناصر بیکار سربازگیری نکنند؛ اما این کشورها، همه مسایل را نادیده گرفتند تا اینکه نتایج تلخ این توطیه را خودشان لمس کردند و متوجه شدند که تنها افغانستان کشور مهم است که با ایجاد امنیت در این خاک تمام کشورهای منطقه در امن می‌باشد.

بعد از اینکه توطیه‌ها به میان آمد و پایگاه‌های مخفی جهت بی‌امنی در افغانستان ایجاد شد، این گروه‌ها به عنوان لانه‌های بدامنی به جاهای دیگری سرایت کردند و عمده‌ترین فتنه به نام طالب‌ها ایجاد شد و بعد از آن مسایل القاعده روی صحنه آمد که افغانستان یکبار دیگر محراق توجه جهانیان قرار گرفت.

در اثر شهامت و پایداری جبهه جهاد و مقاومت طالبان شکست خوردند و مجاهدین برای جهانیان نشان دادند که جنگ‌های تحمیلی از طرف مجاهدین نبوده؛ بلکه مجاهدین خواستار صلح و امنیت در کشور و جهان می‌باشند و بالاخره تحویل قدرت به صورت مسالمت‌آمیز صورت گرفت که این کار در تاریخ کشورهای منطقه بی‌سابقه بوده است.

ما اکنون در یک مرحله بسیار حساسی قرار داریم، حکومت انتقالی تأسیس شد، قانون اساسی با کمبودی‌هایی که دارد ساخته شد و فعلاً به طرف وضع جدیدی باید گام برداریم که انتخابات ریاست جمهوری می‌باشد.

مجامع بین‌المللی در طی نشست‌هایی خصوصاً نشستی که در جاپان و اخیراً در برلین به ارتباط بازسازی صورت گرفت، یک سلسله کمک‌ها را به افغانستان وعده کرده‌اند که اگر این کمک‌ها از طریق کانال‌هایی مطمئن

وارد افغانستان می‌شود و از طریق دولت به وجه درست در راستای بازسازی به مصرف برسد، تا اندازه افغانستان را آباد خواهد ساخت.

توقع ما این است که امنیت و ثبات سیاسی در کشور به وجود آید، وحدت ملی تأمین شود و شفافیت در کارها موجود باشد، هویت ملی افغانستان از همه خطرات محفوظ باشد و آرمان شهدا و مجاهدین در تمام حیات ملی، اجتماعی و سیاسی افغانستان منعکس شود.

ما به هیچ‌کس اجازه نخواهیم داد که این آرمان‌ها را نادیده بگیرد و ما حکومتی مطابق خواسته‌ها و آرزوهای ملت افغانستان می‌خواهیم.

مجاهد: بعضی به این باورند که حکومت مجاهدین دیگر به پایان رسیده‌است و برای این اندیشه خود از بعض ضعف‌ها و ناتوانی‌هایی که در حکومت مجاهدین وجود داشت استدلال می‌کنند، نظر شما در این مورد چیست؟

استاد: ما به این عقیده‌ایم که حکومت مجاهدین مُثُل اراده آزاد این ملت بود و مجاهدین نیز با روحیه عالی به منظور حفظ ارزش‌ها و خواسته‌های این ملت پرداختند؛ اما دست‌های توطیه به صورت بسیار عریان و آشکار یک روزی هم به آن‌ها مجال نداد که آن‌ها بتوانند گامی در جهت برآورده ساختن اهداف بزرگی که به خاطر آن قربانی داده بودند، بردارند.

با آن هم در آن دوران کارهایی انجام پذیرفت که شاید کشورهایی که در امنیت به سر می‌برند، قادر به انجام آن نبودند. کارهای انسانی، سیاسی، تأمین حقوق انسانی، دفاع از ارزش‌های انسانی به عنوان گام‌های عمده مجاهدین به شمار می‌رود که می‌توان چند نمونه‌ای از آن را یاد کرد:

مجاهدین با یک دید روشن انسانی، تمام عناصری را که در مقابل آن‌ها جنگیدند، شامل عفو عمومی ساختند تا مسئله انتقام‌گیری و کشمکش در میان مردم خاتمه پیدا کند و حتی همین افراد را در ساختار اداره کشور نادیده نگرفتند؛

زمانی که در کابل هنوز امنیت تأمین نبود، هفتاد جریده آزاد وجود داشت؛ به دفاع از حقوق اسلامی زنان، دروازه‌های مکاتب به روی آن‌ها باز بود و

در دفاتر دولتی نیز با اطمینان کار می‌کردند؛ با وجود مشکلاتی که دامنگیر ما بود، چندین پوهنتون را تأسیس کردیم که بخشی از کارهای فرهنگی مجاهدین به شمار می‌رود؛ مجاهدین به‌خاطر اینکه توانسته باشند جهت تثبیت وضع داخلی کشور خدمتی انجام دهند، برای اولین بار انتخابات بر مبنای جمعیت کشور را که در تاریخ بی‌سابقه بود، تثبیت نمودند تا همه اقوام افغانستان در یک ردیف قرار گیرند؛

همچنان با وجود مشکلاتی که داشتیم، دسته‌ای از مجاهدین را به نام پاسداران دفاع از حریم کشور موظف ساختیم که تا آخرین رمق حیات از کشور دفاع کردند.

من عقیده دارم که اگر به مجاهدین فرصت داده می‌شد، ابتکارات چشمگیری از خود نشان می‌دادند که نمونه آن را می‌توان همین حالا در برخی جاها مشاهده کرد.

فرمانده ولایت هرات که بعضی از عناصر او را به نام جنگ‌سالار قلمداد می‌نمایند، فعالیت‌هایی را در راستای بازسازی انجام داده‌است که به سطح کشور نمونه است.

مجاهد: موقف مجاهدین در این مرحله که انتخابات نزدیک است، چه می‌باشد. از آنجایی که کاندیداها از هر جناح تعیین می‌شوند، نه جناب شما که مردم انتظار آن را می‌کشند نامزد به ریاست جمهوری شده‌اید و نه کسی دیگر را به این سمت نامزد کرده‌اید؟

استاد: نظر ما همین بود که باید در افغانستان ثبات سیاسی و امنیت سرتاسری حاکم شود و آرمان‌های ملت ما برآورده شود، به‌خاطر رسیدن به این هدف، ما تصمیم داریم که به سطح وسیع و گسترده از مجاهدین و شخصیت‌های جهادی، سیاسی و ملی جهت تعیین زعيم ملی در انتخابات یکجا تصمیم بگیریم.

هدف این نیست که چه کسی حکومت را به‌دست داشته باشد؛ بلکه هدف این است که به چه شکل و از کدام طریق وحدت ملی افغانستان را به‌میان

آوریم و حتی اگر کسی که نقش عمده را در جامعه نداشته باشد و تصمیم بر آن شد که کاندیدا شود. از این فیصله دسته‌جمعی استقبال خواهیم کرد و به هیچ‌کسی اجازه نخواهیم داد که نظامی را علیه دستاوردهای جهاد و مقاومت و آرمان‌های این ملت بسازد.

به این اساس مذاکراتی داریم که تا کنون نهایی نشده است و انتظار داریم که همهٔ مجاهدین از همهٔ ولایات با هم جمع شوند و کاندیدای خود را انتخاب نماییم.

مجاهد: بعضی افواهاتی وجود دارد که می‌گویند جناب شما با آقای کرزی و جناح دولت به توافق رسیده‌اید که احتمالاً کاندیدای آیندهٔ ریاست جمهوری آقای کرزی باشد و شما هم ریاست پارلمان را به‌دوش بگیرید، در این باره چه می‌گویید؟

استاد: البته مذاکراتی وجود دارد و هدف این مذاکره طوری است که تا حد ممکن کوشش می‌نماییم اتفاق و همبستگی موجود باشد؛ نه اینکه در مورد اشخاص و افراد بحث کنیم و تعیین رئیس پارلمان نیز مربوط به نمایندگان است و من آرزو مندم که پارلمان آینده بتواند خود با آزادی و استقلالیت تصمیم بگیرد.

گفت‌وگوی دوازدهم
با
رادیو بی‌بی‌سی
تاریخ: سال ۱۳۸۱ هـ ش



بی بی سی^۱: نظرتان پیرامون اجلاس بن و نقش آن در سرنوشت سیاسی و اجتماعی افغانستان چیست؟

استاد: اجلاس بن در نتیجه توجّه جامعه جهانی در قبال افغانستان بعد از یک فراموشی طولانی از اهمیت زیاد برخوردار است.

با حادثه ۱۱ سپتامبر دوباره دنیا متوجه افغانستان شد. اجلاس بن در سطح بین‌المللی حایز اهمیت می‌باشد. تا جایی که به مردم افغانستان ارتباط دارد، اهمیت آن در دو موضوع بوده است:

اول؛ مسئله قطع مداخلات خارجی؛

دوم؛ استقرار امنیت در کشور و توجّه به بازسازی افغانستان.

بی بی سی: نظرتان پیرامون تعهد کشورها در امر بازسازی و تأمین عدالت اجتماعی و حقوق بشر در کشور چیست؟

استاد: به ارتباط بازسازی افغانستان وعده‌های زیادی داده شده است؛ ولی قسمی که توقع می‌رفت حرکت بازسازی شروع نشد.

در مورد امنیت، با سقوط طالبان طبعاً مسئله جنگ از میان برداشته شده و یک سلسله مسایل خرد و ریزی که در برخی نقاط باقی مانده است، امیدواریم که پایان یابد.

به ارتباط مسایل سیاسی، طبعاً توجّه جهان مهم است؛ اما چیزی که بسیار اهمیت دارد، این است که مسایل سیاسی و فیصله‌های ملی باید توسط

۱. متأسفانه نتوانستیم به تاریخ دقیق این گفت‌وگو دست یابیم؛ اما حدس ما این است که این مصاحبه در سال صورت گرفته است. «مرکز تدوین»

خود مردم به میان بیاید، مسایل آنان با اراده آزاد خودشان باید حل گردد. برای ثبات سیاسی و استحکام نظام، باید خودشان دست‌به‌دست همدیگر بدهند و رسالت و مسئولیت ملی و تاریخی‌شان را انجام دهند.

به ارتباط بازسازی - قسمی که قبلاً گفتم - مطابق تعهدات همکاری صورت نگرفته‌است، کارهای محدودی تا هنوز انجام شده‌است. من نمی‌توانم آن را انکار نمایم؛ اما چنانکه توقع برده می‌شد و انتظار مردم افغانستان است که دنیا بیشتر به مردم افغانستان توجه کند. چون مردم افغانستان مستحق‌اند، کاری صورت نگرفته‌است.

در ارتباط مسئله حقوق بشر، تصوّر من این است که در این باره یک سلسله تلاش‌هایی صورت گرفته‌است و به ارتباط حقوق بشر این را هم باید گفت: طالبان بودند که حقوق بشر را پایمال کرده بودند.

به عقیده من تأمین عدالت اجتماعی یک امر ضروری است؛ ولی باید به همه مسایل انسانی دیگر هم توجه صورت گیرد.

بی بی سی: گفته می‌شود شما در اروپا با برخی از افغان‌ها به خاطر تقویّه موقف جمعیت اسلامی افغانستان هم صحبتی داشتید؟

استاد: من فکر می‌کنم که دیدن افغان‌ها یک مسئله طبیعی است و کسانی که با یکدیگر نمی‌بینند، این یک امر غیرطبیعی است و اینکه در اثر دید و وادیدها چه نتایجی به میان می‌آید، من فکر می‌کنم که یک مسئله زیاد تشویش‌آور نیست.

جمعیت اسلامی یکی از سازمان‌های بوده‌است که در اوضاع بسیار سختی در کشور در برابر تهاجم اتحاد شوروی سابق و در برابر طالبان و در برابر حرکت‌های دهشت‌افگنی به‌عنوان سنگر بسیار قوی در دفاع از مردم افغانستان مشکلات سختی را متحمل شد. اینکه افغان‌ها با یکدیگر می‌بینند، تصوّر من این است که به نفع کشور و به نفع صلح و ثبات در افغانستان است که در مورد راه‌های حل مشکلات کشور خود با هم صحبت نمایند.

بی بی سی: نظر شما را می‌خواستیم در رابطه به تلاش‌هایی که به منظور

گسترش حزب تازه ایجاد شده «نهضت ملی» صورت می‌گیرد، بدانیم؟
استاد: تصور من این است که در اوضاع فعلی که ما به طرف تعددگرایی می‌رویم و فعالیت‌های سیاسی جریان دارد، در اوضاعی که جنگ متوقف شده است و باید فعالیت‌های سیاسی ادامه پیدا کند و تلاش‌هایی وجود دارد، هرچند من زیاده‌تر در این مورد تبصره نمی‌کنم؛ ولی فکر می‌کنم که این حق همه افراد و اشخاص است که تلاش‌هایی داشته باشند و این هم یکی از خصوصیات دموکراسی و پلورالیزم است.

بی‌بی‌سی: اشخاصی که نهضت ملی افغانستان را رهبری می‌کنند مربوط به جمعیت اسلامی افغانستان اند، آیا به نظر شما این کار انشعاب در داخل جمعیت اسلامی نخواهد بود؟

استاد: تصور من این است که گفتم، در اوضاعی که فعالیت‌ها وسعت پیدا می‌کند، دیگر هر نوع کاری در بخش‌های مختلف صورت می‌گیرد، یک مسئله مفید است و مشکلی را ایجاد نمی‌کند.

گفت‌وگوی سیزدهم
با
وقایع‌نگار انقلاب اسلامی افغانستان
تاریخ: ۲۳ میزان ۱۳۶۷ هـ.ش.



خبرنگار: هدف از سفر شما به داخل کشور چه بوده است؟
استاد: در اوضاع حسّاس و فیصله‌کن که انقلاب اسلامی در مرحله کامیابی قرار دارد، نیاز بیشتری احساس می‌شود تا به منظور هماهنگ‌سازی برنامه‌های نظامی و سیاسی با برادران سنگرنشین و مسئولان جبهات در ابعاد مختلف جهاد تبادل نظر زیادتری صورت گیرد و امور جهادی به شکل بهتری به پیش رود.

به همین اساس بازدید از سنگرهای خونین و دیدار برادران مجاهد و مسئولین جبهات و هماهنگ‌سازی نظرات و برنامه‌های جهادی مسئله مهم و حیاتی بود؛ لذا سفر ما به داخل صورت گرفت تا افکار و نظریات آنان را از نزدیک بشنویم و ضمناً دیدگاه‌ها، نتایج امور، استراتژی آینده و برنامه‌های کاری که روی دست است، به ایشان گفته شود.

خبرنگار: در این دیدو بازدید چه تصمیمی اتخاذ گردید؟
استاد: با برادران مجاهد، در ولایات و قوماندانان، در ارتباط به مسایل جهادی کشور و برنامه‌های نظامی فعالیت‌های سیاسی شهر کابل در دوران پیروزی و پیش از پیروزی تبادل نظر صورت گرفت و تصمیم و فیصله‌های عمده‌ای در این مورد گرفته شد.

خبرنگار: در این سفر از کدام مناطق کشور دیدن فرمودید؟
استاد: سفر ما از طریق نورستان به داخل بدخشان، پنجشیر و مرکز تخار صورت گرفت؛ اگرچه در نظر بود که یک سفر طولانی‌تر در اکثر

قسمت‌های بدخشان و بعضی ولایات هم‌جوار صورت می‌گرفت؛ اما به‌خاطر کمبود وقت، بازدید ما در همین مناطق خاتمه یافت. در این سفر قوماندان‌های ولایات کاپیسا، پروان، شمال کابل، کندز، تخار، بغلان، بدخشان و مناطق مختلف کشور جمع شده بودند و اجتماعاتی به اشتراک آنان صورت گرفت که تعداد اکثریت قومندان‌ها و بعضی از سرگروپ‌های مهم در این اجتماعات و اخذ تصامیم و فیصله‌ها حاضر بودند.

خبرنگار: روحیه مجاهدین را در این سفر چگونه دیدید؟

استاد: معنویات مجاهدین خیلی بالا و خوب بود و این احساس در آنان پیدا بود که اصلاً مسئله به پایان رسیده و ما در مرحله پیروزی نهایی هستیم و دیگر رژیم هیچ‌کاره‌ای نیست و هیچ کاری کرده نمی‌تواند و مجاهدین دیگر مسایل را به نفع خود، انقلاب و کامیابی خویش پیش‌بینی می‌کردند و در هرجایی که آنان برنامه جنگی آماده می‌ساختند و تصمیم حمله بالایی نیروهای دشمن داشتند، این‌طور تصوّر قبلی وجود داشت که این منطقه را بدون کدام مشکلی فتح می‌کنیم و عقیده پیروزی در اذهان و افکار همه برادران حاکم بود.

اکثر مناطق آزاد بود و مناطقی هم که تحت تسلط دشمن بود، نیروهای آن‌ها در حالت دفاعی بسیار ضعیفی قرار داشتند و برنامه مجاهدین این بود که این‌ها هم برداشته شود و حتی فعلاً بر سر این موضوع فکر می‌شد که کابل زودتر فتح شود و مجال بیشتری برای دشمن داده نشود که بیش از این در افغانستان بماند، منتها روی این موضوع برنامه‌ریزی می‌گردید که عملیات آزادی برای شهر کابل با تلفات کم‌تر و پیروزی سریع‌تر به‌دست آید.

خبرنگار: چه برنامه جدیدی روی دست گرفته شد؟

استاد: اکثراً در قسمت ولایاتی که ما برنامه سفر داشتیم، از جمله ولایات شمال افغانستان که عبارت از ولایات کابل و شمال کابل، کاپیسا، پروان، بغلان، بدخشان، کندز و تخار بود، برنامه‌های نظامی و سیاسی بین مسئولین هماهنگ گردید و وحدتی کلی در امور جهادی بین همه جهات جمعیت اسلامی به‌میان آمد که در آنجا به اجرای یک برنامه مشترک متحرکی اقدام شد و در رابطه به همه فعالیت‌های آنان در داخل کابل طرح‌هایی مطرح

گردید و فیصله‌هایی صورت گرفت؛

چیز مهم‌تر از همه اینکه به‌خاطر اداره آینده هر منطقه یا ولایتی که آزاد شود، چه نوع نحوه کاری در آن پیاده شود، تا مردم مطمئن شوند که فعلاً ما برای اداره افغانستان اسلامی کاملاً آماده‌ایم و اطمینان حاصل کنند که به راستی مجاهدین وقتی که حکومت را به‌دست می‌گیرند، قادرند که یک اداره اسلامی را در افغانستان پیاده کنند و این اطمینان پیدا شود تا مردم مطمئنانه با مجاهدین همکار و همدست باشند.

خبرنگار: کار تشکیل ارتش اسلامی افغانستان که در دست اجراست تا چه حدودی پیش رفته است و هدف آن چیست؟

استاد: البته هدف اول از تشکیل اردوی اسلامی این است که فعلاً ما در مرحله گرفتن قدرت و اداره در افغانستانیم، جبهات پراکنده‌ای که در گذشته وجود داشت، به یک جبهه واحد و یک نیروی فعال و متمرکز تبدیل شود تا بتوانیم بعد از این از بی‌نظمی‌ها در مابین جبهات جلوگیری به عمل آوریم و مسئولیت همه کارها به دوش جبهات خاصی نباشد و همه جبهات در برابر قضایا احساس مسئولیت نمایند و از طرفی هم نمی‌توان بی‌تفاوت بود، بعد از اینکه یکی از ولایات یا ولسوالی‌ها فتح شود، در آن یک قدرت مرکزی و مسئولی نباشد تا منطقه تحت اداره خاص نظامی مسئولیت را به دوش گیرد، در غیر این صورت مشکل است که بتوان یک اداره و امنیتی به‌میان آورد؛

به این اساس، در جمعیت این تصمیم گرفته شد تا یک اردوی اسلامی تشکیل شود.

البته فعلاً کار آن از شمال کشور آغاز شده و ما آرزو داریم که عین این کار در مناطق دیگر افغانستان هم صورت گیرد و بتوانیم از بخش‌های مختلف مجاهدین خود یک اردوی منظم اسلامی تشکیل دهیم تا قدرت آن را بیابند که هم‌زمان با فتح هر ولسوالی و هر ولایت اداره آن را به‌دست بگیرند و به هیچ‌کس اجازه ندهند تا بی‌نظمی ایجاد کند و به فساد و شرارت دست بزند و این کار خوشبختانه شروع شده و ما اجرای این کار را در مناطق دیگر هم تصمیم داریم و باید این کار در مناطق شرق و غرب و مرکزی و جاهای دیگر کشور هم صورت پذیرد.

خبرنگار: چه خاطره‌هایی از این سفر دارید؟

استاد: من از این سفر خاطره‌های بسیار خوشی دارم.

استقبال بسیار گرم برادران سنگرنشین و مردم مسلمان داخل کشور که با اراده قاطع به پیروزی نهایی خود اطمینان داشتند، خاطره بزرگی برایم بود و ضمناً ما چیزی که احساس می‌کردیم امنیت کامل منطقه بود و هر زمانی که از جای به جای دیگر و از یک قریه به قریه دیگر عزیمت می‌نمودیم، می‌توانستیم که ده‌ها کیلومتر را همراه با صدها تانک غنیمتی که پیشاپیش حرکت می‌کرد و یا موترهای سربازی که مجاهدین از دشمن به غنیمت گرفته بود و با صفوف بسیار عظیم مجاهدین و مردم منطقه اعم از مردان، جوانان، کودکان و پیرمردان از یک منطقه به منطقه دیگر با اطمینان خاطر بیماییم و در اجتماعات بزرگ آنان سهیم شویم و خطر دیگری وجود نداشت به جز آنکه طیارات دشمن از فضای بسیار بلند در حالت ترس و هراسانی با کمال وارخطایی اقدام به بمباران می‌کردند که به لطف خداوند هیچ خساراتی هم به بار نیاورد و دیگر این احساس که گویی ما در یک افغانستان آزاد و مستقل به سر می‌بریم و از طرفی هم مشاهده معنویات قوی مجاهدین که فکر می‌شد که آنان جنگ را به صورت کامل برده‌اند و دشمن به گونه کاملی شکست خورده است، خاطره خیلی خوبی بود و این کمال اطمینان بسیار به لطف خداوند \ / احساس می‌شد، به این صورت که ملت ما بعد از یک مرحله بیچارگی و رنج به یک مرحله قوت و نصرت و پیروزی رسیده است.

گفت‌گوی چهاردهم
با
"N.B.C"

تاریخ: ۴ نوامبر سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳ عقرب ۱۳۶۶ هـ ش)



ان.بی.سی: وضع عمومی افغانستان چگونه است؟
استاد: البته در سال جاری در باره اوضاع و رویدادهای مهمی که در افغانستان به میان آمده، می توان به چند مطلب اشاره کرد:
اول اینکه روس ها در سال جاری تعداد زیادی از قوای تازه دم و سلاح های کشنده و ویرانگر خود را وارد صحنه جنگ ساخته اند. حملات شان خیلی شدت پیدا کرده، با وجود سایر دهشت هایی که معمولاً عساکر روسی در افغانستان مرتکب می شوند، در پهلوی این همه وحشت های شان فاجعه قحطی که توسط سوختاندن مزارع و کشتزارها به میان آمده، از جمله جنایاتی است که روس ها در مناطق مختلف مخصوصاً در شمال افغانستان مرتکب شده اند؛ اما هم زمان با آن وضع جنگی و نظامی در سال جاری نسبت به سال گذشته بهتر است، نظم بهتر در جبهات به میان آمده و شکست های مفتضحانه دشمن در جبهات مختلفی مشهود است. تلفات دشمن نسبت به سال گذشته بیشتر بوده و مجاهدین توانسته اند مورال خود را قوی تر و مستحکم تر نگهدارند.
ان.بی.سی: در باره اتحاد سمت شمال که فعلاً در جریان است، شما چه می گوئید؟

استاد: البته یکی از پیشرفت های جهاد جاری همین اتحادی است که در سمت شمال افغانستان به میان آمده است؛ نیروهای مجاهد در یک صف واحد و در یک نظم واحد بسیج شده می روند؛ نتایج مثبت و با ثمر این اتحاد در جنگ های هماهنگی که به میان آمده، در حمله فرخار، حمله

اشکمش و حملات هماهنگ در بعض مناطق بغلان، روشن و نمایان است؛

بلی، این‌ها از جمله دلایل پرثمر این فعالیت‌های هماهنگ و وحدت مجاهدین در شمال افغانستان است که برادر مسعود نقش فعال و اساسی را با سایر برادرهای سمت شمال در آن، داشته است.

ان.بی. سی: در جنگ اول و دوم روس‌ها توانستند که قلمرو مسلمانان آن‌طرف افغانستان؛ جمهوریت‌های آسیای مرکزی را اشغال کنند، آیا کارهایی که در افغانستان می‌کنند، فکر نمی‌کنید که سبب از بین رفتن مسلمانان و اشغال افغانستان شود؟

استاد: البته روس‌ها در حمله‌ای که بالای افغانستان صورت داده‌اند، هدف شوم و ناپاک‌شان بر این است که باید افغانستان را اشغال کنند و تنها به اشغال افغانستان هم قناعت نمی‌کنند؛ بلکه توسعه‌جویی ادامه پیدا می‌کند؛ اما ملت افغانستان این نیت شوم روس‌ها را درک کرده و ما از تجربه تلخی که از ملت‌های مسلمان آسیای مرکزی به‌خاطر داریم، بسیار چیزها را آموختیم؛

به این اساس، ما فعلاً مطمئنیم که روس‌ها دیگر نمی‌توانند به اشغال کشور ما ادامه دهند، نهضت اسلامی افغانستان همه نیرنگ‌های روس را درک کرده و مردم ما می‌فهمند که چطور با روس‌ها مقابله نمایند و خوشبختانه که روس‌ها در پلان و برنامه‌های خود ناکام‌اند و یکی از دلایل کاملاً ناکامی روس‌ها این است که فعلاً با وجود تمام نیرنگ‌های مسلسلی که دارند؛ مهره‌های خود را یکی پی دیگری تبدیل می‌کنند؛ اما نتوانستند که در افغانستان هیچ نوع تسلطی داشته باشند.

اخیراً کارمندان «یونیسف» که به‌خاطر واکسین اطفال به داخل افغانستان رفتند، رژیم حاکم بر افغانستان، هرقدر کوشید نتوانست بیشتر از ۱۸٪ اطفال را به واکسین حاضر کند، همان بود که «یونیسف» حالا حاضر شده که با مجاهدین در تماس شود و تقریباً از ۸۳٪ مردمی که اطفال‌شان با مجاهدین است، مطالبه صورت گرفته تا واکسین شوند.

این‌ها همه بیانگر این حقیقت است که روس‌ها هر قدر کوشیدند طی چندین سال وحشت و بربریت نتوانستند که یک قسمت محدود افغانستان را اشغال کنند و ما امیدواریم که این تجربه تلخ که در آسیای مرکزی اجرا شد دوباره اجرا نشود.

ان.بی.سی: یکی از پالیسی‌های روسیه این است که افغان‌ها را از افغانستان و از مناطق‌شان بیرون سازند، پالیسی شما چه است؟
استاد: ما می‌دانیم که یکی از پالیسی‌های شوم روس‌ها خالی ساختن افغانستان و جایگزین ساختن خود روس‌ها و مردمی است که در بعضی جمهوریت‌های مرکزی روسیه هستند؛ اما ما از آغاز این پالیسی شوم را درک کرده بودیم.

در این مورد فعالیت‌های مجاهدین و برنامه‌هایی که اجرا شده، چنین بوده که اولاً تبلیغات وسیع و گسترده‌ای برای مردم در داخل افغانستان صورت گرفته است و ثانیاً هدایت داده شده که شما کم‌تر هجرت کنید و به همین اساس تا در اوضاع بسیار بدی قرار نگیرند، هجرت نمی‌کنند و چنانکه از شمال افغانستان می‌دانیم، با وجودی که ضربات خیلی سنگینی متوجه مناطق شمال بوده، مردم در پیشاپیش و صف مقدم جهاد قرار دارند و تعداد بسیار محدودی از مردم مهاجر شدند؛ اما زمانی که اوضاع خیلی سخت می‌شود، مخصوصاً قحطی‌های بسیار زیان‌آوری که توسط حملات و برنامه‌های ویرانگرانه روس‌ها به میان آمده، باعث هجرت محدودی از مردم شده؛ اما با این‌همه، تصمیم داریم که مهاجرین را تا حد ممکن دوباره برگردانیم و کمک‌های مواد غذایی به مهاجرین و مردم افغانستان صورت گیرد.

این یکی از کارهای عمده و مهمی است که می‌تواند از هجرت مردم افغانستان به خارج جلوگیری کند. همچنان اجازه نمی‌دهیم که مواد غذایی‌ای را که در مناطق تحت نفوذ مجاهدین قرار دارند، به بازارهای تحت تسلط دشمن آورده و به فروش برسانند.

البته این کار خیلی مفید ثابت شده است و همچنان اگر بتوانیم در بعضی

مناطق آزادشده حمایه قوی و مستحکم هوایی را به میان آوریم، این کار می‌تواند که جلو مهاجرت مردم را به خارج کشور بگیرد و همچنان به میان آوردن مؤسسات تعلیمی می‌تواند نیازمندی‌های آموزشی و اجتماعی مردم را مرفوع کند و مردم را تشویق کند که در داخل افغانستان بمانند. در این باره تا حدی تلاش‌هایی صورت گرفته؛ اما به علت کمبود وسایل و امکانات، ما به مشکلات زیادی روبه‌رویم.

ان.بی.سی: برآمدن یک قسمتی از قوای روسی از افغانستان و ادعای نجیب که می‌خواهد قضیه را از راه سیاسی حل کند، چیست؟
استاد: به عقیده من برآمدن قوای محدود روس یک نیرنگ است. اصلی که برای حل سیاسی و حل کلی قضیه افغانستان مطرح می‌باشد، خروج بلاقید و شرط قوای روسی از افغانستان و گذاشتن سرنوشت مردم افغانستان به خودشان است.

ان.بی.سی: کشورهای غرب بیشتر از این چه باید بکنند و مجاهدین به چه بیشتر ضرورت دارند؟

استاد: من یقین دارم فعلاً ملت افغانستان در برابر یک ابرقدرت خیلی بی‌رحم و سفاک می‌جنگند و فعلاً حمله روس‌ها در افغانستان یک فاجعه دردناک بشری است. به خاطر چیز دیگری روس‌ها قوای خود را از افغانستان نکشیده‌اند؛ بلکه قوای خسته و بی‌کاره خود را از افغانستان کشیدند و به جای آن قوای تازه‌دم را وارد صحنه جنگ ساختند؛

به این اساس، به عقیده من این کار یک فریبی بود که روس‌ها می‌خواستند، با آن جهان را بازی بدهند که گویا آماده‌اند، قوای خود را از افغانستان بیرون بسازند؛ اما مسئله «حل سیاسی» که توسط نجیب پیشنهاد شده، به عقیده من این یک حرف مسخره‌ای بیش نیست؛ اصلاً نجیب روی کدام صلاحیت می‌تواند از ملت افغانستان نمایندگی کند؟

ما این نیرنگ‌ها را از مزدورهای روسی در افغانستان، بسیار شنیده‌ایم و ما یقین داریم که این‌ها جز نیرنگی بیش نیست.

البته به خاطر بیرون‌راندن روس‌ها و جلوگیری از استمرار این فاجعه در

افغانستان، وظیفه و مسئولیت انسانی همه ملت‌ها و همه کشورهاست تا هر آنچه که در جهت خاتمه‌دادن این فاجعه است دریغ نکنند و این کمک‌ها می‌تواند شامل هر نوع پشتیبانی‌های سیاسی، کمک‌های بشردوستانه و فشارهای عملی و مؤثر باشد؛ نه پشتیبانی‌های لفظی.

ان.بی.سی: تا حالا موقف حکومت پاکستان یک موقف همکارانه با مجاهدین افغانستان بوده، بعد از این واقعات بمب‌ها و انفجارات در پشاور فکر می‌کنید تغییری در بنیاد فکری حکومت پاکستان به‌خاطر کمک به مردم افغانستان خواهد آمد؟

استاد: به عقیده من ملت پاکستان و حکومت پاکستان این حقیقت را می‌دانند که اصلاً حمله روس‌ها در حالی که در افغانستان است، مستقیماً پاکستان و امنیت پاکستان را تهدید می‌کند. اصلاً این بمب‌گذاری‌ها به‌خاطری است که پاکستان هم‌نوایی با مردم افغانستان و مهاجرین افغانستان دارد. این برنامه یک برنامه طرح‌شده قبلی است. اگر ما در اینجا باشیم و یا حکومت پاکستان پشتیبان ما باشد یا نباشد، برنامه روس‌هاست که در اینجا فاجعه‌هایی را قسمی که در افغانستان به‌وجود آمده، در پاکستان هم به‌وجود آورند؛

لذا یقین دارم، کسانی که به امنیت پاکستان علاقه‌مندند، به آزادی کشورشان معتقدند، می‌دانند که خطر روس‌ها مستقیماً متوجه کشورشان است. آن‌ها هرگز به این نیرنگ‌های روسی تسلیم نمی‌شوند؛ بلکه می‌دانند که یک برنامه پیش‌بینی شده است.

به هر حال؛ فکر نمی‌کنم، این چیزها تغییر اساسی در سیاست پاکستان به‌میان بیاورد. البته خواه‌ناخواه تشویش‌هایی را به سطح ملی و به سطح دولتی ایجاد می‌کند.

ان.بی.سی: پالیسی شما در قبال اسیرهای جنگی چیست؟ و تعدادشان در بخش خودتان چقدر است؟ و از طرف دیگر اگر آن‌ها بخواهند به غرب بروند؛ باز هم پالیسی شما در برابر آن‌ها چیست؟

استاد: البته تعدادشان از اسرار نظامی ماست، ما نمی‌توانیم تعدادشان

را بگوییم؛ اما پالیسی ما به این شکل بوده که در آغاز ما این اسیرانی را که خواسته باشند، به هر کشوری بروند برای‌شان اجازه بدهیم و البته تعداد محدودی هم مطالبه کردند، به بعضی کشورها بروند و اکثریت هم نمی‌خواستند؛ ولی می‌گفتند: باید با مجاهدین یکجا باشند؛ اما حالا پالیسی ما بعد از اینکه تعدادی رفتند و به‌خصوص آنانی که در سوئیس بودند و تحت فشارها و تهدیدهای روسیه قرار گرفتند تا جایی که بعضی از آن‌ها به اثر فشار «کا. جی. بی» مجبور ساخته شدند که دوباره به روسیه برگردند، در حالی که هیچ یکی از آنان خواهان برگشت به روسیه نبودند؛ اما «کا. جی. بی» با نیرنگ‌های مختلف آن‌ها را تحت فشار قرار می‌داد که هر جا باشند، یگانه راه نجات‌شان این است که دوباره به روسیه بروند.

به این اساس ما می‌دانیم که فرستادن این‌ها به خارج به معنای درخطر انداختن حیات آنان است؛

به این اساس، در این مورد پالیسی ما این است: از اسیران روس کسانی که می‌خواهند در پهلوی مجاهدین بمانند- که اکثراً این آرزو و هدف را دارند- آن‌ها مانند خود مردم افغانستان و مانند مجاهدین زندگی طبیعی خود را به سر می‌برند و با آن‌ها معامله کاملاً انسانی صورت می‌گیرد و بسیاری از آن‌ها حتی در جبهات علیه روس‌های متجاوز می‌جنگند و ما یقین داریم که این یک کار انسانی است.

گفت‌وگوی پانزدهم
با
وقایع‌نگار انقلاب اسلامی افغانستان
مکان: فرودگاه بین‌المللی تهران
زمان: ۱۳۶۵ / ۱۰ / ۵ هـ.ش.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

وقایع نگار: هدف از سفر شما به کشور جمهوری اسلامی ایران چه بوده است؟

استاد: اینجانب بنا به دعوت جمهوری اسلامی ایران در سالروز هجوم سفاکانه قشون اشغالگر روس به کشور عزیزمان افغانستان به ایران آمدم. البته هدف من از آمدن به جمهوری اسلامی ایران کاملاً روشن است؛ زیرا دیدار من از مسئولین جمهوری اسلامی ایران و همچنان دیدارم از برادران مجاهد و قوماندان‌های حماسه‌آفرین جبهات غرب کشور عزیزمان افغانستان و از مهاجرین و آوارگانی که در سرزمین جمهوری اسلامی ایران به سر می‌برند، آرزو و هدف همیشگی من بوده و است که باید ضمن این دیدار از احوال سنگرداران مؤمن و مهاجرین عزیز در جمهوری اسلامی ایران و سنگرداران مؤمن در جبهات غربی کشور عزیزمان باخبر شوم و هرچه بهتر و زیادتر از اوضاع و احوال و مشکلات مهاجرین و مجاهدین اطلاع حاصل نموده و در راه حل آن‌ها تا آنجایی که مقدور است، گام‌هایی برداشته شود.

وقایع نگار: این سفر چه نتایجی را در بر داشت؟

استاد: البته سفر من به جمهوری اسلامی ایران پرثمر بود؛ زیرا آمدن من - در مناسبت سالگرد هشتمین سال تجاوز روس‌های اشغالگر - به جمهوری

۱. به نام خداوند بخشنده و مهربان. «مرکز تدوین»

اسلامی ایران، بیانگر این حقیقت بود که جمهوری اسلامی ایران، به موضع آزاد کشورشان، در راه بیرون‌راندن قوای اشغالگر و پایه‌گذاری دولت عدل الهی در افغانستان، ادامه داده و ما از این موضع محکم جمهوری اسلامی ایران یک‌بار دیگر به قوت پشتیبانی نموده و به دشمن و روس‌های اشغالگر و همه جهان بار دیگر اعلان می‌کنیم که موضع جمهوری اسلامی ایران در تحت هیچ شرایطی تغییر نخورده و همچنان تا سرحد پیروزی و آزادی کامل افغانستان این موضع‌گیری ادامه خواهد یافت؛

در عین حال مسایل و قضایایی که به ارتباط جبهات غرب کشور و مهاجرین عزیزمان در جمهوری اسلامی ایران صحبت‌هایی با مسئولین صورت گرفت و امیدوارم یک سلسله مشکلات خرد و ریزه‌ای که مهاجرین ما به او روبه‌رویند - إن شاء الله - رفع خواهد شد و همچنان در این روزها که دشمن دست به نیرنگ جدید و حيله‌های تازه‌ای زده و در حالی که در داخل دست به وحشت و کشتار بی‌رحمانه می‌زند؛ اما به‌خاطر ایجاد اغواگری‌ها صحبت از «حل سیاسی» و «بیرون‌راندن قوای اشغالگر» می‌زند، در چنین اوضاعی دیدار از برادران مسئول‌مان در جمهوری اسلامی ایران، یک مطلب بسیار باارزشی است که تبادل نظرهایی صورت بگیرد و نظرات برادران خود را در جمهوری اسلامی ایران کم‌وبیش از نزدیک بدانیم و بشنویم و آن‌ها هم از نظرات و مواضع ما آگاهی بیشتری حاصل نمایند.

البته روی این قضایا و مسایل در این دیدار صحبت‌هایی صورت گرفت و نقاط نظر کاملاً مشابه و موافق بود.

وقایع‌نگار: در این روزها اطلاع دارید که نانجیب وطن‌فروش به اساس دستور باداران خود آتش‌بس اعلام نموده، نظر شما در این باره چیست؟

استاد: اعلان آتش‌بس که توسط مزدور روس‌ها (نانجیب) در این روزها صورت گرفته، از نظر ما جز یک دام تزویر و فریب چیز دیگری نیست و مجاهدین هرگز فریب این دسیسه را نخواهند خورد؛ زیرا در افغانستان برای ملت افغانستان دارودسته خلق و پرچم و مزدوران روسی طرف نیستند و این‌ها اصلاً هیچ کاره‌ای نیستند؛ طرف اساسی برای ملت افغانستان قشون

اشغالگر روسی است و موضوع تعیین حق سرنوشت و آزادی افغانستان، بیرون کشیدن قوای روسی از کشور و تشکیل یک دولت اسلامی بعد از اخراج قوای روسی از افغانستان مطلب اساسی است که ملت افغانستان در راه رسیدن به آن به مبارزه دوامدار و خستگی ناپذیر خود ادامه می‌دهد.

اصلاً مزدوران روسی در افغانستان هیچ صلاحیتی ندارند که پیشنهادی بکنند و یا فیصله و قراری صادر نمایند؛ لذا نظر ما در مورد پیشنهاد آتش بس مزدوران روسی این است که اصلاً ما به این پیشنهادات هیچ نوع ارزشی نمی‌دهیم و اصلاً می‌دانیم تا زمانی که قوای اشغالگر روس در افغانستان است و تا زمانی که روس‌ها ملت مظلوم ما را به کشتار دسته‌جمعی سوق می‌دهند تا زمانی که تسلط ناروای روس در افغانستان ختم نشود، دیگر ملت مسلمان افغانستان و سنگرداران مؤمن و غیور ما هرگز سلاح را بر زمین نمی‌گذارند و جهاد مسلح‌شان تا سرحد پیروزی کامل و نهایی و استقلال کامل افغانستان و تشکیل دولت اسلامی ادامه خواهد یافت و روس‌ها هر نقابی که به چهره خود بکشند، ما چهره‌های فریبکارانه سیاست روسی را در کشور خود خوب می‌شناسیم و لذا این حرف‌ها که توسط مزدوران‌شان به نام آتش بس گفته می‌شود، هیچ حیثیت و اعتباری ندارد، هدف مزدوران روس از پیشنهاد آشتی ملی در افغانستان ادامه تسلط روس‌ها در کشور ماست.

روس‌ها بعد از اینکه در رویارویی با ملت قهرمان ما از لحاظ نظامی به ناکامی مواجه شدند و یقین کردند که دیگر نمی‌توان ملت مؤمن را که به منظور پیاده کردن حکومت اسلامی در کشورشان سلاح برداشتند، به زور سلاح آن‌ها را در زنجیر غلامی کشید و بر آن‌ها حکمروایی نمود، اکنون دست به نیرنگ‌های سیاسی زده و می‌خواهند تا مزدوران خود را به حیث محور تشکیل دولت آینده افغانستان به جای گذارند که اگر خود بروند؛ اما تسلط و اراده آن‌ها در افغانستان باقی بماند.

بدین وسیله به زعم خود می‌خواهند عده‌ای از مردم بی‌خبر را گول بزنند، در حالی که ملت ما هوشیار و زیرک است و مردم مسلمان و قهرمان ما در طی مبارزات هفت‌ساله با روس‌ها، آگاهی و پختگی سیاسی یافته‌اند و با

نیرنگ‌های دشمن آشنا شده‌اند.

اصلاً دیگر به هیچ شکلی بقا و تسلط روس‌ها در افغانستان قابل قبول نیست و می‌دانند اصلاً اساس فاجعه همین مزدوران وطن‌فروش بودند که هم روس‌ها را فریب دادند و هم ملت افغانستان را در سرنوشت فاجعه‌انگیزی تبدیل نمودند، دیگر وجود مزدوران در سطح اداره و دولت هیچ‌گاه از طرف ملت افغانستان مورد پذیرش و قبول نبوده و ملت ما یقین دارد که راه حل مشکل افغانستان این نیست و اگر روس‌ها چنین تصویری داشته باشند، بار دیگر هم خود را بازی می‌دهند و هم این فاجعه دردانگیز را که امروز ملت ما با آن روبه‌روست، ادامه بیشتر می‌دهند؛ اما باید بدانند که دیگر ملت مسلمان افغانستان تصمیم گرفته که زنجیرهای اسارت را در هم بشکند و به آزادی کامل خود نایل شود؛ لذا هرگز به پیشنهادهای فریب‌کارانه مزدوران روسی در افغانستان بازی نمی‌خورند.

وقایع‌نگار: نظر شما پیرامون مذاکرات ژنو چیست؟

استاد: البته در قسمت مذاکرات ژنو بیش از همه روس‌ها می‌خواهند مذاکرات ژنو را به‌حیث یک حيله و وسیله‌ای به جهانیان تقدیم نمایند که گویا عساکر روسی از افغانستان آماده برآمدن‌اند و برای رسیدن به این هدف باید مذاکراتی صورت بپذیرد و از این راه هم بالای جمهوری پاکستان که در راه حمایت از مجاهدین و پناه‌دادن برادران مهاجرشان در افغانستان مشکلات سختی را متحمل شدند، وارد می‌کنند و می‌خواهند پای پاکستان را در قضیه ناحق بکشانند در حالی که جهانیان می‌دانند که دولت پاکستان و مردم مسلمان پاکستان بر اساس احساس برادری و اخوت اسلامی‌شان مردم مظلوم و بیچاره افغانستان را که به علت هجوم قشون سفاک و خون‌آشام روسی بعد از ویران‌شدن شهرها، قریه‌ها و خانه‌های‌شان به‌سوی مرزهای پاکستان هجرت نموده‌اند، حمایت می‌کنند و در مسئله افغانستان هیچ‌نوع مداخله‌ای ندارند و تنها یک طرف است که در موضوع افغانستان، مداخله و تجاوز بی‌رحمانه نموده و آن هم تنها روس‌هایند که بالای کشور ما بدون حق، حمله‌ور شدند.

روس‌ها با این امید می‌خواهند با برگزاری و ادامه مجلسی در ژنو و مذاکرات

آن، مزدوران خود در افغانستان را به‌حیث یک‌طرف قانونی و یا یک دولت قانونی جلوه بدهند، در حالی که اصلاً رژیم مزدور روسی در افغانستان یک رژیم پوشالی و غیرقانونی است و هیچ حقی ندارد که از طرف مردم افغانستان روی هیچ مطلبی با هیچ طرفی به مذاکره بنشیند.

این‌ها تنها می‌توانند به‌عنوان نوکران روسی و جاسوس (کا. جی. بی) عرض اندام بکنند؛ اما به‌غیر از این، دیگر هیچ صلاحیت و هیچ‌نوع حیثیت حقوقی ندارند که در مذاکرات ژنو اشتراک ورزند؛ اما روس‌ها با فشار آوردن بالای مؤسسات بین‌المللی می‌خواهند که مزدوران خود را به‌حیث یک‌طرف رسمی جلوه بدهند؛ اما ما یقین داریم که آن‌ها دیگر نمی‌توانند جهان را بازی بدهند و همه دنیا به این حقیقت آگاهی دارد که اصلاً دارودسته خلق و پرچم افغانستان هیچ‌کاره نبوده و نیستند و تنها عوامل بسیار کثیف و بدنام روسی‌اند که باعث این فاجعه دردناک در کشور عزیزمان افغانستان شده‌اند.

وقایع‌نگار: اگر جهاد در افغانستان طولانی گردد، چه برنامه‌هایی جهت پیشبرد جهاد روی دست دارید؟

استاد: هرگاه روس‌ها جنگ را ادامه بدهند و قشون خود را از افغانستان بیرون نکنند، ما هم هرگز سلاح را بر زمین نمی‌گذاریم و سنگرداران مؤمن ما برای یک مبارزه طولانی خود را آماده ساخته‌اند.

هم‌اکنون به لطف خداوند، تشکیلات نظامی ما نسبت به گذشته خیلی بهتر شده و ما برنامه‌های وسیعی روی دست داریم تا از لحاظ تشکیلاتی سنگرداران مؤمن ما در سطح بهتر و خوب‌تری قرار بگیرند و یکپارچگی و وحدت سنگرداران در سراسر کشور به‌میان بیاید.

آموزش‌های بهتر نظامی، آگاهی خوب‌تری به تاکتیک جنگ دشمن، فعلاً صورت گرفته و ما در نظر داریم تا بتوانیم گروه‌های زیاده‌تری از مجاهدین را در تشکیلات وسیعی، راجع به برخوردها و تاکتیک‌های دشمن آگاهی‌های مفیدی برای‌شان بدهیم؛

همچنان با سیر گروه‌هایی که در سنگرهای جهاد مطرح‌اند، برنامه‌های مشترکی روی دست داریم تا همه هماهنگ و برای یک جنگ فیصله‌کن و طویل‌المدة، برنامه‌ریزی مشترکی داشته باشیم؛

همچنان در پهلوی فعالیت‌های نظامی، می‌خواهیم روس‌ها را از لحاظ سیاسی هم مورد فشار قرار بدهیم. باید کشورهای مختلفی مخصوصاً کشورهای اسلامی، جهان سوم، کشورهای افریقایی و کشورهای غیرمتعهد در جهت پشتیبانی سیاسی از ملت مسلمان و محکوم کردن روس‌ها بیشتر فعال شوند.

البته تحرکات و فعالیت‌های سیاسی ما در جهت جلب پشتیبانی کشورهای اسلامی و موضع‌گیری‌هایی مستحکم‌شان و پشتیبانی کشورهای غیرمتعهد، یقیناً که روس‌ها را مورد فشار سختی قرار می‌دهد، مخصوصاً سفر اخیر ما که به بعضی از کشورهای افریقایی داشتیم. به راستی که روس‌ها با این تحرکات سیاسی با دست‌پاچگی حتماً روبه‌رو می‌شوند؛ زیرا تاکنون روس‌ها می‌خواستند که روابط انقلاب ما را با جهان سوم قطع بنمایند و این‌طور نشان دهند که اصلاً در افغانستان هیچ‌نوع برخوردی علیه مزدوران‌شان وجود ندارد؛ بلکه یک مداخله خارجی است، در حالی که در افغانستان جز مداخله قشون روسی مداخله خارجی دیگری نیست؛ اما با فعالیت‌های وسیع و گسترده ما، روس‌ها دیگر نمی‌توانند از حمله و حشیانه خود دفاع کنند و بیشتر هم آبروی سیاسی‌شان می‌ریزد و این فشارها باعث می‌شود که روس‌ها در مورد ادامه جنگ تجدید نظر کنند.

من امیدوارم که در داخل جمهوریت‌های اسلامی در آسیای مرکزی و جمهوریت‌های اروپای شرقی که تحت تسلط روس‌ها قرار دارند، به ادامه جنگ در افغانستان و ادامه مقاومت، احساس آزادی‌خواهی به میان آید و سرانجام روس‌ها نتوانند جنگ را به‌صورت درازمدت ادامه بدهند؛ به همه حال، فیصله ملت ماست که تا آزادی کامل کشور به جهاد و مبارزه مسلحانه ادامه دهند.

وقایع‌نگار: چه برنامه‌هایی در زمینه مقابله با تلاش روس‌ها در جهت تغییر فرهنگ اسلامی افغانستان دارید؟

استاد: ما در جمعیت اسلامی، برنامه‌ها و پروگرام‌هایی در راه مقابله با برنامه‌های ویرانگرانه روس‌ها در جهت تغییر فرهنگ اسلامی در افغانستان روی دست داریم و با وجود مشکلات فراوانی که هم از لحاظ وسایل و

امکانات مادی متوجه جمعیت است، با این حال، هم به تعداد زیادی از مدارس^۱ در میان مهاجرین در کشور پاکستان از دوره ابتدایی و تا صنوف دوازدهم فعلاً پایه‌گذاری شده و همچنان در داخل افغانستان با در نظر داشت امکانات و اوضاع، مدارس زیادی هم تأسیس شده. در جمهوری اسلامی ایران نیز در میان مهاجرین هم تعدادی از مدارس تأسیس گردیده‌است و ما آرزو داریم که تعداد زیادتری از مدارس در میان مهاجرین تأسیس شود و در عین حال کورس‌های تربیتی، کورس‌های ایدیولوژیکی هم از طرف تعلیم و تربیت و کمیته‌های تنظیم و دعوت و تعلیم و تربیه فعلاً روی دست است و به کار آغاز کرده‌اند و در پهلوی آن عده‌ای از مبلغین، علما و روحانیون در داخل جبهات و به داخل کشور به صورت منظم سوق داده شده‌اند تا در عین حال، در میان مردم به تبلیغ و آگاهی‌دادن ارزش‌های والای اسلامی بپردازند.

البته مشکل اساسی و عمده ما یک عده از کودکان و نوجوانانی است که در شهرها و مناطق زیر تسلط دشمن به سر می‌برند و این‌ها بدون اراده و اختیارشان توسط مزدوران روس به جبر از دامن پدر و مادرشان کشیده شده و به تحت تربیه مارکسیست‌ها در داخل افغانستان و یا به روسیه فرستاده می‌شوند و این مشکل بزرگی است که ما با آن روبه‌رویم؛ اما با این حال تلاش‌هایی داریم تا حد ممکن جوانان و کودکان ما در داخل کشور از چنگال روس‌ها نجات یابند.

ما امیدواریم که کشورهای اسلامی هم در دانشگاه‌ها و مکاتب خود سهم بیشتری به جوانان افغانستان بدهند تا بتوانیم تعداد زیادی از جوانان را به دانشگاه‌های مختلفی در کشورهای اسلامی بفرستیم و در ضمن کمیته‌های فرهنگی ما هم نشرات وسیعی پخش می‌نمایند تا مردم آگاهی بیشتری حاصل کنند و جلو الحاد و پخش فرهنگ ویرانگر روسی گرفته شود.

وقایع‌نگار: شعار نه شرقی و نه غربی که پایه انقلاب اسلامی ما بر اساس آن نهاده شده بود تا چه حدودی مورد تطبیق قرار گرفته‌است؟

استاد: شعار «نه شرقی و نه غربی» یک مطلب تنها مرحله‌ای یا یک

۱. منظور استاد شهید، مکاتب است. «مرکز تدوین»

شعاری نیست که به طور نمایشی به نزد ما مطرح بوده باشد؛ بلکه این یک حقیقتی است که انقلاب اسلامی نه شرقی است و نه غربی؛ راه اسلام از سوسیالیزم شرق و از کاپیتالیزم غرب کاملاً جداست. انقلاب اسلامی از لحاظ سیاسی؛ از لحاظ اقتصادی؛ از لحاظ اجتماعی؛ از لحاظ فکری و فرهنگی راه بخصوصی دارد و طریق مستقیمی را می‌پیماید.

این حقیقت را ما در برخوردهای خود و در فعالیتهای سیاسی و فرهنگی و انقلابی خود قدم‌به‌قدم مورد عمل قرار داده و همیشه اعلان کرده و گفتیم: آن‌چنان‌که در برابر تجاوز روس‌ها مسلحانه می‌جنگیم، همچنان اجازه نمی‌دهیم که امریکایی‌ها در انقلاب اسلامی ما راه پیدا کنند و ما هرگز بعد از اخراج قوای روسی از افغانستان اجازه نمی‌دهیم یک حکومت دنباله‌رو غرب در کشور ما به‌میان آید و در شرایط کنونی بارها گفته و بار دیگر هم تأکید می‌کنیم که هرگز ما اجازه نمی‌دهیم که افغانستان به‌حیث یک میدان بازی میان شرق و غرب تبدیل شود و این راه، راهی است که ما از آغاز انتخاب و تا سرحد پیروزی انقلاب اسلامی به‌پیش خواهیم رفت و هیچ‌نوع انحرافی در این مسیر به‌میان نمی‌آید.

گفت‌وگوی شانزدهم
با
مجلهٔ عربی العالم
تاریخ: ۱۳۶۴/۹/۴ هـ ش



العالم: گفته می‌شود که در مذاکرات ژنو موفقیت‌هایی نسبت به حل مسئله افغانستان از راه مسالمت‌آمیز به دست آمده و تضمینات بین‌المللی داده شده است، در این باره چه نظری دارید و اگر مذاکرات ژنو به نتیجه‌ای برسد، آیا حمایت خود را از آن اعلام خواهید داشت و به نتایج آن رضایت خواهید داد؟

استاد: کوردووز، نماینده سازمان ملل در این باره گفته است که نسبت به ۹۵ درصد از مسایل افغانستان به توافق رسیده‌ایم، در صورتی که ما فکر می‌کردیم که وی چیزی برای گفتن ندارد. من معتقدم که این مذاکرات هیچ پایه و اساسی ندارد؛ زیرا در این مذاکرات نمایندگان واقعی ملت مسلمان افغانستان اشتراک نکرده‌اند و تا زمانی که نمایندگان واقعی مردم مسلمان افغانستان در این گونه مذاکرات شرکت نداشته باشند؛ هر نوع مذاکراتی در این باره به نتیجه‌ای نخواهد رسید و اگر کسانی باشند که در بین خود در زمینه مسئله افغانستان به نتایجی برسند، ما از آرمان و منافع امت مسلمان خود یک قدم نیز به عقب نخواهیم گذاشت و اگر این نتایج خلاف آرمان ما باشد، مورد قبول ما نخواهد بود و با آن به شدت برخورد خواهیم کرد.

العالم: بعضی‌ها می‌گویند، امریکا سعی می‌کند که جهاد و مبارزه افغانستان را به نام خود به ثبت برساند و از مبارزه مجاهدین در راه منافع خود در منطقه استفاده نماید، این شایعات تا چه درجه می‌تواند درست

باشد؟

استاد: جهاد افغانستان مال یتیم نیست که به وسیله امریکا و یا دیگران به یغما برده شود. جهاد ما اسلامی و در راه رهایی کشورمان از یوغ کمونیست‌ها و برقراری حاکمیت اسلام در افغانستان انجام می‌یابد و از ایمان راسخ مردم مسلمان ما سرچشمه می‌گیرد و کسی حق ندارد که خود را وارث مردم مسلمان افغانستان بداند و آنان را از آرمان‌شان محروم سازند.

العالم: بدون سیاست‌ها و حساب‌های ابرقدرت‌ها، آیا می‌توان برای مسئله افغانستان راه حل مناسبی پیدا کرد؟

استاد: ابرقدرت‌ها سعی می‌نمایند که افغانستان را در بین، به صورت یک مسئله معاملاتی درآورند و در این شکی وجود ندارد و بعضی از کشورهای قدرتمند نیز در این مسئله قصد ایفای نقش دارند. این کشورها که به آن‌ها کشورهای بزرگ گفته می‌شود، جهت حفظ منافع خود سعی می‌نمایند که خود را داخل این مسئله نمایند؛ اما، ما معتقدیم که هر چیز در ید پرتوان و قدرتمند الهی می‌باشد؛

لذا وظیفه ما در چنین وضعی، مایه گذاشتن از جان خود برای حل مشکلات موجود است و این تلاش و عزم ما برخلاف منافع ابرقدرت‌ها و ابرجنایتکاران می‌باشد.

اما اگر به اسلام عزیز تمسک داشته باشیم و بر اساس دساتیر آن بتوانیم روابط خودمان را حفظ نماییم، خداوند متعال تمام درها را به روی ما باز خواهد کرد و ما بدین وسیله بر مشکلات خود فایز خواهیم آمد.

می‌خواهم در باره کیفیت حل بحران افغانستان و به دور از حساب و سیاست‌های ابرقدرت‌ها بگویم که اگر کشورهای اسلامی با توافق برای حل این مشکل گردهم آیند، هیچ ابرقدرتی یارای مقابله با این نیروی عظیم اسلامی را نخواهد داشت. اگر کشورهای اسلامی به وضعیت برتر و نیروی خدادادی خود پی ببرند، بدون شک می‌توانند بحران افغانستان را به دور از دخالت کشورهای بزرگ حل نمایند.

العالم: ارتش شوروی در افغانستان بیشتر از همه به نیروی هوایی خود

متکی است، اگر مجاهدین بتوانند موشک‌های ضد هوایی تأمین بنمایند، به موفقیت‌های بزرگی خواهند رسید؟ چه علتی وجود دارد که تا به حال چنین موشک‌هایی تأمین نشده است؟

استاد: مجاهدین با انواع مشکلات روبه‌رو بوده‌اند. تا کنون کسی به طور جدی و صمیمی برای تأمین تقاضاهای مجاهدین قدمی برنداشته و این مسئله را مورد توجه قرار نداده است. درست است که برای تأمین اسلحه راه‌های غیرقانونی و قاچاق وجود دارد؛ اما پول آن را از کجا به دست بیاوریم؟ این مشکل بزرگ، یعنی بی‌پولی دلیل عمده عدم تأمین سلاح‌های مورد نیاز برای مجاهدین است.

العالم: آیا دولت پاکستان نمی‌تواند این سلاح‌ها را برای شما تأمین نماید؟
استاد: بدون شک پاکستان نیز مشکلات مخصوصی خود را دارد. ما از مردم و دولت پاکستان تشکریم؛ زیرا به خاطر ما متحمل مشکلات زیادی شده‌اند. امروز شوروی به خاطر ما، روستاها و شهرهای پاکستان را بمباران می‌کند؛

بنابراین، ما در چنین وضعی نمی‌توانیم بر مشکلات پاکستان، مشکلات دیگری به وجود بیاوریم و دولت پاکستان را بیش از این دچار دردسر نماییم.
العالم: اوضاع فعلی مجاهدین در خود افغانستان و نیز وضعیت فعلی روس‌ها به دنبال تشدید حملات آن‌ها چگونه است؟

استاد: بدون تردید مجاهدین نیز با بعضی از مشکلاتی که باعث آزار آنان می‌باشد روبه‌رویند و در بعضی از مناطق مسئله گرسنگی، مشکلات اقتصادی، کمبود اسلحه و مسایل گوناگون اجتماعی وجود دارد، علی‌رغم تمام این مشکلات، مجاهدین تا هنوز که هنوز است به نیروهای شوروی ضربات خردکننده‌ای وارد می‌سازند و در پنجشیر، هرات، مزارشریف، بدخشان، کنر، پکتیا و سایر مناطق افغانستان پیروزی‌های چشمگیر و حیرت‌آوری به دست آورده‌اند.

مجاهدین در ۲۷ رمضان گذشته نیروهای شوروی را دره به دره، تارومار کرده بودند. در این درگیری بزرگ و موفقیت‌آمیز، ۱۱۵ افسر و ۲۵۰ سرباز

اسیر و مقادیر زیادی اسلحه نیز به غنیمت گرفته شد. روس‌ها نیز به دنبال این مغلوبیت خود به قصد انتقام، دست به یک حملهٔ وسیع زدند که مجاهدین نیز در این حملات ۶۰ خودرو نظامی آن‌ها را منهدم کرده، سه هواپیما را سرنگون کردند و ۵۰ سرباز نیروی ویژهٔ روس‌ها را به هلاکت رساندند؛ اما مردم افغانستان از ادامهٔ کشتار بی‌رحمانهٔ روس‌ها رنج می‌کشند و این نیز برای مجاهدین مسلمان افغانی که توان کمک به مردم عادی را ندارند، اضطراب‌آور می‌باشد و آنان را عذاب می‌دهد.

گفت‌وگوی هفدهم
با
مجله‌العالم چاپ لندن
تاریخ: ۱۵ دلو ۱۳۶۳ هـ ش



العالم:^۱ آیا ممکن است چیزی از وضع عمومی مجاهدین در افغانستان صحبت نمایید؟

استاد: تجارب جنگی مجاهدین در کشور ما - با آنکه در طول پنج سال تجاوز اشغالگران روس در کمیت و کیفیت اسلحه جانبازان تغییری عمده‌ای پدید نیامده - روبه افزایش است و نیروهای روسی در استرداد مواضع و سنگرهای مجاهدین که مجاهدین با استقامت و ایثارگری‌های خود آن را از تسلط دشمن خارج ساخته بودند، موفق نشدند؛ ولی تجاوزگران روسی در سال ۱۹۸۴ م، به برخی از راه‌های کمکی دست یافته و با ایجاد سیاست تباهکارانه مشکلات اقتصادی و زمینه‌های نیازمندی و گرسنگی مردم ما را فراهم آورده، مزارع و کشتزارهای دهقانان را به آتش کشیدند که در نتیجه مجاهدین در بعضی مناطق از ناحیه تأمین غذا به وضع بسیار بدی قرار گرفتند با این هم به حمدالله مقاومت ما به همان گستردگی آن ادامه داشته و این چیزها بر روحیه ما تأثیری وارد نمی‌کند.

العالم: آیا حقیقت دارد که فعالیت‌ها و عملیات مجاهدین به داخل مرزهای روسیه کشانده شده‌است؟

جواب: بلی؛ مجاهدین ما عملیات موفقیت‌آمیزی در قلمروهای مسلمان‌نشین تحت اشغال روسیه انجام می‌دهند و با اینکه این عملیات به پیمانۀ وسیعی صورت نمی‌گیرد با آن هم یورش‌های ناگهانی و غافلگیرانۀ مجاهدین بالای مراکز دولتی روس‌ها و به‌ویژه در داخل مناطق

۱. این متن ترجمه شده مصاحبه استاد شهید، با مجله العالم چاپ لندن است.

مسلمان‌نشین پیروزی‌هایی را در پی دارد؛ زیرا مردم مسلمان جمهوریت‌های تحت اشغال روسیه مجاهدین ما را در عملیات بالای مراکز دولتی روس یاری می‌دهند و در اثنای عملیات رهنمایی می‌نمایند.

العالم: نیروهای روس که داخل پنجشیر شدند، مهندس احمدشاه مسعود با آن‌ها پیمان آتش‌بس را منعقد نمود و رسانه‌های خبری، در ابراز این واقعه مبالغه نمودند، حقیقت این قضیه چه بوده و این آتش‌بس به مصلحت کدام طرف بود؟

جواب: دره پنجشیر از سنگرهای مهم و اساسی مجاهدین در داخل افغانستان است و مجاهدین حملات خود را از این سنگر پرافتخار بالای کاروان‌های نظامی روس‌ها در راه‌های عبور و مرور آن‌ها انجام می‌دهند و اکثر اوقات راه‌ها را بر آن‌ها مسدود می‌سازند و در این دره مجاهدین آموزش نظامی می‌بینند و زیاده‌تر پلان‌ها و برنامه‌های عملیاتی بالای نیروهای روسی و در محاصره قراردادن آن‌ها در همین جا طرح می‌گردد، از همین رو، روس‌ها بیشتر متوجه این سنگر شده و تا قبل از به قدرت رسیدن «چرنینکو» هفت بار به شدت به این دره حمله آوردند و در هر بار به صورت مفتضحانه‌ای شکست خوردند و مجاهدین در این حملات پیروز به در آمدند؛ اما «چرنینکو» در هشتمین حمله‌ای خود بر دره پنجشیر تمام انواع سلاح‌های خود را اعم از تانک‌ها و هواپیماهای گوناگون، موشک‌ها و توپ‌های پیشرفته و گازهای شیمیایی به کار برده و مجاهدین مجبور گردیدند تا مواضع خود را ترک گویند؛ زیرا آنان هم بشرند و جسم‌های‌شان از آهن نیست؛

بلی، آنان آنجا را ترک گفتند تا از گازهای شیمیایی نجات یافته و پس از رفع اثرات گازها دوباره به سنگر باز گردند و هم‌اکنون مجاهدین با همه مشکلات عدیده و طاقت‌فرسا جنگ خود را در داخل دره پنجشیر با موفقیت به پیش می‌برند؛ اما اثرات هجوم نیروهای روسی به داخل دره باعث آواره شدن بیش از ۸۰ هزار از مردم ساکن در آن دره شده، خانه‌ها، مزارع و کار و کسب و خود را از دست دادند و مشکل بزرگی را به وجود آوردند.

در باره آتش‌بس که داعیه‌ها در آن نقش بزرگی داشتند، مهندس احمدشاه

مسعود در اوضاع خاصی آتش‌بس را عقد کرد و در این آتش‌بس نفع مجاهدین متصور بود؛ نه روس‌ها؛ زیرا در آن هنگام هوا بسیار سرد بود و مجاهدین شش ماه کامل در برابر نیروهای مجهز روسی مقاومت کرده بودند و ذخایر مجاهدین از سلاح و مهمات تا غذا و نیازمندی‌های اولیه در حال تمام‌شدن قرار داشت و در این اوضاع، ادامه جنگ با ارتش مجهزی که تا دندان مسلح است، غیرممکن بود و کلاً به ضرر مجاهدین قهرمان ما تمام می‌شد و روس‌ها با عدم معلومات وضع مجاهدین چون تلفات و ضایعات خود را در نتیجه پیکار با مجاهدین زیاد و جبران‌ناپذیر ملاحظه می‌کردند، پیشنهاد امضای آتش‌بس را نمودند و برادران ما خود را در مقابل انتخاب مشکلی یافتند که یا به جنگ ادامه دهند و ذخایرشان در مدت بسیار کمی تمام شود و یا سرانجام به‌خاطر به‌دست آوردن نیرو و اکمالات لازم آتش‌بس را قبول کنند و بعداً یورش خود را بالای نیروهای روسی از سر بگیرند.

شرایط آتش‌بسی که مجاهدین مطرح کردند و روس‌ها قبول نمودند، به نفع مجاهدین بود، به‌طور مثال یکی از این شرایط این بود که مجاهدین ماشین‌های روس‌ها را بازرسی کنند و روس‌ها حق تفتیش ماشین‌های امدادی مجاهدین را ندارند و بدون شک مجاهدین شرایط خود را در این آتش‌بس بالای روس‌ها قبولانده بودند و از جانبی حاضرشدن روس‌ها به آتش‌بس در حقیقت ضربه‌ای بی‌نظیری به موجودیت «پکت رسوایی ورشو» می‌باشد و اینکه یک ابرقدرت با همه قشون و تجهیزات نظامی خود در برابر ملت بی‌سلاح حاضر به آتش‌بس می‌شود.

روسیه با این آتش‌بس، در واقع سند شکست خود را به امضا رسانده است و این شکست در تاریخ ثبت می‌گردد.

العالم: آیا اعتقاد دارید که دره پنجشیر دوباره به تسلط مجاهدین در می‌آید؟
استاد: مجاهدین قسمت‌های بزرگی از وادی پنجشیر را به‌دست آورده‌اند و کوبیدن نیروهای روسی با این همه سلاح‌ها و مهمات بی‌شمار آن‌ها، به یکبارگی کار سهلی نیست.

العالم: طوری که شنیده می‌شود در این اواخر شما با حزب اسلامی پیرامون

مساعدت با یکدیگر در زمینه عملیات جنگی موافقه کرده‌اید، این توافق تا چه اندازه موفق بوده و چرا این توافق را با سازمان‌های دیگر انجام ندادید؟
استاد: ما همواره در جهت توافق و اتحاد مجاهدین و هماهنگ ساختن ضربات آنان بالای دشمن تلاش ورزیده‌ایم و این امر را وجیه خود می‌دانیم؛ لذا از برادران خود در حزب اسلامی دعوت به توافق کردیم که الحمدلله اثرات آن خیلی خوب است و ما در زمینه روابط با سایر جمعیت‌های برادران در نیکوترین صورتی به سر می‌بریم.

العالم: بعضی رسانه‌های خبری، از مدتی است که تبلیغ می‌کنند که شما در آستانه یک اتحاد با ظاهرشاه به خاطر تشکیل دولت در تبعید قرار دارید، در این مورد توضیح دهید.

استاد: این ادعا دروغ و توطیه است. من همیشه به اعضای اتحاد سه‌گانه توصیه می‌کنم که از ظاهرشاه حرفی به میان نیاورند؛ زیرا وی در حکم عدم و بلکه از نظر سیاسی مرده است و امکان زنده شدن وی موجود نیست و با آن‌ها گفتم که وی را ترک گویند و به صفوف برادران خود ملحق شوند. بازگشت ظاهرشاه به افغانستان مصیبت بزرگی است. ظاهرشاه کمونیزم را به کشور ما آورد و آمدن وی به افغانستان محال می‌باشد.

ما می‌خواهیم که صفوف همه کسانی را که خواهان آزادی افغانستان‌اند، متحد سازیم و نمی‌خواهیم که در کشمکش‌های خود و یا دیگران، از اتحاد سه‌گانه داخل شویم، ما بسیار زیاد می‌شنویم که نظر اتحاد سه‌گانه نسبت به ظاهرشاه تغییر خورده است؛ اما نسبت به حکومت در تبعید، باید گفت که ما مشاهده می‌کنیم که موجودیت نمایندگی سیاسی در خارج، یک امر لازمی است؛ تا در درازمدت دولتی را که منشور اتحاد اسلامی خصوصیات آن را تصریح کرده و تا کنون طرح آن به اتمام نرسیده است، ایجاد شود؛ اما حالا چه در داخل و چه در خارج تشکیل دولت در تبعید را تأیید می‌داریم و تشکیل دولت در تبعید را به منزله تحرک سیاسی‌ای که به نفع قضیه افغانستان باشد، تأیید می‌کنیم؛ نه دولت تحت رعایت ظاهرشاه را.

العالم: حل مشکل افغانستان چگونه ممکن است؟

استاد: استمرار جهاد امر لازمی است؛ اما کمک و تأیید مجاهدین آنان را بر نیروهای دشمن تمکن می‌دهد و باید مسلمین جهان مجاهدین ما را در استمرار جهاد اسلامی شان کمک همه‌جانبه نمایند.

العالم: مذاکرات ژنو را در باره حل این مشکل چگونه می‌بینید؟

استاد: گذشته از اینکه یگانه حل مشکل قضیه افغانستان استمرار جهاد است، مذاکرات ژنو به شکل کنونی مطلقاً ارزشی ندارد؛ بلکه ضیاع وقت می‌باشد؛ زیرا دو طرف اساسی در حل مشکل که مجاهدین و روس‌ها می‌باشند، هردو در این مذاکرات شرکت ندارند؛ بلکه کارمل به میز مذاکره می‌نشیند که نمایندگی مردم افغانستان را کرده نمی‌تواند و پاکستان که طرف اصلی قضیه نیست و چنین مذاکراتی به‌طور مطلق نتیجه‌ای را به بار نمی‌آورد.

گفت‌وگوی هژدهم
با
روزنامه‌های «الشرق الأوسط» و «عرب نیوز»
تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۵ هـ ش



خبرنگار: امکان دارد که در بارهٔ اوضاع فعلی افغانستان به ما معلومات دهید؟^۱

استاد: در این اواخر پس از به قدرت رسیدن «چرنینکو»^۲ تغییری در سیاست تجاوزکارانهٔ روسیه نسبت به موضوع افغانستان پدید آمده و روس‌های جنایتکار بر کمیت و کیفیت جنایات و وحشی‌گری‌های خود شدت بخشیدند و تهاجمات آن‌ها بر اکثر مناطق کشور ما به شکل وسیع‌تر و گسترده‌تری انجام می‌یابد.

هدف از این تهاجمات بی‌سابقه، نابود ساختن مراکز و تسلط بر قرارگاه‌های اساسی مجاهدین و خالی ساختن مناطق مسکونی از سکان می‌باشد. تجاوزگران روسی در تهاجمات اخیر خود از هرگونه سلاح‌های مدرن و پیشرفته و گازهای سمی و شیمیایی و سلاح‌های جدیدی که تاکنون سابقه نداشته، علیه مجاهدین و مردم محروم و مستضعف ما استفاده کردند. در این روزها، نیروهای تجاوزگر روسی حملات جدیدی را بالای مناطق مختلف افغانستان و از آن جمله در هرات، درهٔ پنجشیر، مزار شریف، قندهار و قسمت‌های شمالی کشور ما انجام دادند و خسارات جانی و مالی فراوانی را بر هم‌وطنان ما وارد ساختند که اثرات ویرانگرانهٔ استفاده از

۱. البته این متن ترجمهٔ شده رهبر استاد شهید است.

۲. نامش کُنْستانتین چرنینکو است که در ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱ م، به دنیا آمد و در ۱۰ مارچ ۱۹۸۵ م، به عمر ۷۳ سالگی درگذشت. وی سیاست‌مدار اهل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پنجمین دبیرکل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بود. «مرکز تدوین»

سلاح‌های شیمیایی در نقاط متذکره به‌صورت واضح مشهود است؛ اما با این‌همه وحشی‌گری‌ها به فضل و یاری حق - سبحانه و تعالی - نتوانستند که بر قرارگاه‌های مجاهدین دست یافته و موفقیتی را از لحاظ نظامی نصیب شوند؛ بلکه در همه حملات خود ناکام مانده و به شکست مواجه شدند و چیزی که در این تهاجمات از خود به‌جای گذاشتند، ویرانی خانه‌های مسکونی و غیرنظامی بوده و به هر منطقه‌ای که دست یافتند، تعداد زیادی از مردم بی‌گناه را به شهادت رساندند؛ زنان، کودکان و پیرمردان را به رگبار بستند.

در مقابل، جانبازان اسلام موفق شدند که تهاجمات آن‌ها را به عقب زده و تعداد فراوانی از آن‌ها را کشته و مجروح سازند و مقادیری از سلاح‌های جدید و مختلف آن‌ها را به غنیمت گیرند.

این تهاجمات به‌صورت مستمری بوده و زیادتر متوجه مناطق مسکونی است؛ زیرا دشمن در نظر دارد با انجام اعمال وحشیانه و غیرانسانی خود مردم مسلمان ما را به ترک خانه و کاشانه‌شان مجبور سازد تا به مجاهدین کمک مردمی صورت نگیرد و از این طریق بر مجاهدین ضربه وارد گردد؛ اما ملت مسلمان و مظلوم ما می‌داند که خالی ساختن مناطق مسکونی، اثرات سوئی بر آینده جهادشان دارد.

از این‌رو تمام مشکلات را قبول می‌کنند؛ اما مناطق خود را ترک نمی‌گویند و این یکی از مواهب خداوندی است که ملت فداکار ما با قبول همه مشقت‌ها، به استقامت و پایداری خود تا بیرون‌راندن تجاوزگران از خاک‌شان و به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی در سراسر افغانستان ادامه می‌دهد.

خبرنگار: وضع نظامی شما نسبت به گذشته بهتر است و یا خیر؟

استاد: وضع نظامی ما نسبت به گذشته بدتر نیست و چیزی که نگران‌کننده است، اجرای سیاست‌های ویرانگرانه و در مضمیق قراردادن مردم ما از لحاظ اقتصادی و مالی می‌باشد که بر اساس آن مزارع ما را به آتش می‌کشند و دهقانان ما را به قتل می‌رسانند و زمینه‌های تولید و زراعت ما را نابود می‌سازند. با آنکه آمار شهدای ما همه‌ساله بلند می‌رود، با آن هم مجاهدین

ما به تاکتیک‌های جدید جنگی دست می‌یابند و چیزهای نوی را از لحاظ نظامی می‌آموزند؛

بنا بر این وضع نظامی ما در بسا جوانب از گذشته بهتر است.

خبرنگار: آیا سلاح‌های جدید و پیشرفته‌ای را هم به دست آورده‌اید؟

استاد: تا کنون آن‌طور سلاحی که در برابر سلاح‌های مدرن دشمن صد درصد مؤثر و کارساز باشد به دست ما نیامده، هرچند نیاز شدیدی به آن داریم و جنگ کنونی ما توسط سلاح‌های قدیمی و سلاح‌هایی که از روس‌ها به غنیمت گرفته‌ایم، به پیش می‌رود که گاهی مقابله با تجاوزگران با این سلاح‌ها غیرممکن به نظر می‌خورد؛ ولی سلاح مؤثر و کارساز ما، سلاح ایمان و عشق به پیروزی انقلاب اسلامی در کشور است که ما را در هر جبهه علیه دشمن پیروز می‌سازد.

خبرنگار: برای مهاجرین موجوده در پاکستان و آن‌هایی که مناطق خود را در داخل افغانستان ترک گفته‌اند، از چه منابعی کمک و مساعدت صورت می‌گیرد؟

استاد: آن عده مهاجرین افغانی که در پاکستان مهاجرت کرده‌اند، از یک سلسله مساعدت‌های بعضی کشورهای اسلامی و کمک‌های بعضی هیئت‌های خارجی از طریق حکومت پاکستان برخوردارند؛ اما آن عده مهاجرینی که در داخل افغانستان به ترک خانه‌ها و مناطق خویش مجبور شده‌اند و به مناطق کوهستانی و صعب‌العبور داخل پاکستان هجرت نموده‌اند، به مشکلات و دشواری‌های شدیدی مواجه می‌باشد و تا کنون به آنان هیچ‌گونه کمک و مساعدتی صورت نگرفته است؛ زیرا به اثر بمباران‌های وحشیانه تجاوزگران روسی، قریه‌ها و شهرها ویران شده و مهاجرت داخلی در افغانستان از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر ادامه دارد.

این مردمی که به خاطر جنایات روس‌ها به ترک خانه‌های خود در داخل افغانستان مجبور می‌شوند و به مناطق دیگری هجرت می‌کنند، نیاز شدیدتری به مساعدت دارند، نیازشان به غذا، پوشیدنی و ادویه خیلی شدید است و این امر مشکل بزرگی پیش‌روی ما قرار دارد و آرزو مندم اهتمام

زیادتری در این زمینه صورت گیرد؛ چه اهتمام به وضع مهاجرین داخلی نسبت به مهاجرین خارج از کشور، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا موجودیت و بقای مردم در داخل افغانستان، در شهرها و قریه‌ها، در روند آینده جهاد و تداوم آن و در تقویۀ روحیۀ مجاهدین مؤثر می‌باشد؛ اما اگر شهرها و قریه‌های کشور ما از باشندگان آن خالی گردد، آثار بدی در جهاد وارد می‌سازد.

خبرنگار: وضع ارتش افغانی چگونه است؟ آیا با روس‌ها همکاری دارند و یا دوست مجاهدین می‌باشند؟ و مخصوصاً، آیا سلاح ضد جنگنده‌های روسی دارید و یا خیر؟

استاد: در افغانستان ارتشی به معنای حقیقی آن وجود ندارد؛ زیرا ارتش گذشته افغانستان از صد و صدویست هزار تن نزدیک به سی هزار تن کاهش یافته و آن را هم جوانان تشکیل می‌دهد که روس‌ها و مزدوران آن اینجا و آنجای کشور ما دستگیر و به‌زور به مناطق عسکری انتقال داده‌اند و به این کار راضی نمی‌باشند و یا با افسران خود در جنگ‌ها به مجاهدین می‌پیوندند و یا ارتش را ترک می‌گویند و به شهرها و قریه‌های خود و یا به خارج می‌روند.

از این‌رو؛ بین مجاهدین و ارتش افغانی جنگی وجود ندارد، اگر چنین می‌بود، جنگ در یک هفته و دو هفته زیادتر ادامه نمی‌یافت و اکنون افسران و سربازان موجود در ارتش به تمام معنی با مجاهدین موافقت داشته و موجودیت ارتش سرخ را در افغانستان نمی‌خواهند.

ناگفته نماند که روسیه و رسانه‌های گروه وابسته به آن، پیوسته به مردم می‌گویند که ما جز از تفنگ‌های قدیمی و توپ‌های روسی و سلاح‌هایی که از دشمن به غنیمت گرفته‌ایم، چیز دیگری در دست نداریم و این سلاح‌ها نسبت به هواپیماهای جنگی و هلیکوپترهای سنگین دشمن کارساز نمی‌باشد.

خبرنگار: یعنی شما به توپ‌ها و سلاح‌های جدید و ضد هواپیما و ضد تانک نیاز دارید؟

استاد: در این شکی نیست.

خبرنگار: ممکن است که آماری از شهدای خود که از آغاز جنگ با روس شهید شده‌اند، به ما بدهید؟

استاد: به صورت درست به خاطر گستردگی جنگ در سراسر افغانستان نمی‌توانیم احصایی دقیقی از شهدای خود ارایه دهیم و آمار دقیق زمانی به دست می‌آید که جنگ خاتمه یابد و از هر خانواده‌ای و در هر قریه‌ای از ولایات افغانستان، تحقیق صورت گیرد و لکن شماری که تا کنون از شهدا و مجروحین خود در دست داریم، اضافه از هشت صد هزار تن می‌باشد.

خبرنگار: از آغاز جنگ؛ چقدر روس کشته و زخمی شده‌اند؟

استاد: حوالی پنجاه هزار تن.

خبرنگار: شمار مهاجرین چند است؟

استاد: در حدود سه و نیم میلیون در پاکستان و یک و نیم میلیون در جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها که مجموعاً به پنج میلیون بالغ می‌گردد؛ یعنی بیست و پنج درصد از مردم ما مهاجر شده‌اند.

خبرنگار: شنیده می‌شود که در افغانستان گرسنگی‌ای وجود دارد که بر مجاهدین تأثیر می‌اندازد.

استاد: اکنون در کشور ما مضیقه اقتصادی و کمبود مواد غذایی وجود دارد که دشمن با تمام وقاحت قصد تکذیب آن را دارد و شکی نیست که بر نیروی مقاومت تأثیر می‌اندازد و حل آن به کمک و مساعدت ممکن می‌باشد.

خبرنگار: آیا به خاطر حل سیاسی قضیه افغانستان تماس‌هایی صورت گرفته است؟

استاد: نه‌خیر؛ روس و متحدان آن از اینکه همواره مسئله قضیه افغانستان را پیش می‌کشند، هدف آن‌ها رسمی و قانونی جلوه‌دادن مزدوران‌شان در کابل می‌باشد و می‌خواهند از این طریق، به آنان حیثیت رسمی و قانونی دهند که این «خواب است و خیال است و محال» و هیچ‌گاه شده نمی‌تواند که مزدوران سرسپرده آن‌ها مثل ملت مسلمان افغانستان باشند و یا ملت آن‌ها را به نمایندگی خود بپذیرد.

اصلاً روس نمی‌خواهد که به این مسئله پایان بخشد و هرگاه تحت فشار عملیات مجاهدین قرار می‌گیرد، مسئله حل سیاسی افغانستان را موضوع قرار می‌دهد و مسئله را با به‌میان‌آوردن مزدوران خود در کابل به لُف و دوران می‌کشانند.

خبرنگار: آیا از امریکا کمکی دریافت نموده‌اید؟
استاد: نه خیر.

خبرنگار: قرار ادعای روسیه و رسانه‌های گروه وابسته به آن، شما از امریکا کمک نظامی اخذ می‌دارید، در حالی که شما نیاز شدیدی به سلاح‌های پیشرفته [دارید، آیا این ادعا واقعیت دارد و] خواسته‌های مجاهدین در زمینه کمک به آنان چیست؟

استاد: مجاهدین نیاز شدیدی به کمک‌های ملّت‌های مسلمان و مساعدت‌های بشردوستانه و بدون قید و شرط جهانیان به‌صورت مستمر و دایم دارند.

خبرنگار: در اینجا خوفی وجود دارد که روس‌ها به پاکستان حمله نمایند؟
استاد: شکی نیست که تهاجم روس‌ها به پاکستان یکی از اهداف عمده و دیرین آن‌ها بوده؛ اما اکنون روس‌ها متوجه شده‌اند که هجوم‌شان به افغانستان اشتباه بزرگی بوده‌است. قصد داشتند که به‌طرف آرزوی خود گام‌به‌گام به‌پیش بروند؛ اما پای‌شان در افغانستان به گِل ماند و هرچند که تلاش می‌کنند، خود را از این مهلکه نجات داده نمی‌توانند.

خبرنگار: چه مساحتی از افغانستان تحت تسلّط روس‌هاست؟
استاد: زیاده‌تر از هشتاد درصد از خاک افغانستان آزاد بوده و تحت تسلّط مجاهدین است.

خبرنگار: کدام یک از شهرهای مهم افغانستان در تسلّط روس‌هاست؟
استاد: تمام قسمت‌های شهرهای مهم ما در سیطره روس نیست، به‌طور مثال اکنون جزئی از شهر هرات در تصرف دشمن است و حتّی قسمتی از بازارهای این شهر در تصرف مجاهدین و قسمتی در تصرف روس است و همچنان روس‌ها «۴-۶» کیلومتر از شهر کابل را زیاده‌تر به‌دست ندارند که آن‌هم اکثر قسمت‌های آن زیاده‌تر اوقات به‌دست مجاهدین می‌افتد.

خبرنگار: چه پیامی دارید؟

استاد: تهاجم روس‌ها به افغانستان تنها تهاجم به کشور ما نمی‌باشد؛ بلکه مقدمه‌ای است، برای استیلا بر بسیاری از مناطق جهان اسلام. بنابراین دفاع از افغانستان، دفاع از تمام جهان اسلام است و از این‌رو بر هر مسلمانی واجب است که از برادران خود در افغانستان دفاع نماید تا ملت مسلمان و قهرمان ما بتواند به جهاد خود به‌صورت قهرمانانه ادامه دهد و از جهان اسلام در برابر دشمن روسی به‌صورت درستی دفاع نماید و در برابر ایدئولوژی و نیروی نظامی و اندیشه‌های توسعه‌طلبانه کرمین نشینان مقاومت کند و از خداوند بزرگ و توانا \ تمنا داریم که ما را در استقامت ما و در جهاد ما پیروز گرداند و برادران مسلمان ما را در سرزمین‌های اسلامی موفق به کمک، به برادران مجاهدشان در افغانستان و پیروز در جهاد و آرمان‌های خودشان گرداند.

رویکردها



**** قرآن کریم؛**

۱- دانشیار، امیر اعتماد (۱۳۷۱). جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، نوبت چاپ: اول، چاپ: گلینی، ناشر: مؤسسه انتشارات بهینه، تهران، ایران؛

۲- رشید، احمد (۱۳۸۰). طالبان: اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید، مترجمان: صادق باقری، اسدالله شفایی، چاپ نخست، ناشر: دانش هستی؛

۳- ضعیف، عبدالسلام (بی تا). تصویری از گوانتانامو، خاطرات ملا عبدالسلام ضعیف از زندان گوانتانامو، (pdf)، مترجم: وحید مژده، ناشر:

<http://www.aqeedeh.com>.